

دنیای انرژی

۳۱

ماهنامه تخصصی حوزه انرژی

۸۴ صفحه

دی ۱۳۹۷

قیمت ۲۰/۰۰۰ تومان

The World of Energy Magazine

توسعه صادرات پتانسیل مخورین

سیزدهمین همایش سالانه اتحادیه
صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

SUSTAIN YOUR MOTION IN ALL CLIMATES



Long Life Engine Coolant / Antifreeze



www.behranoil.com export@behranoil.com

MOTOR OIL **Express**

GEAR OIL-HYDRAULIC OIL-ENGINE OIL-BASE OIL



Petro Nikan Alborz Company

- 📍 کرج، میدان مادر، بلوار دانش آموز
ساختمان سوپر استار طبقه سوم، واحد ۱۱
- ☎ 026- 32756252
- 📍 Karaj, Madar square, danesh amooz
Boulevard, super star building,
3rd stair, number 11
www.expressmotoroil.com
www.petronikanco.com





شرکت فراشیمی روز

FARASHIMIROOZ

هدف ما تامین رضایت مشتریان و پاسخگویی به نیاز آنها
می باشد شرکت فراشیمی روز به دنبال روابط طولانی مدت
و پایدار با مشتریان خود می باشد



فعالیت ها و امکانات شرکت به شرح زیر می باشد

- صادرات روغن پایه / روغن
- صادرات بیش از ۳۰/۰۰۰ تن قیر ماهانه به صورت فله و بشکه
- بسته بندی مظروف سازی ۲/۰۰۰ تن قیر بصورت روزانه
- مخازن با ظرفیت ذخیره سازی ۱۶۰۰۰ تن در بندر عباس و ۷۰۰۰ تن در بوشهر
- تنها شرکت با کشتی های حمل و نقل دریایی بالک با وسایل گرم کننده تا ۱۳۰ درجه
- ارسال زمینی و دریایی محموله از طریق کشتی های تحت مالکیت و اجاره شده توسط ما

شرکت فراشیمی روز

تهران، پلوار نلسون ماندلا (آفریقا)، نرسیده به مدرس، پلاک ۲۴۴، برج اداری الهیه
طبقه ۵، واحد ۵۰۵ تلفن: ۲۶۲۱۲۸۵۹ فکس: ۲۶۲۱۲۹۸۹



www.farashimirooz.com
info@farashimirooz.com

NO MORE ROAD REPAIR

آنها را کنار آن فروری

نولسه کننده و صادر کننده انواع گریس و قیر



ACE OIL
YOU WORTH THE ACE

WWW.ACEOIL.CO
INFO@ACEOIL.CO
021 26253566

جدید!



فن آوری پیشرفته سینتیک و نیمه سینتیک با روغن موتورهای **پاور**



SG/CD-20W50



SL/CF-20W50



SL/CF-10W40



SM-10W40



SN-5W30



SN/CF-5W40

پترونول

پترونول، بهترین تجربه در تولید انواع روغنهای خودرویی و صنعتی - نماینده انحصاری پتروس آلمان، آفرودیت و اواناسان اومیکس - همکاری مشترک با شرکت زمین فاسور چرخشگر نماینده انحصاری 75- همکاران مشترک با شرکت گواد - باهمین گستره متنوع صنایع بزرگ مقیاس مناطق نفتخیز جنوب - سرویس خودرو و موتور - گرمان موتور - خوب آهن استخوان - کله آهن صنایع گشتی رانی و - آسانه ارائه خدمات مشاوره و مهندسی و تامین انواع نیاز و نیازهای صنایع باشد.



Full Gold



Best for the Best
www.petronoil.com
info@petronoil.com



Unit 27, Floor 7, No. 15, Blvd
Tehran, Iran
Tel: 021-88888888
Fax: 021-88888888

پدیرش محدود عاملیت فروش



شرکت کرپ ایران

تهران، خیابان شهید بهشتی، طبقه دوم، پلاک ۲۲
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸



مورد تأمین شرکت های خودروسازی کشور
www.crop.ir info@crop.ir

- روغن حرارت
- روغن هیدرولیک
- ضدیخ/ضدجوش
- روغن فرمان
- انواع روغن موتور
- آب رادیاتور
- انواع روغن دنده
- مایع شیشه شوی



کیمیا پارافین
Kimia Paraffin Co. Ltd.

About twenty years experiences, alongside the well-equipped laboratory and production line, enable us to supply the best quality paraffin waxes and Foils oil according to our customers requirements.

www.kimiaparaffin.com



Kimia Paraffin Manufacturing & Trading Company
بیست سال تجربه تولید و صادرات پارافین جامد در خدمت صنایع



Center Office: No.23, 4TH Floor, Hakimzadeh Alley, North Shiraz St, Tehran - Iran
Postcode:1991647612
Tel: +98 (21) 88047470 - 88047484 Fax: +98 (21) 88047498
Factory: No. 1484, 6/1 St., Darya Ave, Abbas Abad Industrial Zone - Tehran - Iran
Tel: +98 (21) 36423787
Email: info@kimiaparaffin.com

Amut
ENGINE OIL



Produced by Taktaz Shimi Sanat Co

Chairman of the Board Gholamreza Behzadi
Phone +98 26 33553720 Fax +98 26 33517459
Cell Phone +98 912 1694707 Central office Unit 3th,
2th Floor, Iranzamin Bldg, next to Tajarat Bank, Isfah Blvd,
Derakhsh St, Karaj, Iran

Commercial manager Behzad Behzadi
Phone +98 21 88100245 +98 21 88100344
Fax +98 21 88460719 Cell phone +98 912 1270095
Email B_Behzad72@yahoo.com



شرکت تولیدی قیر دایا
تاسیس ۱۳۹۲



✓ تولید انواع قیر استاندارد (PG, VG, MC, RC, Pen grade, AC, Rubber bitumen)
✓ تولید بشکه صادراتی ✓ طرف قرارداد وزارت راه و شهرسازی



دفتر: تهران، شهرک غرب، بلوار فرحزادی، خیابان سپهر، پلاک ۲۰، طبقه ۵
کارخانه: تهران، جاده ۱۸، جنب پلیس راه حسن آباد

info@dejpa.com www.dejpa.com
تلفن: ۸۸۶۹۹۱۵۰ فکس: ۸۸۶۹۹۱۸



نفت هرمزان



نفت هرمزان

HORMOZAN OIL
BITUMEN SUPPLIER

CONTACT US:
+982188828280

www.hormozanoil.com

واحد تولید

واحد بشکه سازی

آزمایشگاه و تجهیزات R & D

پایانه صادراتی





شرکت تولیدی پارافین آرش مهیا



صادر کننده برتر استان البرز در سالهای ۹۴، ۹۵ و ۹۶

دارنده گواهینامه های CE و ISO10002، ISO14001، ISO9001

دارنده نمایندگی انحصاری در کشورهای امریکای لاتین

دارنده سیستمهای نوین تصفیه و پالایش پارافین

صادرات به بیش از ۲۰ کشور در اقصی نقاط دنیا

بیش از ۱۷ سال تجربه در امر صادرات



Production Company
Arash Mahya

اطلاعات تماس شرکت
۴۴۰۷۱۰۲۴ - ۴۴۰۷۱۰۲۶
۴۴۰۶۳۹۲۷ - ۴۴۰۷۱۰۲۸



شرکت روان گستر

تولید کننده انواع روغن موتور
روغن صنعتی، روغن دنده، هیدرولیک و گریس



Engine Oil ALP
Ravan Gostar Co

روغن موتور ۵۰۰۰
حجم ۴ لیتر



کاهش اصطکاک قطعات متحرک موتور

کاهش سایش قطعات موتور

خنک نمودن قطعات داخلی موتور

محافظت قطعات موتور در دماهای مختلف

کارکرد بهینه قطعات موتورهای مختلف



info@alpmotoroil.com

www.alpmotoroil.org

MIRAL

MOTOR OIL

کیفیتی مطمئن برای
تمامی فصول



با تاییدیه
استاندارد ملی ایران



Qom Motor Oil

محصولی از شرکت روغن موتور قم
آدرس: قم، شهرک صنعتی سلفچگان، نبش خیابان فتح
تلفن: ۰۲۵۳۳۶۷۳۹۰۵ فکس: ۰۲۵۳۳۶۷۳۹۳۳

www.qmoil.com

Faraz Motor Tehran Co.

Manufacturing

FM&T

www.farazmotor.com

The manufacturer, FARAZ MOTOR TEHRAN, was established in 1998, by a group of experienced experts and chemical engineers with the aim of raising the quality and quantity of industrial oil, engine oil, industry and also gaining a proper market share. Following its aim the company has been able to export and re-export substantial amount of its manufactured products. Our experienced experts are ready, willing and able to respond to your request and you with special lubricants or any other petroleum products used in production process, and also to cooperate with you in the process of export and re-export.

شرکت تولیدی فراز موتور تهران با هدف ارتقاء کمی و کیفی صنعت روغن موتور و روغن صنعتی و به دست آوردن سهم مناسبی از بازار در سال ۱۳۷۷ توسط گروهی مجرب از کارشناسان و مهندسین شیمی تأسیس گردید و توانسته مقادیر قابل توجهی از فراورده های تولیدی و غیرتولیدی خود را صادر یا ترانزیت نماید.
کارشناسان مجرب شرکت تولیدی فراز موتور تهران آمادگی کامل دارند تا برای هر گونه نیاز ویژه به روانسازهای مخصوص و یا سایر فراورده های نفتی در زمینه تولید، صادرات و ترانزیت با شما همکاری به عمل آورند.

Faraz Motor Tehran Co.



« صاحب امتیاز: اتحادیه صادر کنندگان فراورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی ایران

« مدیرمسئول: دکتر سید حمید حسینی

« سردبیر: امیر عباس امامی

« شورای سیاست‌گذاری : سیدحمید حسینی، سعید رفیعی فر ، احمد صرامی، رضا مدیر، امیرعباس امامی

« دبیرسرویس بخش انگلیسی: یوسف پورغفار

« همکاران این شماره: هادی ابراهیمی، مهسا معیری، نادى صبوری، سارا مالکی، سمیه مهدوی، سعید ساویز

عبدالصمد رحمتی، نسیم علایی و ...

« سازمان آگهی‌ها: سولماز فرهادی ۵- ۸۸۵۰۸۲۵۱

« صفحه‌آرایی: علی سیدی

« چاپ و لیتوگرافی: رنگین گستر - بیطرفان

« طرح جلد و نظارت چاپ: کانون تبلیغاتی سیما تک نوین

در شماره ۳۱ ماهنامه دنیای انرژی از خطوط نرم افزار " قلم برتر " استفاده شده است.

مسئولیت مقالات و یادداشت‌های ارائه شده به عهده صاحبان اثر می باشد.

بررسی یک پرونده:

صفحه ۱۴

توزیع رانت: بلای جان بخش خصوصی

صفحه ۲۶

نقش OPEX در تولید و صادرات نفت و مشتقات نفتی

صفحه ۲۸

چالش‌های مبارزه با تغییر اقلیم برای ایران و جهان

صفحه ۳۸

خواستن توانستن نیست

صفحه ۴۶

بنیادی ترین مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی (رعایت قواعد ارزشی ، اخلاقی و رفتاری)

صفحه ۵۲

آیین بزرگداشت روز جهانی استاندارد

صفحه ۵۵

تحریم و خودتحریمی

صفحه ۶۲

Shell Doubles Renewables Investment

صفحه ۷۱

Turkey Stands Firmly Against U.S. Sanctions On Iran

صفحه ۷۶

عبور از “فریزصادراتی”



سرمقاله
دکتر حمید حسینی >> مدیر مسئول

منطقه ای ایران، این امیدواری را تقویت می نماید که علیرغم قفل شدن روابط خارجی در کوتاه مدت، میتوان در میان مدت راهکارهایی را برای مقابله با شرایط فعلی و عبور از آن اتخاذ کرد.

ایران تلاش مضاعفی را انجام داده تا خود را عنصری مطلوب و صلح طلب در نظام بین الملل معرفی نماید ولی پاسخ مناسبی از جامعه جهانی دریافت ننموده و اروپا هم با دریافت تضمین هایی از ترکیه نگران خروج ایران از برجام، جنگ در خاورمیانه و روانه شدن آوارگان به اروپا نیست. مخاطرات ژئوپلیتیک با فروکش کردن جنگ در سوریه (خروج امریکا از سوریه) و یمن کاهش یافته است و این شرایط قطعا به ضرر جایگاه ایران در منطقه و بازار جهانی نفت می باشد و باید برای آن چاره کرد:

در مرحله اول : ۱- دولت باید پیمان سپاری ارزی را لغو نماید و برای تقویت صادرات اقدام نماید و حتی امکان صدور کالا های مجاز و غیر یارانه ای را به صورت حتی قاچاق کشورهای همسایه هموار نماید.

۲- دستورالعمل های محدود کننده فعالیت صرافی ها را ملغی نماید و از صدور بخشنامه های مبهم و بعضا مضحک خودداری نماید، اینکه از صرافان خواسته شود که ارز صادرکنندگان را به قیمت سنا خریداری و آن را به قیمت نیما بفروش برساند، حاکی از اتخاذ تصمیم در اتاق های در بسته میباشد.

۳- با توجه به اخلاقی که در زمینه حمل و نقل کالای صادراتی ایجاد شده و قیمتها به شدت افزایش و مهلت تحویل کالا طولانی شده، ناوگان کشتیرانی جمهوری اسلامی را در خدمت صادرات قرار دهد و افزایش شدید کرایه حمل این شرکت را با تحویل سوخت یارانه ای به حداقل برساند.

۴- عرضه نفت و فراورده ها در بورس را بطور مستمر در دستور کار قرار دهد و با ارایه قیمت های جذاب بازار نفت و فراورده ها در منطقه را دچار اخلاص نماید.

ضمنا با تحویل حداکثری خوراک به واحدهای کوچک پالایشی امکان تصرف بازار های منطقه را فراهم نماید.

۵- مبارزه برای جلوگیری از ترانزیت مواد مخدر به اروپا و سایر کشورها را رها سازد و از این ابزار برای فشار به غرب استفاده نماید.

۶- ظرفیت دیپلماسی کشور را برای استفاده حداکثری از امکانات کشورهای همسایه بکار گیرد و گمرکات مرزی کشور را برای ترانزیت و واردات از این کشورها مجهز نماید.

۷- بودجه پیشنهادی دولت برای سال آینده نیاز به بازنگری جدی و کاهش سقف درآمد و هزینه دارد و ضروریست که یارانه های غیر مستقیم به حداقل برسد و از منابع آن برای پوشش بیمه بیکاری استفاده گردد.

امید است با درایت مسئولان، بکار گیری همه ظرفیت ها و اعتماد به بخش خصوصی و صادرکنندگان شاهد کوتاه بودن زمستان اقتصاد ایران و فرا رسیدن بهار باشیم.

انشالله



احسان باقریان - نایب رئیس هیات مدیره اوپکس

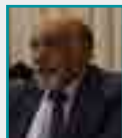
تلاش در جهت ایجاد توسعه صادرات پایدار

در شرایط کنونی کشور، حفظ صادرات غیرنفتی از اهم دغدغه های بخش خصوصی است و تلاش در جهت ایجاد توسعه صادرات بخصوص صادرات پایدار، مهم ترین عامل پیشرفت و رشد کشور خواهد بود.

به صورت طبیعی رشد و توسعه صادرات در بسترهای صحیح قوانین و حکمرانی خوب اتفاق می افتد و غیر از این نیست که در راستای تدوین و ایجاد قوانین کارآمد، مشارکت بخش خصوصی اهمیت ویژه ای خواهد داشت. بخش خصوصی و نظراتش در قوانین و بخشنامه ها و دیدگاه های کلان کشور، راهگشای موفقیت و شکوفایی اقتصاد خواهد شد.

اما موضوعی که بالاتفاق دولت و بخش خصوصی در آن نقش دارند، تعریف و اجرای قوانین بر مبنای عدم تبعیض و رانت است. چرا که رانت در نهایت منجر به از بین رفتن صادرات خواهد شد و نظام صنعتی و بازرگانی کشور را به سمت تولید و عرضه محصول با ارزش افزوده بالا سوق نمی دهد و بسترهای خام فروشی را برای کشور ایجاد نموده و نجات از آن، کاری بس دشوار خواهد بود.

همایش اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران، با عنوان توسعه صادرات قانون محور بدون رانت با این دیدگاه مطرح گردیده است که نهایتا رشد و شکوفایی کشور به صورت متوازن و در تمامی عرصه ها را نوید بخش باشد و هدایت صحیح به مقصد متعالی پیشرفت کشور را بازتعریف نماید.



عباسعلی اسلامی - رئیس هیات مدیره اوپکس

توجه به هم گرایی و تفکر جمعی

اواخر دهه هفتاد دوره رونق تشکلهای و شکل گیری آنها در زمینه های مختلف اقتصادی بود. در این میان جای خالی یک تشکل سازمان یافته در حوزه صادرات فرآورده های نفت و گاز به چشم می خورد لذا هیئت موسس که جمعی متشکل از افراد با تجربه و دارای سوابق اجرایی در حوزه صادرات فرآورده های نفتی بودند در تاریخ ۳۰ مهرماه ۱۳۸۲ اقدام به تاسیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی کردند. از آن روز تا کنون، هشت دوره هیئت مدیره اتحادیه با رای مستقیم اعضا انتخاب شده که بنده در شش دوره آن افتخار عضویت در هیئت مدیره را داشته ام. از این شش دوره یک دوره به عنوان عضو، چهار دوره به عنوان نایب رییس و این بار نیز به عنوان رییس هیئت مدیره افتخار خدمت گذاری اعضای محترم اتحادیه نصیبم گردیده است که امیدوارم توانسته باشم تجربه بدست آمده از ۵۰ سال فعالیت در این حوزه را از طریق این تشکل در اختیار اعضای محترم قرار دهم.

صنف گرایی، تفکر و تصمیم جمعی در راستای احقاق حقوق یک جامعه همگن و همگرا پایه شکل گیری تفکری است که در صورت وجود بسترهای حقوقی مناسب می تواند به ایجاد یک تشکل منجر شود. علارغم وجود نواقصی در هر یک از این سرفصل ها به صورت نسبی در اتحادیه تلاش شده تا از طریق تعامل و تضارب آرا منافع جمعی شناسایی و اهداف و دورنمای مشخصی برای آن تعیین شود و با استفاده از

الگوهای اجرایی و سیستم های مدیریتی به آن شکل حقوقی و اجرایی داده شود. قطعاً امروز

تمام خواسته ها و آرمان های هیئت موسس محقق نشده اما حجم قابل ملاحظه ای از اقدامات انجام شده در طی این سالها را نیز نمی توان نادیده گرفت.

در پانزدهمین سالگرد تاسیس اتحادیه اگر بخواهم به عنوان یکی از اعضای قدیمی توصیه ای به همکاران دیگر داشته باشم، این مهم را با ارجاع اعضای محترم به فصل دوم اساسنامه اتحادیه به انجام می رسانم. در بیست و دو بند این فصل تصریح شده که چگونه اتحادیه می تواند در شکل گیری فضای مناسب کسب و کار برای ورود اعضا به عرصه تجارت بین الملل نقش سازنده و تعیین کننده ای ایفا نماید. بررسی و شناسایی معضلات پیش روی اجرای هر یک از این بندها و نهایتا ارائه راهکارهای لازم آنهم با رویکرد حل مسئله به گمانم باید در صدر فعالیت های آتی اتحادیه قرار گیرد. و صد البته توجه به این مهم که تشکلهای به عنوان واسطه بین بنگاه های کوچک و متوسط و دولت جهت انتقال و انعکاس نظرات، طرحها، ایده ها، ایجاد همبستگی و یکپارچگی بین بنگاه ها، ارائه خدمات مشاوره ای و مطالعاتی، کمک به بهبود قوانین و مقررات و شناسایی موانع قانونی گسترش فعالیت های اقتصادی و تجاری ایفای نقش می کنند.

در پایان اشاره می کنم که امروز این جمله که «از ظرفیت تشکلهای باید در اقتصاد بهره برد» را زیاد می شنویم؛ در حال حاضر در شرایط پیچیده ای که اقتصاد توان بازبایی خود را ندارد، لزوم توجه به همگرایی و تفکر جمعی بیش از پیش احساس می شود. امیدواریم با درایت و همفکری اعضای محترم اتحادیه ما نیز بتوانیم گامی موثر در راستای حل مشکلات اقتصاد ملی برداریم و شاهد پیشرفت و توسعه آن باشیم.

به امید موفقیت روزافزون اتحادیه و افزایش سهم عادلانه اعضای آن در صادرات کشور.

سیزدهمین همایش

سالانه اتحادیه

صادرکنندگان

فرآورده های

نفت، گاز و پتروشیمی ایران

بررسی یک پرونده:

رئیس
قانون مجوز
توسعه صادرات



حسین منیری - عضو هیات مدیره اوپکس

صادرات روغن سوخت تقطیری

هدف از تشکیل اتحادیه حمایت و رفع موانع تولید و صادرات فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی واحدهایی می باشد که سالیان سال در امر صادرات فعالیت داشته اند.

در این مدت پانزده سال، اتحادیه با همکاری و تعامل با اکثر سازمانها و وزارتخانه ها و نهادهای مرتبط همکاری مستمر داشته و توانسته بخش عمده ای از مشکلات صادراتی اعضا را از پیش رو برداشته و موجب رونق در بخش صادرات واحدهای عضو اتحادیه شده است.

اینجانب در بدو تاسیس اتحادیه به‌عنوان یک عضو کوچک در این تشکل فعال بوده و با تلاش و جدیت این افتخار را دارم تا چندین دوره به عضویت هیئت‌مدیره‌انتخاب‌ودرآن خدمت‌نمایم. یکی از کارهای اساسی و ماندگاری که اینجانب با توجه به سابقه و تجارب کاری با کمک بعضی از همکاران و با همکاری ستاد و استاندارد نفت در صنعت روغن تصفیه دوم موفق به انجام آن شدم پروژه صادرات روغن سوخت تقطیری بود که این فرآورده ارزشمند سالیان سال به‌عنوان سوخت در کارخانجات روغن مورد استفاده قرار می‌گرفت که‌باعث آلودگی محیط‌زیست می‌شد. با جایگزین نمودن گاز عملاً این ماده بلااستفاده در کارخانجات انباشته و موجب خواب سرمایه و خطرات ناشی از آن آتش سوزی واحدها را تهدید می نمود.

بالاخره با تلاش و پیگیری مستمر در سال ۹۲ مجوز صادرات این محصول با ارزش توسط ستاد صادر شده و هم اکنون واحدهای زیادی با نظارت اتحادیه و کمیسیون‌های استانها‌نسبت به صادرات این فرآورده اقدام نموده اند و سالیانه مبلغ قابل توجهی ارز حاصل از صادرات به کشور وارد‌شده و‌باعث‌رونق در این صنعت و اشتغال‌زایی در این واحدها گردید.

این یک نمونه کوچک از فعالیت‌های موثر این

اتحادیه می باشد که با کمک سازمانها به نتیجه رسیده است و کارهای بس مهمتری در این سالها به انجام رسید که بر کسی پوشیده نیست و همین امر باعث شده تا واحدهای زیادی جذب این اتحادیه شده که در حال حاضر بیش از ۳۰۰ واحد تولیدی و صادراتی عضو این اتحادیه هستند. امید آن داریم که در آینده نه چندان دور با توجه به مشکلات کشور و تحریم‌های ناجوانمردانه، این اتحادیه بتواند با کمک و مساعدت بیشتر سازمان‌ها جایگاه واقعی خود را پیدا کرده و قدم‌های موثرتری در راستای روانسازی صادرات فرآورده های نفتی بردارد.

درآمدهایی که خارج از فعالیت‌های

مولد اقتصادی و با بهره‌گیری از قدرت و نفوذ سیاسی یا اقتصادی

صورت می‌پذیرد همیشه به

عنوان آفتی برای نظام اقتصادی

هر کشور حساب شده است.

مصدق بارز این کلام همان «رانت و

رانت‌خواری» می‌باشد



احمد مرامی - عضو هیات مدیره اوپکس

رانت ؛ افول ملی

نظام تشکیلاتی اتحادیه ، سندیکا و به طور کل انجمن هائی که برای موضوعات صنفی خاص

به‌وجود می آیند بر گرفته از خردجمعی و منطبق بر اصلاح ساختارها و وقایع اقتصادی مهم و تاثیر گذار است.انچه که به جذابیت این گونه تشکل ها ، بهای بیشتری می دهد انگیزه افراد و اعضاء به منظور منافع جمعی است. این منافع در شرایط یکسان و در برخورداری از امکانات موجود و تسهیم و تقسیم عادلانه نهادهای تولیدی و تجار تی است. چنانچه منافع ملی را ترکیبی از منافع بخش دولتی و خصوصی بدانیم و چهارچوب این منافع را در سه برهه کوتاه ، میان و بلند مدت در نظر بگیریم ؛ خواهیم دید علیرغم تمامی تلاش ها و علائق ، گروهی برای افزایش سهم ثروت بدون خلق ثروت و به گونه‌ای کاملا هدفمند و در سایه به زیاده خواهی متوسل می‌شوند. این گروه حسب در اختیار داشتن رانت گسترده و سازمان یافته از منابع اطلاعاتی و ارتباطی در سطح سیاستمداران و اقتصاديون ؛ حجم بالائی از منافع را با کمترین ریسک مال خود می کنند.

نظریه ی انتخاب (Public Choice)بر محور این پرسش بنا نهاده شده است که آیا انتخاب فرد در گروه تابع منافع خود اوست یا آن که منافع جمع ملاک انتخاب و اقدام وی قرار می گیرد. این مساله تحت عناوین متفاوتی چون انتخاب داوطلبانه، انتخاب اجباری، انتخاب جمعی، انتخاب منطقی، انتخاب اجتماعی و پارادوکس رای دهنده مورد بحث واقع شده و در رشته‌های مختلف از آن تحلیل هایی به عمل آمده است. بر اساس تئوری انتخاب عمومی، سیاست‌مداران و کارگزاران دولتی زندگی خود را فدای منافع شهروندان نمی کنند و رفتار آنان بیش و کم شبیه به تاجران و بازرگانان و صنعت گران است. و اگر آنان کاری به نفع شهروندان انجام می دهند آن کار برای خود آنان نیز منافع مستقیمی را به ارمغان می آورد. به عبارت دیگر سیاست مداران و کارگزاران بخش عمومی بیش تر در پی منافع خویش‌اند تا در پی منافع شهروندان و در اساس هیچ تضمین یا دلیل منطقی وجود

ندارد که چنین افرادی تنها به علت این که در جایگاه خاصی قرار گرفته اند دچار دگرگونی شخصیتی شوند و منافع دیگران را مقدم بر منافع خود بدانند. و دقیقاً رانت و رانت خواه منبعث از این تفکر تمامی رگ‌های حیاتی را مسموم از حضور می‌کند.و به معنای واقعی کلمه فساد را بنا می‌نهد رانت‌خواری پدیده‌ای است که آسیب‌های فراوان اجتماعی و اقتصادی فراوانی برای کشورها به وجود می‌آورد. بنابر نظر اقتصاددانان، درآمدهایی که خارج از فعالیت‌های مولد اقتصادی و با بهره‌گیری از قدرت و نفوذ سیاسی یا اقتصادی صورت می‌پذیرد همیشه به عنوان آفتی برای نظام اقتصادی هر کشوری حساب شده‌است. مصداق بارز این کلام همان «رانت و رانت‌خواری» می‌باشد.

از مهمترین زبان های ناشی از رانت می توان موارد ذیل را اشاره نمود:

سرگرم شدن نیروی انسانی به کسب رانت و بازماندن از کار مولد؛ پایین آمدن انگیزه تولید؛ افزایش رشد بیکاری؛ گسترش دلالی؛ توقف رشد تکنولوژی درجامعه؛ کاهش بهره‌وری؛ افزایش تورم؛ حذف وجدان کاری؛ تضاد طبقاتی و دو قطبی شدن جامعه؛ فساد گسترده مالی؛ ناعادلانه شدن سیستم توزیع، و تأمین منافع گروهی خاص؛ فرار سرمایه به خارج؛ مصرف زیاد؛ نامنی در بخش تولید؛ رشد فعالیت‌های ناسالم و گرایش سرمایه‌ها به بخش‌های خدماتی و واسطه گرایانه.

در حوزه نفت و فرآورده‌های نفتی، حسب اقتصاد کلان مبتنی بر نفت و ارزان بودن حامل‌های انرژی منحنی صعودی استفاده از رانت متأسفانه متوقف نشده است.از طرفی سیاست‌های ارزی چندگانه در ادوار مختلف و بهره گیری نامناسب از ظرفیت تولید پالایشگاه‌ها و مجتمع های پتروشیمی عدم تخصیص خوراک به میزان کافی به واحدهای تولیدی مخصوصا در صنایع پائین دستی و سودهای کلان در تجارت ناسالم فرآورده‌های نفتی ، موجبات افزایش این نهاده فساد شده است.



صدیقه سعیدی- رئیس کمیسیون بازرگانان

علت رانت ؛ مداخله دولت در اقتصاد

در نظریه‌ی اقتصادی مطرح شده توسط دیوید ریکاردو در خصوص رانت تعریفی کلیشه‌ای ارائه شده است او می گوید از آن‌جا که تمام زمین‌ها باروری و حاصل خیزی یکسانی ندارند، عواید حاصل از آن‌ها برابر نخواهد بود و قطعا زمین‌دارانی که زمین‌های باکیفیت‌تری دارند، درآمد بیشتری خواهند داشت در صورتی که این عایدی بیشتر ناشی از کار آنان نیست و صرفا به کیفیت بهتر زمین مربوط می‌شود. ریکاردو این عایدی بیشتر را تحت عنوان رانت زمین داران دارای زمینهای باکیفیت مطرح کرده است.

با دقت بیشتر به تعریف سنتی رانت متوجه می‌شویم که در واقع رانت نوعی امتیاز است. در دنیای مدرن امروزی رانت دیگر تنها آن تعریف مرتبط با زمان اقتصاد فئودالی نیست. امروزه هرگونه امتیاز انحصاری ممکن است ظرفیت آن را داشته باشد تا واژه‌ی رانت بر آن اطلاق گردد. به عنوان نمونه در نظر بگیرید گروهی به صورت انحصاری اطلاعات مربوط به قیمت‌های ارز را در اختیار داشته باشد. بدیهی است که این گروه در صورتی که بخواهد می‌تواند از این امتیاز استفاده نموده و از آن کسب درآمد کرده و به اصطلاح رانت‌خواری کند . پس «رانت» به معنای وسیع کلمه، هر نوع امتیاز، فرصت، امکان، منبع و منفعتی است که دولت (و نظام‌های رسمی و شبه‌رسمی کشور) از منابع عمومی بدون زحمت و تلاش گیرنده در اختیار وی قرار داده و موجب ارتقای کیفیت و سطح زندگی، افزایش درآمد و سود یا ارتقای پرستیژ، موقعیت و منزلت اجتماعی و سیاسی رانت‌گیرنده می‌شود که می‌تواند با توجه به شایستگی‌ها، توانمندی‌ها و استحقاق گیرنده باشد یا نباشد.

از نیمه‌ی دوم قرن بیستم به بعد، برخی از اقتصاددان‌ها مفهوم نسبتاً جدیدی را برای

رانت مطرح کردند. بنابر نظر آنان علت رانت مداخله‌ی دولت در اقتصاد است. این کارشناسان ابراز می‌کنند که مداخله‌ی دولت سازوکار بازار را به سمت ایجاد فرصت‌های انحصاری برای برخی گروه‌ها سوق می‌دهد و موجب می‌شود رانت‌خوار یا با توسل به عوامل اقتصادی مثل سیاست‌های حمایتی، کنترل قیمت‌ها، محدودیت‌های بازرگانی ، انحصار در تولید (رانت اقتصادی)، یا با دست‌یابی انحصاری و پیش از موعد به اطلاعات اقتصادی در زمینه‌هایی مثل بازار سرمایه (رانت اطلاعاتی)، یا با بهره‌مندی از توزیع منابع ثروت و قدرت توسط دولت و احزاب به واسطه عضویت در آنها (رانت سیاسی)، یا با بهره‌برداری از روابط خویشاندی، قرار گرفتن در یک گروه یا تشکل خاص (رانت اجتماعی)، ثروت‌های کلانی را حاصل کند که نتیجه آن را می‌توان توزیع ناعادلانه ثروت و گسترش تبعیض دانست .تاثیر رانت بر جامعه تنها محدود به تبعات اقتصادی نمی‌شود. رانت‌خواری علاوه بر گسترش تورم، فقر، بی‌عدالتی، فساد و ... باعث می‌شود تا افراد خلاق جامعه و متخصصین دست از تولید شسته، رو به سمت مهاجرت و یا رو به سمت انفعال بیاورند.

رانت خوار با اتلاف انبوه منابع اقتصادی، انتقال منابع از فعالیت‌های مولد به فعالیت‌های غیرمولد، گسترش فساد اقتصادی، مخدوش کردن سیستم انگیزه‌ها و ایجاد تصلب‌های نهادی و ناهنجاری‌های ساختاری نه تنها آهنگ رشد اقتصادی را آهسته می‌سازد، بلکه با سست کردن پایه‌های پویایی و ثبات اقتصادی و سیاسی جامعه عملاً مانع از توسعه اقتصادی کشور می‌شود.

سوال این است که چه باید کرد ؟

۱. تجربه کشورهایی که به این بیماری مزمن دچار شده اند نشان می دهد که بدنه بزرگ دولت و وجود شرکت های دولتی و شبه دولتی و حاکم بودن اقتصاد دولتی در این کشورها دلیل اصلی این موضوع بوده است. شاید اگر دولت ما بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی بستر را برای حضور و فعالیت بیشتر بخش خصوصی فراهم



کند، هم فضای اقتصادی سالم تر و هم ارزش افزوده ای که خلق می شود به مراتب بالاتر باشد ۲. از طرفی دیگر هر چه راه افشاگری صحیح و دقیق از طریق رسانه ها بیشتر باشد، از گسترش آن جلوگیری می شود. آزادی کامل رسانه ها و دسترسی به اسناد و مدارک کلیه حساب ها و انتشار آنها ضروری است. بدین منظور یکی از مصادیق شفافیت، شفافیت مالی و فعالیت های اقتصادی است.

ایران در سال های اخیر در خصوص مبارزه با پولشویی قوانینی را به تصویب رسانده و اقداماتی را انجام داده است. قانون آزادی اطلاعات هم که چند سال قبل به تصویب رسید از قوانینی است که می تواند از رانت خواری و از اعمال نفوذ و سوءاستفاده مسئولان از قدرت و اعتبار اجرایی و حکومتی شان جلوگیری کند. به عبارت دیگر، اگر اطلاعات عمومی دستگاه های دولتی و اداری به آسانی و سهولت در اختیار شهروندان قرار بگیرد، وقتی که یک مسئول، نظارت همگانی را بر رفتار خود ببیند، مشخصا در رفتار خود دقت نظر خواهد داشت و عملکرد خود را مطابق قوانین، تغییر خواهد داد.

(متاسفانه قانون آزادی اطلاعات، قانون ارتقای

سلامت اداری، قانون مبارزه با پولشویی و بسیاری از قوانین دیگر که در راستای مبارزه با رانت خواری و فساد دستگاه های اداری تصویب شده، هیچ کدام از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیست و اراده قوی هم برای اجرای آن وجود ندارد) مشکل اساسی در راه اجرای این بند این است که نهادهای درآمدزا و ارگان هایی که در مسائل اقتصادی و مسائل بازرگانی دخالت می کنند معمولا نهاد هایی هستند که توسط دستگاه های نظارتی بر آنها نظارتی صورت نمی گیرد یا این نظارت، بسیار کمرنگ است.

📌 نتیجه اینکه :

اولا)شفافیت فعالیت های افراددر کلیه بخش های حکمرانی اعم از قانونگذاری، اجرایی، قضایی، لازم و ضروری است.

ثانیا (بدنه بزرگ دولت و دخالت وی در امور مختلف و تصدی در اموری که مربوط به بخش خصوصی است خود ایجادکننده فساد است. بنابراین کاهش تصدی گری و کوچک سازی دولت، خصوصی سازی و واگذاری های عادلانه و منطقی برخی از امور به این بخش از دیگر راهکارهای مبارزه با فساد و رانت می باشد.



فرزان گلچین - رئیس کارگروه همایش اوپکس

گذر از بحران با حمایت از بخش خصوصی

برگزاری سیزدهمین همایش اتحادیه را به هیئت موسس، تک تک اعضاء و همکاران و هیئت مدیره محترم تبریک عرض می نمایم.

در دهه گذشته جمعی از دلسوزان امر صادرات در این صنعت قطعاً" ضرورت و نیازهای زمان خود و آینده را به خوبی درک کرده و سنگ بنای تشکیل اتحادیه را بنا نهاده و طی ادوار مختلف هدایت و سکان آن را به دیگران سپارند. در مرحله نخست وظیفه ماست که ضمن قدردانی از زحمات آنان نسبت به حفظ، تقویت و انسجام آن بکوشیم.

امروز که اتحادیه به عنوان یکی از بزرگترین تشکل های بخش خصوصی صادراتی در زمینه فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی کشور با جمعیت قریب بر ۳۳۰ عضو متشکل از پتروشیمی ها ، پالایشگاه ها و پالایشکده ها و شرکت های بازرگانی نشو و نما نموده و شناخته می شود مسئولیت گرداندگان حاضر را بیش از پیش نموده است.

بدیهی است هر صنعت جهت نیل به اهداف و مقاصد صنفی آمیخته با حفظ منافع ملی موظف است از یک سازماندهی و بنایی محکم برخوردار باشد، تا بتواند مطالبات مشروع و قانونی خود را استیفاء نماید.

در تمامی ادوار، ترکیب مدیریت و دبیرخانه اتحادیه سعی و تلاش وافر ی با استفاده از تجربیات گذشته به خرج داده اند که منافع حداکثری اعضاء را در قالب قوانین، دستورالعملها و ... با تعامل منطقی با سازمانها و دوایر متمایل مهیا و در اختیار اعضاء قرار دهند، معتقدم که ظرفیت های بسیاری در اتحادیه همچنان مغفول مانده که میبایست با برنامه ریزی و تدوین برنامه های مدون در قالب پیشنهاداتی صنفی مبتنی بر اصول علمی و عملی به حاکمیت انتقال داده و در جهت کسب نتایج حداکثری گام بردارند.

روشن است معضلات و مشکلات جاری در کشور چه از جنبه قوانین و مقررات و سیاست های دست و پاگیر داخلی و چه تضییعات خارجی عامل مهمی در جهت عدم نیل به مقصود غایی در این خصوص بوده است که نباید ما را مایوس و مغلوب نماید.

حضور بخش خصوصی دلسوز، مقید و متعهد به منافع ملی در این برحه زمانی با توجه به شرایط کنونی اقتصادی کشور بسیار لازم دیده می شود و بخش دولتی با حمایت و تقویت فعالان اقتصادی سالم و زدودن رانت و سفارش و تناقضات طاقت فرسا این دسته از فعالان وطن پرست را یاری داده و از وجود آنها نه فقط برای خروج و گذر از بحران بلکه برای یک چشم انداز دوردست مدنظر قرار دهند.

ما نیز با حفظ منافع صنفی و رعایت حقوق عامه موظف به شفاف سازی فعالیت های خود میباشیم. و امیدواریم در میان مدت حلقه وصل بخش خصوصی و بخش دولتی به خوبی به یکدیگر متصل گردد.

و اما اتحادیه و مدیران آن در طول سنوات گذشته و حال با مشکلات و تنگناهای جاری و بعضاً" خلق الساعه دست به گریبان بوده اند و در برخی مقاطع زمانی با شکل گیری موانع هر روزه که عموماً" در قالب بخشنامه ها و دستورالعملهای نسنجیده و کم مطالعه و بدون اخذ مشاوره از بخش خصوصی صادره و امر به اجراء قرار می گیرند، مواجه بوده اند که بسیارنگران کننده و تا رفع و یا تخفیف آن مصائب و تلاش های چند جانبه را تجربه کرده اند که اساساً" نه در جهت اعتلا و شکوفایی هر چه بیشتر امر صادرات نبوده، بلکه تنها تلاش جهت صیانت اندوخته های گذشته و حفظ پیکر کم جان و رمق صادرات بوده است و این امر تقویت و انسجام بیشتر اعضاء اتحادیه را میطلبد.

از جمله اقدامات اتحادیه در روند تبیین و انتقال نظرات و اهداف اعضا برگزاری نشست ها و گردهمایی منظم می باشد که همایش سالانه اتحادیه یکی از آنان است.

همایش فرصتی است جهت نمایش اتحاد و

یکپارچگی اتحادیه و فرصتی است به منظور تبیین و توصیف و انتقال اهداف ، نیازها و مطالبات عمومی که قالباً" فصل مشترک تمامی اعضاء میباشد.



بهناز کاموسی - رئیس میز محصولات شیمیایی و سلولزی

ضرورت اصلاح نامعادلات اقتصادی

به دنبال ماجرای شوک نرخ ارز که بنا به اعتقاد تحلیل گران اقتصادی، افزایش صادرات، کاهش واردات و در نتیجه افزایش تولید و رفاه عمومی را می بایست ممکن سازد، در عمل به دلیل بی اعتمادی فراگیر بخش های مولد خصوصی، مسائل دیوان سالاری ناکارآمد، عدم حفاظت و توسعه صنایع ملی ، اخذ وام های بزرگ با وثیقه های ناچیز، خروج ارز از طریق مناسبات و روابط ناسالم و فشار های بین المللی در عرصه اقتصادی کشور

تغییرات زیر بنایی فرهنگی نظیر تمرکز بر فرصت های گفت و شنود، مجال دادن به خلاقیت، بلوغ فکری و پذیرش فکرهای مجرب توسط نهادهای تصمیم گیر ومديران میانی دولتی اولین گام جهت مقابله با اقتصاد رانتي می باشد

توسعه تولید و صادرات ممکن نگردید. با نگاه موشکافانه از دریچه محورهای زیر بنایی موانعی همچون آزادی تجارت بین المللی، ارزیابی قوانین و مقررات محدود کننده واحدهای تولیدی، حقوق مالکیت بخش های دولتی و خصوصی، اندازه و یکپارچگی دولت و اصلاح نامعادلات اقتصادی رخ می نماید.

لازم به یادآوری است که مهمترین مشخصه اقتصادهای رانتي، فرایند تصمیم گیری و تخصیص منابع توسط راس دفاتر دولتی و بدون مشاوره با ذینفعان واقعی والبته با مشخصه محدودیت ناگزیرو با ملاحظات مصالح کوتاه مدت بجای مسائل بلند مدت می باشد که این امر با نگاه توسعه در امر صادرات که متوجه آینده است تضاد ماهوی دارد و تا زمانی که نتوانیم مسائل پیش رو را حل و فصل نمائیم در عمل گامی در عرصه اقتصادی به جلو نخواهیم رفت . به همین اعتبار بر این باورم که تغییرات زیر بنایی فرهنگی نظیر تمرکز بر فرصت های گفت و شنود، مجال دادن به خلاقیت، بلوغ فکری و پذیرش فکرهای مجرب توسط نهادهای تصمیم گیر ومديران میانی دولتی اولین گام جهت مقابله با اقتصاد رانتي می باشد.

در بحث صادرات نیز بواسطه قاعده گذاری های غیر معقول ،همچنین نظام توزیع منافی که به نام صادرات در ایران در قالب صدور مواد خام طی سالیهای گذشته تا امروز شکل گرفته ، باید اذعان نمود برآورد موفقی را ترسیم ننموده ایم و صادرات نتوانسته یک رابطه توسعه گرا با بنیه تولید ملی برقرار کند ،شاهد امر سهم ۸۵ درصدی واردات ایران از کالاهای سرمایه ای و مواد اولیه ،حمایت های نابجا از برخی صنایع کشور، مشاهده قاچاق سوخت و فرآورده های پایه نفتی و غیر فعال بودن واحدهای تولیدی با ظرفیت های موثر اقتصادی می باشد که دلیلی روشن در توجیه منافع هدایت شده، تعرفه سازی و مشاهده امارهای مغایر در تحلیل صادرات غیر نفتی، غیر واقعی بودن قیمت های پایه صادراتی ونیز نداشتن برنامه ایی جامع در روند صادرات ملی کشور می باشد.



مهدی شریفی نیک نفس - مدیرعامل شرکت بازرگانی پتروشیمی

پتروشیمی نیروی محرکه اقتصاد

صنایع نفت ، گاز و پتروشیمی ، بارزترین مزیت نسبی کشور و نقطه اتکای اقتصاد ایران محسوب می شود. با توجه به اهمیت این بخش و لزوم هماهنگی و سازماندهی هر چه بیشتر فعالان حوزه تولید و صادرات فراورده های نفت، گاز و پتروشیمی عده ای از دور اندیشان و کارآفرینان بخش خصوصی کشور تصمیم گرفتند به منظور بهره گیری از توان و خرد جمعی و همفکری پیرامون مسایل روز صنعت و تجارت در ابعاد خردو کلان گرد هم آمده و فرصت‌ها و تهدیدات پیش رو را در قالب یک تشکل رسمی تحت نام "اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت ، گاز و پتروشیمی" ارزیابی و هم اندیشی نمایند. بدیهی است با توجه به ماهیت همگون و دغدغه‌های مشترک فعالان این صنف می توان امیدوار بود که با هم افزایی پیش آمده گام‌های منطقی تری برای رفع موانع تولید و تجارت و همچنین تحقق اهداف کمی و کیفی این بخش برداشته شود. این اتحادیه با عنایت به لزوم ساماندهی و قانونمندی در امور حرفه‌ای و تخصصی و به منظور ایجاد نظم در صدور فرآورده‌های نفت ، گاز و پتروشیمی و بهره‌برداری بیشتر از سرمایه‌گذاری‌ها و همچنین استفاده از تجربیات علمی و عملی دست‌اندرکاران و انتقال اطلاعات اقدام به برگزاری نشست ها و جلسات منظم نموده که با بررسی مسائل و مشکلات صادرکنندگان غیر نفتی در بخش‌هایی همچون خوراک ، نحوه قیمت گذاری ، فروش کالا ، موانع آئین نامه ای و مقررات و ... زمینه تداوم و تسهیل فرآیند تولید و صادرات برای دست اندکاران آن را هر چه بیشتر فراهم می سازد.

آنچه که از منظر صنایع پتروشیمی اعم از تولید کنندگان و واسطه های تجاری می تواند در همایش های سالانه اتحادیه مدنظر قرار گیرد، کسب اتفاق نظر با صنایع و نهادهای

مرتبط و تبادل اطلاعات تخصصی برای گذر از مشکلاتی نظیر تحریم های اخیر آمریکا، نوسانات عرضه و تقاضا ، نرخ ارز و .. است که مطمئنا با مشارکت و حضور نمایندگان دولت و مراجع موثر در این بخش، فضای تعامل و همفکری بیشتر را تجلی خواهد داد. لذا با تاکید ویژه بر نقش صنایع پتروشیمی کشور به عنوان نیروی محرکه اقتصاد کشور و نماد راستین خودکفایی صنعتی ، توسعه جامع شاخص های اقتصادی، ایجاد ارزش افزوده ، توسعه صادرات ، اشتغال زایی مستقیم و غیرمستقیم و ... امید است که سیزدهمین همایش سالانه اتحادیه بتواند با اتکا به تجربیات موفق خود در ادوار گذشته ، خروجی های ارزشمندی به کیفیتی که در شان صنعتگران و فعالان این بخش است را به ارمغان بیاورد.



عبدالرضا حمیدی- انجمن سازندگان تجهیزات نفتی

اعتماد بیشتر به بخش های خصوصی

یکی از اصولی ترین کارهایی که دولت می‌بایست نسبت به آن توجه داشته باشد کوچک شدن بدنه عریض و طویل دولت است که طی این سال‌ها به جای اینکه اقدام عملی بکند، برعکس تمامی پروژه‌ها و کارهای درجه یک کشور را در دست خودش نگه داشته و اگر یک روز هم تصمیم به واگذاری پروژه‌ای داشته باشد متاسفانه از طریق رانت‌های دور و بر سازمان خصوصی‌سازی متوجه واگذاری های مافیایی و غیر اصولی هستیم. دقت بفرمایید بسیاری پروژه‌های دولتی اعم از صنعتی، کشاورزی، پژوهشی و ... زیان ده و ناکارآمد هستند و دلیل آن هم به کارگیری مدیران نالایق و بی کفایت است که لطمات جبران ناپذیری را به کشور وارد می‌کند.

در حال حاضر چاره‌ای جز واگذاری و سپردن کار به کاردان و بخش‌های تخصصی و غیر

دولتی وجود ندارد و شاید راهی که هم دولت و هم کشور را از بحران برهاند اعتماد بیشتر به بخش‌های خصوصی واقعی می‌باشد.

متاسفانه طی سالهای اخیر وضعیت تولیدکنندگان هر روز بدتر از قبل شده و اگر سری به شرکت‌های صنعتی بزنیم کاملاً حال بد تولید را حس می‌کنیم . ممکن‌است تحریم ها تبدیل به فرصت‌های خوب شود اما مگر امکان دارد که بدون داشتن استراتژی مشخص و حمایت جدی از تولیدکننده با این پدیده شوم روبرو شد و انتظار موفقیت داشت.

ممکن‌است تحریم ها تبدیل به فرصت‌های خوب شود اما مگر امکان دارد که بدون داشتن استراتژی مشخص و حمایت جدی از تولیدکننده با این پدیده شوم روبرو شد و انتظار موفقیت داشت

پرهیز از خام فروشی



نامر عاشری- دبیرکل انجمن منصفی کارفرمایین صنعت پالایش نفت

اگر بخواهیم یکی از دستاورد های انقلاب اسلامی را برشماریم قطعاً خودباوری و اعتقاد داشتن به کشور مبنی بر استقلال و روی پای خود ایستادن است این بدان معنا نیست که ما الزاماً باید در تمامی زمینه های صنعتی و یا در همه رشته های صنعتی و پزشکی و علمی خودکفا گردیم بلکه باید بررسی کنیم و داشته‌هایمان را و یا مزیت‌های مختلف کشور را در رشته‌های مختلف بررسی نموده اولویت رشته‌هایی را در دستور کار خود قرار دهیم که توجیه فنی اقتصادی، اجتماعی داشته و قیمت تمام شده آنان توان رقابت با مشابه خارجی آن را داشته باشند و از لحاظ کیفیت نیز توان کیفی بالای استاندارد را داشته و بتواند در بازار...های جهانی رقابت نماید خودباوری یعنی تکیه به داشته های خود و تکیه کردن بر آن و اولویت قرار دادن در تولید و صادرات آن بدون شک یکی از محوری ترین صنایع که دارای توجیه اقتصادی بالا می باشد و هنوز پایه اقتصاد کشور بر اساس آن می چرخد صنعت نفت و مشتقات نفتی است که الزاما باید کشور از خام فروشی پرهیز نموده و در این صنعت و فرآورده‌های آن به ویژه پتروشیمی و صنایع وابسته آن تقویت گردد این امر میسر نیست مگر با تکیه بر صنعتگران و تولید کنندگان و صادرکنندگان داخلی به ویژه بخش خصوصی در هیچ کشوری تولید بدون صادرات سامان نمی گیرد در هر شرایطی بخش خصوصی می تواند اقتصاد کشور را در رشته هایی که مزیت دارند رونق بخشد و اگر یک بال اقتصاد را تولید بدانیم بال دیگر اقتصاد صادرات است که آن هم توسط بازرگانان و تجار بخش خصوصی است که می‌توان رونق

بخشید و تولید زمانی رشد و نمو پیدا خواهد کرد که دروازه صادرات به رویش باز گردد و آن هم وظیفه دولت‌هاست که موانع تولید و صادرات را عملاً مرتفع نمایند خصوصاً در شرایطی که تحریم و درگیری‌های سیاسی وجود دارد که باز بخش خصوصی می تواند به‌عنوان پل ارتباطی قوی با سایر کشورها در تجارت نقش آفرینی کند قطعاً در کشور عزیز ما ایران تشکل های خصوصی و تعاونی با حمایت دولتمردان توانایی بسیار بالایی دارند که از یکی از آن تشکل ها که سالیان سال در عرصه صادرات نقش پررنگی داشته و دارد مجموعه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران می باشد که سابقه بیش از ۱۵ سال فعالیت توانسته بیش از سیصد شرکت و تعاونی و صادر کنندگان عضو داشته باشد و نقش و سهم قابل قبولی از صادرات کشور را از آن خود نموده است بر مجلس و دولتمردان فرض است که با تصویب قوانین و مقررات در امر صادرات مشوق هایی را تصویب نمایند تا موتور حرکت صادرات شتاب بیشتری در همه زمینه ها خصوصاً حوزه نفت و مشتقات آن و پتروشیمی صورت گیرد در این صورت اگر چنانچه موتور صادرات کشور اعم از رشته های عام و یا خاص همانند حوزه نفت و پتروشیمی روشن و فعال شود موتور تولید و اشتغال کشور هم روشن و فعال خواهد شد و یا اگر خدای ناکرده روزی فرارسد که صادرات کشور قفل گردد مطمئناً تولید و اشتغال کشور هم قفل خواهد گردید و اگر چنانچه صادرات کشور رونق پیدا کند قطعاً همراه آن تولید و اشتغال در کشور هم رونق پیدا خواهد کرد.

تشکل های خصوصی و تعاونی با حمایت دولتمردان توانایی بسیار بالایی دارند که از یکی از آن تشکل ها که سالیان سال در عرصه صادرات نقش پررنگی داشته و دارد مجموعه اتحادیه صادر کنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران می باشد



کسری نوری - مدیرکل روابط عمومی وزارت نفت

ضرورت حضور بیشتر بخش خصوصی در صنعت نفت

یکی از مشکلات صنعت نفت که در طول دهه های گذشته نهادینه شده و موجب آسیب پذیری این صنعت گردیده است، جایگاه ضعیف بخش خصوصی در بخش‌ها و فرآیندهای تولیدی و تجاری صنعت نفت و گاز است. در علت یابی بروز این شرایط، به طور طبیعی ساختار متصلب اقتصاد دولتی متمرکز بر نفت، نقش نخست را بازی می‌کند. اما واقعیت این است که بخش خصوصی نیز به دلایل مختلف از جمله پایین بودن توان رقابت مالی و اقتصادی و عدم ریسک پذیری، انگیزه لازم برای مشارکت در طرح های بزرگ صنعت نفت به خصوص بخش بالادستی را نداشته و ندارد. بخش خصوصی قدرتمند به لحاظ مالی با توان ریسک پذیری بالا و قدرت مانور بالا در

باید از سوی منابعی نظیر صندوق توسعه ملی (برای حضور در بخش های توسعه ای صنعت نفت و گاز) تامین شود وجود سازوکارهای بانکی و بیمه ای برای تضمین حضور این شرکت‌ها در حوزه های صادراتی امری ضروری است. نکته مهم دیگر در این رابطه ضرورت تجمع منابع مالی شرکت‌ها و بنگاه های بخش خصوصی برای فعالیت در عرصه بازاریابی و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی است. برخی بر این باورند شرکت‌های بخش خصوصی می‌توانند در قالب ادغام و تملک، توان اقتصادی خود را در عرصه بازارهای جهانی ارتقا بخشند و زمینه ایجاد تنوع در جهت بازاریابی نفت خام و فرآورده های نفتی و شکست انحصار دولتی را فراهم سازند. در بخش‌های پایین دستی با توجه به محدودیت قانونی سرمایه‌گذاری دولت در حوزه صنایع پتروشیمی و صنایع پالایشی

و تغییر کارکرد شرکت‌های ملی صنایع پتروشیمی و شرکت ملی پالایش و پخش به امور توسعه‌ای و حرکت این شرکت‌ها در جهت کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، در نقش حامی سرمایه گذاری بخش خصوصی ظاهر شده که این فرصت مناسبی برای فعالیت مستقیم بخش خصوصی در این حوزه‌ها است. علاوه بر این با قراردادن سازوکار مناسب در مدل جدید قراردادهای نفتی در بخش های بالادستی، استفاده از توان بخش خصوصی در توسعه میدان های نفت و گاز و بالابردن توان رقابتی آنها را در مشارکت با شرکت های خارجی مورد توجه قرار گرفته که این نیز با رفع محدودیت ها و تحریم ها ، می تواند راهکار مناسبی در جهت بالابردن توان رقابتی اقتصادی ، فنی و مدیریتی بخش خصوصی باشد.

ظرفیت‌های بخش خصوصی برای حضور فعال تر در صنعت نفت و گاز باید شناخته شده و این ظرفیت ها با حمایت های اقتصادی و همچنین حمایت های فنی دولت تقویت شود. از سوی دیگر تشکل ها و انجمن های فعال بخش خصوصی در حوزه صنایع نفت و گاز، لازم است ضمن شناسایی موانع و تنگناها، سازوکارهای مناسب برای نقش آفرینی بیشتر در حوزه های تولیدی و تجاری صنعت نفت و گاز را دنبال کنند. بخش خصوصی توانمند ، ریسک پذیر و فعال در عرصه بین المللی ، امروزه نیاز واقعی و بزرگ صنعت نفت در جهت توسعه پایدار و پویا ست که در پرتو تعامل و همکاری هدفمند و راهبردی دولت و بخش خصوصی شکل می گیرد. برگزاری نمایشگاه‌ها و همایش‌های هدفمند از جمله همایش اتحادیه صادرکنندگان نفت ، گاز و پتروشیمی فرصت مناسبی برای شناخت بیشتر ظرفیت ها بخش خصوصی و همچنین مشکلات و چالش‌های این بخش برای حضور فعال تر در صنعت نفت و گاز است که باید از این فرصت جهت تعامل و همکاری بیشتر دستگاه ها و شرکت های دولتی با شرکت های خصوصی استفاده کرد.



عدم وجود نهاد رگولاتوری

سید حامد حسینی - عضو کمیسیون قیر

کمیسیون قیر یکی از بزرگترین و پرشورترین کمیسیون های اتحادیه به لحاظ تعداد و حضور اعضا در جلسات کمیسیون هست. دلیل اصلی این مشارکت پرشور دغدغه اعضای کمیسیون قیر برای حفظ اشتغال و رشد صادرات هست. دلیل دیگر وجود مشکلات متعدد و درد های لاینحل در مسیر فعالیت این فعالان اقتصادی هست. همه ما علیرغم تمامی نظرات و سلیق گوناگون، یک درد مشترک داریم و باور داریم موانع و محدودیت های داخلی بیشتر از تحریم های خارجی تولید و صادرات ما رو محدود کرده است. دسترسی مناسب به مواد اولیه، مقررات و بخشنامه های ارزی، اقدامات و سیاست های بورس کالا، نظام مالیات و تامین اجتماعی، بخشنامه های گمرکی، عدم وجود نهاد رگولاتوری، مشارکت ندادن فعالان صنعت در تصمیمات مربوطه همگی بخشی از این موانع و محدودیت ها هستند؛ و ما سینه سوخته این مشکلات هستیم چون علیرغم اینکه میسوزیم، همچنان سعی میکنیم که بمانیم و بسازیم و تولید کنیم و صادرات کنیم و اشتغال و رونق اقتصادی ایجاد کنیم.



ثبات اقتصادی لازمه توسعه صادرات

وحید شیخی - عضو هیئت مدیره اوپکس

طی هفت که در اتحادیه عضو هستم شاهد روند رشد و توسعه اتحادیه بوده ام و اتحادیه فرآورده های نفت و گاز و پتروشیمی با حدود ۵/۶ میلیارد دلار حجم صادرات، نقش تأثیرگذاری در مشاوه به دولت و تدوین آئین نامه ها و رویدادهای اجرائی ایفا کرده و می کند . طبق قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب سال ۹۰ مجلس، جنس اثر بخشی اتحادیه ها رنگ و بوی دیگری یافته است و دولت مکلف است در مراحل بررسی موضوعات مربوط به محیط کسب و کار برای اصلاح و تدوین مقررات و آیین نامه ها، نظر کتبی اتاق ها و آن دسته از تشکل های ذی ربطی که عضو اتاق ها نیستند، اعم از کارفرمایی و کارگری را درخواست و بررسی کند و هرگاه لازم دید آنان را به جلسات تصمیم گیری دعوت نماید. و در بند سه آن نیز آمده است: دستگاه های اجرائی مکلفند هنگام تدوین یا اصلاح مقررات، بخشنامه ها و رویه های اجرائی، نظر تشکل های اقتصادی ذی ربط را استعلام کنند و مورد توجه قرار دهند. و خوشبختانه این اتحادیه سعی بر این دارد که نقش خود را در جهت اجرایی شدن این قانون به خوبی ایفا کند. یکی دیگر از عملکرد های سازنده این تشکل خصوصی برگزاری همایش سالیانه با قصد ایجاد هماهنگی بین اعضا و مسئولین دولتی هست که هر ساله با تلاش فراوان و پشتکار چند ماهه این برنامه مدیریت و اجرا می شود که در این مدتی که شاهد برگزاری سالیانه این برنامه بوده ام هر ساله شاهد برطرف شدن برخی از مشکلات اعضا و ایجاد روابط بهتری بین شرکت کننده ها در محیطی دوستانه بوده ام. قصد اوپکس از برگزاری همایش تسهیل امور اعضا هست و امیدوارم هر ساله بتواند در این مسیر و با اقتدار بیشتر عمل کند و رضایت اقتصادی برای همکاران و حتی با اصلاح رویه های موجود، افزایش رضایت



دکتر فرهاد فزونی – اولین دبیرکل و رئیس هیئت مدیره سابق اتحادیه

مناسبات اقتصادی مجموعه‌ای از مبادلات بسته‌های

حقوق مالکیت است که به تناسب پیشرفت جوامع،

مکانیسم‌ها و ابزارهایی نظیر سنت، بازار، دولت و نهادها

آنها را ساماندهی می‌کنند. در طول تاریخ با پیشرفت جوامع

و پیچیده و تخصصی شدن مباحث در عرصه‌های سیاسی،

قتصادی و اجتماعی، در بکارگیری این مکانیسم‌ها تغییرات جدی

به‌وجود آمد و ابزارهای جدیدی برای تنظیم این مناسبات به‌وجود

آمد و زمینه شکل‌گیری نهادها و سازمانهای غیردولتی درعرصه‌های ملی

و جهانی مطرح شد و زمینه ورود آنها به عرصه سیاستگذاری، تنظیم‌گری،

نظارت و انجام برخی فعالیتها فراهم گردید. نقش و اهمیت این سازمان‌ها در

جامعه و اقتصاد قابل توجه است و از آنها به عنوان منابع نامشهود ثروت یاد می‌شود.

یادآوری کنیم دانایان منابع ثروت یک کشور را به سه دسته تقسیم می‌کنند که منابع

طبیعی، منابع فیزیکی و منابع نامشهود از جمله آنهاست. در ایران، منابع طبیعی ۵۴درصد

ثروت کشور را تشکیل میدهد و سهم منابع نامشهود از ثروت در ایران ۱۲ درصد است. اما در

۶۶ کشور ثروتمند جهان که ۷۸ درصد ثروت دنیا را دارا هستند، ۸۰درصد ثروت آنان به منابع

نامشهود مربوط است و سهم منابع طبیعی و فیزیکی به ترتیب ۱۶ و ۳ درصد است. در ۴۳ کشور

کم درآمد دنیا که ۱ درصد ثروت جهان را در اختیار دارند، سهم منابع نامشهود ۵۶ درصد و سهم منابع

فیزیکی و طبیعی به ترتیب ۱۴ و ۳۶ درصد است. مقایسه این نسبتها با ایران قابل تأمل است. با توجه به

سهم ۱۲ درصدی منابع نامشهود از ثروت ، این رقم از میانگین کشورهای کم درآمد که ۵۰ درصد است هم

کمتر است. بنابراین در ایران با توجه به پایین بودن این سهم، اگر بهبودی در این شاخص فراهم شود، وضعیت

کل ثروت کشور ارتقاء حاصل خواهد شد.

در ایران حرکت به سمت صنعتی شدن و تقویت نقش بخش صنعت در اقتصاد ایران و دارا بودن رشد پایدار از سال ۱۲۹۹

(اواسط قرن ۱۹) آغاز شد ولی هنوز تا صنعتی شدن فاصله بسیار وجود دارد. این دوره در بریتانیا ۵۸ سال، در امریکا ۴۸

سال، در برزیل، کره جنوبی و چین به ترتیب ۲۰، ۱۱ و ۱۰ سال طول کشید. کشورهای پر تلاش با پذیرش برخی واقعیتها و با

استفاده از دانش و تجربه کشورهای دیگر تلاش کردند در مدت زمان کمتری، فرآیند گذار را پشت سر بگذارند. این کشورها ابتدا

با ایجاد عزم ملی و وحدت نظر، پذیرفتند که اگر قرار است توسعه و رشد پایدار اقتصادی فراهم شود، باید اصول این اهداف پذیرفته

شوند. لذا با پذیرش این موضوع در مدار چرخه توسعه حرکت کردند.

این مدار دارای ۴ رکن اساسی تحت عنوان هدف، سیاست، منابع و سازمان است. نقش سازمان در این میان از این حیث مهم است که در

اجرای موفقیت آمیز سیاست‌ها و بهره‌گیری از منابع و امکانات محدود، تعیین کننده است و در دستیابی به اهداف توسعه نقش کلیدی دارد و

اگر خوب عمل نکند، خود میتواند به عنوان یک مانع توسعه باشد. انجمن‌ها، تشکل‌های تخصصی و بخشی که از آنها به عنوان منابع نامشهود ثروت

یاد می‌شوددر این مقوله می‌گنجد.

متأسفانه ایران از این حیث در مراحل ابتدایی قرار دارد و در حال پیمودن مسیر تکامل است. البته این موضوع تاکنون دچار فراز و فرود بسیاری شده و

بعضا دولتهای مختلف در خصوص بهره‌مندی از دانش و تجربه تشکل‌ها و تقویت نقش آنها در سیاستگذاری و قانون‌گذاری به صورت سلیقه‌ای عمل

کرده‌اند. به هرحال از سال ۱۳۸۴ که سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغ شد و قانون مربوط به آن تصویب گردید به صورت قانونی فضای جدیدی

برای فعالیت‌های بخش خصوصی فراهم شد. اما،

همان‌طور که از ابتدا پیش‌بینی کرده بودیم و مکرراً

هم یادآور شده بودیم، قانون مذکور در رسیدن به

اهداف خود موفق نبود. امروزه و پس از گذشت ۱۳

سال بسیاری معتقدند که تنها بخشی از این قانون

که خصوصی‌سازی نام گرفت و اجرا شد یک پروژه شکست‌خورده‌است.

در سال ۱۳۹۰ که قانون بهبودمستمر محیط کسب

و کار تصویب شد زمینه قانونی ورود تشکل‌ها به

عرصه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری فراهم گردید

که متأسفانه این نیز بعضاً در عمل درگیر

تصمیمات سلیقه‌ای دولت‌ها شده است و

ابتدائی‌ترین مواد این قانون (مواد ۲ و ۳)

که زیر بنای حضور بخش خصوصی در تصمیم

سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها می‌باشند، نا دیده

گرفته می‌شوند. اما با گفتار درمانی و در قالب

انواع بخشنامه‌ها به دستگاه‌های اجرایی یادآوری

می‌شود تا از ظرفیت بخش خصوصی در امر سیاست

گذاری و تنظیم مقررات استفاده کنند. بنابراین

برغم آن‌که در سالیان اخیر برای بهره‌مندی از

ظرفیت تشکل‌های بخش خصوصی در عرصه

سیاست‌گذاری، مقررات‌گذاری و قانون‌گذاری

بسترهای قانونی مناسبی فراهم شدند، این مهم،

عملی نشده‌است و همچنان نبود اعتقاد واعتماد

به امر مشارکت بخش خصوصی در برنامه ریزی،

دولتی‌نگری و در نتیجه عدم موفقیت‌ها در نبود

عزم و انسجام ملی برای توسعه صنعتی، نداشتن

برنامه بلندمدت برای توسعه، و وجود برخی ضعف

ها در بخش خصوصی ادامه دارد.

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و

پتروشیمی از جمله تشکل‌های فراگیر بخش

خصوصی است که اعضای آن از فضای کسب و کار

مناسبی برخوردار نیستند که بخشی از آن ریشه

در ماهیت ذاتی فعالیت صنعت نفت و گاز، به

علت مالکیت دولت بر روی منابع نفت و گاز، است

که در کشور به صورت انحصاری انجام شده و از

ویژگی انحصار طبیعی برخوردار است. این شرایط

در یک سری قوانین و نگاه دولتمردان به نفت و

گاز ریشه دارد. به عنوان مثال در حال حاضر

برخی از اعضای اتحادیه ماده اولیه و خوراک

مورد نیاز فعالیت خود را با قیمت‌های بین‌المللی

● اتحادیه در کنار تلاش برای حل مسائل روزانه

اعضاء، باید پیگیری لازم را در اجرای دقیق قانون

خصوصی‌سازی، قانون بهبود مستمر فضای

کسب و کار و قانون رفع موانع تولید رقابت

پذیر ... به عمل آورد. در حذف موانع ورود بخش

خصوصی در صنایع بالادستی نفت و گاز اهتمام

بعمل آورد و باید از دولت و مجلس بخواهد که

امور تصدیگری پایین دستی نفت و گاز را به

بخش خصوصی واقعی واگذار کند . بدون تردید

اتحادیه برای مدیریت این موضوع باید برنامه

اجرایی و عملیاتی داشته باشد. در این خصوص

باید از دولت بخواهد وضعیت بهره‌وری خود را

در خصوص مدیریت بر بخش پایین دستی نفت ارائه کند.

● اتحادیه باید ارتباطات تنگاتنگی را با قوه مجریه

و مقننه برقرار کند و ارتباطات ضابطه‌مندی

را با کمیسیون‌های تخصصی دولت و مجلس

(بخصوص مرکز پژوهش‌های مجلس) و دیگر نهادهای سیاستگذاری ایجاد کند.

خصوصی‌سازی هائی که در صنعت نفت و گاز

شده‌است، خصوصی‌سازی واقعی نبوده‌اند. برای

اصلاح این روش اتحادیه باید تشکیل نهاد تنظیم مقررات مستقل از دولت را مطالبه کند.

● اتحادیه باید برقراری ارتباطات بین‌المللی گسترده‌ای را با نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای فراهم کند و محل اتصال شرکت‌های داخلی و خارجی‌باشد.

● اتحادیه باید در کاهش هزینه مبادله اعضای خود تلاش کند.

با توجه به مطالب فوق، روشن است که صنعتی شدن فقط با وارد کردن و نصب ماشین آلات و کارخانه‌ها حاصل نمی‌شود بلکه نیاز به این دارد که شکل، روابط و مناسبات فعالیت‌ها نیز به صورتی انجام شود که در آن نقش نهادهای متوازن و متعادل باشد. در ایران هنوز این تعادل نهادی وجود ندارد و برقراری این تعادل نیاز به این دارد تا یک سلسله زمینه‌های لازم فراهم آید. بخشی

از این بسترها باید توسط حاکمیت و دولت به‌وجود آید و در ایجاد بخشی دیگر نیز، بخش خصوصی باید تلاش و اهتمام کند که برخی از

این موارد در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته

نبود تضمین برای حقوق

مالکیت فردی و عدم اعتقاد

به آن، نبود محیط فعالیت

رقابتی، عدم تلاش توسط

دولت و حاکمیت از وقوع

شرایط رانتی، نبود برنامه

جامع برای توسعه کشورو

... باعث گردیده تا از ظرفیت

تشکل‌ها برای تعقیب اهداف

اقتصادی استفاده نشود و از

نقش آنها در خلق ثروت

غافل شوند

دریافت میکنند اما در قیمت‌گذاری، فروش

محصول و مدیریت منابع ارزی خود از اختیار

برخوردار نیستند و حقوق مالکیت آنها نادیده

گرفته می‌شود. به‌طور کلی نبود تضمین برای

حقوق مالکیت فردی و عدم اعتقاد به آن، نبود

محیط فعالیت رقابتی، عدم تلاش توسط دولت و

حاکمیت از وقوع شرایط رانتی، نبود برنامه جامع

برای توسعه کشور و ... باعث گردیده تا از ظرفیت

تشکل‌ها برای تعقیب اهداف اقتصادی استفاده

نشود و از نقش آنها در خلق ثروت غافل شوند. با

این توضیح برای موفقیت اتحادیه نیز پیشنهادات

زیر ارائه می‌گردد:

● اتحادیه باید استقلال خود را از دولت و خصولتی‌ها حفظ کند.

● اتحادیه باید استراتژی توسعه صنعت نفت، گاز

و پتروشیمی را از دولت مطالبه کند و اگر چنین

استراتژی تاکنون در کشور تدوین نشده‌است در

تهیه آن با دولت مشارکت جدی کند.



توزیع رانت: بلای جان بخش خصوصی



عبدالمحمد رحمتی - کارشناس اقتصادی نفت و انرژی

مولدپیگیری گردد.

پر واضح است در کشورهای توسعه یافته، شکوفایی اقتصادی در گرو تعامل بین بخش خصوصی و دولتی است که اولی وظیفه توسعه تجارت و دومی وظیفه عقد و اجرای قراردادها و رفع مشکلات احتمالی را بر عهده دارد. لازمه همکاری موفق بین دو بخش مذکور اصلاح ساختار اقتصادی است، چراکه روش های سنتی دیگر جوابگوی دیپلماسی تجاری نیست

باشد. در شرایط نامناسب کنونی که در هیچ یک از بازارها ثبات مستمر وجود ندارد، فعالیت های اقتصادی غیرمولد رواج خواهد یافت. بر این اساس در محیط کسب و کار نامساعد کالاهای با ارزش افزوده پایین تولید خواهد شد، بنابراین در این شرایط ضروری است یک زنجیره ارزش متشکل از بخش های دولتی و البته بخش خصوصی قدرتمند تعریف و زیرساختها و الزامات مربوط به تولید داخلی و تحقق رشد اقتصادی

نگاه ویژه به بخش خصوصی توسعه گرا با توجه به شرایط امروز کشور و تحریم های یکجانبه ایالات متحده بر علیه ایران که عمده تأثیر تحریم های اقتصادی می باشند، می تواند کمک مطلوبی به ثبات کشور در مناسبات تجاری باشد. در این دوران تحول اقتصادی نیازمند متغیری بنام دیپلماسی اقتصادی است و این موضوع زمانی می تواند موفقیت در پی داشته باشد که پیش شرایط و زیر ساخت های آن در جامعه حاکم

و ضروری است تا اتحادیه های صادراتی، موسسات خصوصی و اتاق های بازرگانی روابط تجاری با همسایگان را گسترده تر نموده و به دنبال توسعه گرایی و بازوی مکمل دولت در اهداف اقتصادی کشور باشند.

مبرهن است تغییر استراتژی از لازمه های اقتصاد امروز کشور است و دیگر نمی توان با کارهای فرهنگی به تحقق اهداف امید بست، بخش خصوصی فعال می بایست در هر فرصتی که مهیا می گردد وارد میدان شده و نقش آفرینی نماید. در این میان حوزه رقابت و نقش شرکتها بسیار حائز اهمیت است. در سالهای اخیر شاهد هستیم بخش خصوصی نقش پررنگ تری در عرصه های مختلف داشته و بر اساس سیاست های دولت و اصل ۴۴ توانسته این نقش را در بهبود وضعیت کسب و کار، ایجاد اشتغال و وسعت دادن به برنامه های صنعت تاثیر گذارتر به منصفه ظهور بگذارد.

در سال جاری با شروع دور جدید تحریم ها، آمریکا ادعا نمود که قصد به صفر رساندن صادرات نفتی ایران را دارد. هر چند این ادعای واهی به نتیجه نرسید لیکن به زعم بسیاری از کارشناسان، استفاده از توان بخش خصوصی واقعی و مورد اعتماد دولت یکی از راه های دور زدن تحریم ها به منظور صادرات نفت خام است چرا که از سال ۱۳۹۰ به بعد شرکت های خصوصی توانمند وارد عرصه صادرات نفت خام شدند و شرکت های مذکور در حال حاضر دارای شبکه های توانمند به منظور دور زدن تحریم های نفتی هستند، هر چند چالش هایی در این حوضه مطرح است که خاص بخش خصوصی نیست به عنوان نمونه با توجه به تحریم ها، انتقال وجوه حاصل از فروش نفت امری دشوار است.

بخش خصوصی فعال در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی در طی ۱۰ سال گذشته نقش بسزایی را در تعاملات تجاری این حوضه ایفاء نموده است لیکن در این راه با مشکلاتی نیز مواجه بوده که جلوی چابکی و اثربخشی آن را گرفته است. چند

گانگی نظام تصمیم گیری، نبود نهاد یک سوساز ورگولاتوری و همچنین عدم سیاست های مدون و مشخص از جمله مواردی است که بارها از زبان این بخش به گلایه بیان شده است. به عنوان نمونه چندگانگی تصمیم باعث ایجاد سردرگمی در این بخش شده چرا که در مقابل آن نظام چانه زنی رواج یافته است، همچنین نبود قوانین مشخص موجب می شود گناه بخش خصوصی ناتوان و فاسد به پای سایر بخش ها نوشته شود و اینجاست که الزام وجود نهاد رگولاتور احساس می شود.

در حال حاضر نوع نگاه به سازوکار حمایتی دولت کاملاً تغییر کرده و صدای متفاوتی از بخش خصوصی شنیده می شود، چرا که همواره این نقد به برخی از فعالان بخش خصوصی وارد بود که به دنبال حمایت های یارانه ای و رانتی هستند. لیکن در برچه کنونی بخش خصوصی توانمند خواهان شرایط مساوی است تا بتواند عملکرد بهتری از خود نشان دهد. چرا که نه تنها، خود خواهان هیچ رانتی نیست بلکه از هرگونه عدم شفافیت نیز انتقاد می کند و خواستار برقراری شرایط مساوی برای هر فعالیتی است چرا که وجود رانت موجب صدمه زدن به تولید و صادرات با کیفیت می شود. کشورهای توسعه یافته برای حل این مشکل به سیاست های کارشناسی شده روی آورده اند که از طریق آن می توان کل زنجیره بازار را نظارت و کنترل نمود.

می توان گفت بخش خصوصی به واسطه محرومیتی که از فعالیت های اقتصادی در طول دهه های گذشته داشته، آنگونه که باید نتوانسته در بخش های مختلف ایفای نقش نماید و در شرایط کنونی می بایست با ایجاد فضای رقابتی و جلوگیری از امتیاز دهی به شرکت های خصولتی فضایی مهیا گردد که بخش خصوصی در این مسیر حرکت کند تا با ساز و کارهای مختلف ورود نموده و بتواند منشا اثر باشد، در این صورت می توان نتیجه برد-برد را برای دولت و بخش خصوصی انتظار داشت.

نبود قوانین مشخص موجب می شود گناه بخش خصوصی ناتوان و فاسد به پای سایر بخش ها نوشته شود و اینجاست که الزام وجود نهاد رگولاتور احساس می شود

در برچه کنونی بخش خصوصی توانمند خواهان شرایط مساوی است تا بتواند عملکرد بهتری از خود نشان دهد. چرا که نه تنها، خود خواهان هیچ رانتی نیست بلکه از هرگونه عدم شفافیت نیز انتقاد می کند و خواستار برقراری شرایط مساوی برای هر فعالیتی است



رضا پدیدار - رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران

نقش OPEX در تولید و صادرات نفت و مشتقات نفتی

یکی از مسائل مهم و اساسی در حوزه تولید و صادرات نفت و مشتقات آن ضرورت در اختیار داشتن يك مدل سیاست گذاری انرژی در صنایع نفت و گاز کشور است که با توجه به متنوع بودن اقتصاد ایران ، گزینه های متفاوت و یا متعددی را طلب می نماید . امروزه پویایی در مدل های ارائه شده ارتباط مستقیم با سیاست های مختلف صنعت به ویژه در حوزه صنایع نفتی را داشته و ارزیابی رفتاری آن را برای در اختیار داشتن يك موفقیت نسبتاً پایدار طلب می نماید . در طی سالهای اخیر که کشور در پستی و بلندی های سیاست های داخلی و جهانی موقعیت های متعدد و یا اثر گذار را طی نموده است ، موفق به در اختیار داشتن يك مدل تعادلی بین عرضه و تقاضا نشده و در این راستا ضربات سنگینی را از منظر اقتصادی تحمل نموده است . در نتیجه اثرات گزینه های مختلف سیاست های اقتصادی به ویژه در حوزه های نفت و گاز با سایر سیاست های حوزه های اصلی در این مسیر همانند سیاست های مصرف انرژی و یا در کلام جامع تر صادرات به موقع و بهینه آن آزمونی جدید را ارائه که هنوز نتوانسته است مورد توجه و اقدام مسئولان امر قرار گیرد . متغیرهای اصلی در امر سیاست گذاری های حوزه انرژی ، بهره گیری از پتانسیل های موجود در جامعه را به عنوان عامل اصلی در هدایت سیستمی بهره گیری از ظرفیت های بخش خصوصی مطرح که بدلیل محدودیت های شناخت و تصمیم گیری در بیشتر مواقع از آن غافل می مانیم . طراحی مدل های سیاستی و نیز اجرایی و عملیاتی در انطباق با مدل های سیاست گذاری انرژی در صنایع نفت و گاز کشور برای تحقق اهداف استفاده از پتانسیل های کشور برای تولید و صادرات نفت و مشتقات آن مسیری است طولانی که انسجام کامل بخش های دولتی و خصوصی را طلب می نماید . ایده اصلی برای استفاده از مدل سیستم های پویا در زمینه انرژی برای اولین بار از سوی یکی از دانشمندان این حوزه در آمریکا (Naill ۱۹۷۳) مطرح و متغیرهایی نظیر اکتشاف ، تولید ، تقاضا و نیز سایر سرمایه گذاری ها را بررسی می کند و گزینه هایی در زمینه میزان ذخایر اثبات نشده ، نرخ مالیات ، عوامل فناورانه و قوانین متغیر ارائه می نماید . این مدل یکی از اولین و نیز بهترین مدل های شبیه سازی پویای انرژی است و در ضمن تقاضا در این مدل

يك مدل مطلوب مطرح و الزامی می داند . در ادامه این بحث و ضرورت دستیابی به مدل نفت برای توسعه بخش خصوصی با كمك متغیرهای پیش گفته باید این نکته را اضافه نمود که فرآیند تولید و صادرات می باید با همکاری دولت و شرکت ها (داخلی و بین المللی) صورت گرفته و در این مسیر لازم است مصرف داخلی و صادرات مدل خود را ایجاد کرده و گزینه هایی نظیر تغییرات در قیمت های بین المللی تغییرات در قیمت های داخلی ، تغییرات ذخایر ، تغییرات در سهم شرکت های خصوصی را بررسی و مشخص نمود . این مدل برای کشورهای در حال توسعه و تولید کننده نفت عالی است . مزیت این مدل تمایز بین مناطق تولید نفت ، مصرف داخلی و صادرات ، قیمت های محلی و بین المللی است . بد نیست در ادامه این بحث یادآوری نماید که در کشور نیوزلند هم مدل انرژی های حاصل از چوب ، نفت ، گاز ، هسته ای و خورشیدی را بررسی نموده و متغیرهای منابع انرژی ، صنایع پالایش انرژی ، بخش های تولیدی و مصرفی در مدل خود پرداخته اند . این مدل پویا ، امکان جایگزینی انواع منبع انرژی را برای كمك به سیاست گذاران در عرضه انرژی در دسترس قرار می دهند . مدل مشابهی نیز از سوی (Chowdhury and shau) در سال ۱۹۹۲ در اکتشاف ، استخراج ، تولید و صادرات نفت در هندوستان مطرح و در نهایت در سال ۲۰۰۹ مدل پویایی سیستمی را برای صنعت نفت و گاز انگلستان ارائه می نمایند . در این مدل نیز متغیرهای اکتشاف تا مصرف و تولید تا صادرات به عنوان يك مدل پویا مطرح و مورد توجه قرار می گیرد . در این مدل گزینه های سیاست های مالیاتی ، تقاضا ، فناوری ، سطح مستقل صادرات بررسی شده و بنای این مدل بر اساس مدل های مورد اشاره بنا شده است . لازم به توضیح است که عوامل عدیده ای ساختار و طبیعت روابط موجود در بخش انرژی ما را از دیگر کشورها متمایز می سازد . برای مثال (Pandey) در سال ۲۰۰۲ تعدادی از عوامل که در



افزایش درآمد نفتی باعث

توسعه تولید خواهد شد

که تحقق این شعار مهم

توجه و همه گیر شدن فرآیند

صادراتی از سوی نهادهایی

فعال و متخصص همچون

OPEX است که می تواند

موجب رشد توسعه تجهیزاتی

و تولید و در نهایت فرآیند

تکمیلی و افزایشی صادرات

نفت و فرآورده های

نفتی گردد.

برخی از کشورهای در حال توسعه باید در هنگام توسعه مدل سیاست گذاری انرژی مد نظر قرار گیرند بیان کرده است . همچنین تحقیق دیگری را آربان (Urban) و همکاران در سال ۲۰۰۷ برای مدل سازی سیستم انرژی برای صادرات در این زمینه ارائه داده اند . آنها روش اصلاح مدل های انرژی و به ویژه صادرات فرآورده ها را برای تناسب هرچه بیشتر با کشورهای در حال توسعه را پیشنهاد و نیز توصیه هایی برای تکنیک های مدل سازی و داده های مورد نیاز ارائه داده اند . تفاوت ساختاری در مدل های بخش تولید و صادرات انرژی ایران با مدل های ایجاد شده برای اغلب کشورهای توسعه یافته وجود دارد . در نتیجه روابط کلی بیان شده با مدل های شکل گرفته در کشورهایی نظیر ایران دارای تفاوت های بنیادی هستند . برای مثال قیمت انرژی مصرفی تابعی از هزینه های تولید نیست و یا میزان استخراج و تولید نفت تابعی از قیمت جهانی نیست ، بلکه تحت تاثیر سهمیه اوپک



استفاده در این مدل مبتنی بر سیاست های اصلی برای افزایش بهره وری در کشور است . برای دستیابی به این سیاست ها، مصرف باید بر اساس مواردی که در ادامه می آید، اولویت بندی شود:

الف- مصرف داخلی

ب- شناخت منابع نفتی به منظور افزایش تولید نفت
ج- صادرات فرآورده های نفتی و مشتقات آنها
در این رابطه میزان صادرات نفت به سهم کشور در اوپک و سهم اوپک به تقاضای جهانی و نیز فرآورده های نفتی و مشتقات آنها به تقاضای جهانی و همچنین کشورهای منطقه وابسته است . از سوی دیگر، سیاست جایگزینی مصرف نفت با گاز در بخش های مختلف ، وابسته به روند تولید و با توجه به اوج تقاضا در فصل سرد سال است . سیاست های اعمال شده در این مدل را می توان در گروه های زیر مورد بررسی قرار داد:

● چگونگی تغییر الگوی مصرف بخش های مختلف اقتصاد و بررسی میزان مصرف انرژی .

● چگونگی تغییر چرخه تولید ، پالایش و توزیع نفت و گاز و حتی نیرو (برق)

● چگونگی تغییر میزان استفاده از انرژی های نو، انرژی هسته ای و انرژی برق آبی

در این مدل اثر متقابل و بازخورد سیستمی موجود بین متغیرهای اصلی مدل در بخش های مختلف اقتصاد قابل ملاحظه است . در نتیجه اثر سیاست های نفت و فرآورده های نفتی در گزینه های مختلف برای بخش های مختلف اقتصاد ایران همراه با اثر متقابل مصرف انرژی و درآمد نفتی مورد مطالعه قرار گرفته است . گزینه های همچون افزایش قیمت، افزایش مصرف سیستمی تولید و نیز افزایش سهمیه برای صادرات و برای پیدا کردن روند های آتی متغیرهای اصلی همچون میزان مصرف در بخش خانگی ، تجاری و عمومی می تواند میزان مصرف کلی انرژی و نیز میزان درآمد نفت و گاز صادراتی و مشتقات آن را به همراه سایر پتانسیل ها مثل میزان استفاده از انرژی های نو مورد توجه جدی قرار دهد . اتحادیه OPEX

به عنوان سکان دار این مهم می تواند تلاش لازم را به انجام رسانده و میزان استفاده هریک از پتانسیل ها را مورد توجه قرار داده و نشان دهد که کدام يك از متغیرها تاثیر بیشتری از سیاست های فعلی را پذیرا هستند و یا برعکس کدام يك ، نظیر میزان صادرات نفت ، گاز و فرآورده های نفتی از سیاست گذاری ها تاثیر زیادی نمی پذیرند .

در این تحلیل که از روش پویایی سیستم به منظور مدل سازی سیستم تولید و مصرف انرژی و نیز صادرات فرآورده های نفتی در ایران استفاده شده است ، روش های سیستمی از الگوهای مبتنی بر تفکر سیستمی استفاده شده که مجموعه OPEX در بخش هایی از آن بطور کاملاً موفق و در دیگر بخش های مرتبط با آزمون و خطا روبرو بوده است . نا گفته نماند که این گونه روش ها قبلاً در دنیای توسعه یافته مورد آزمون و خطا قرار گرفته و در زمان های موثر خود با در نظر گرفتن روابط بین اجزای سیستم ، رفتار سیستم را پیش بینی می کنند . این الگوها روشی برای درك رفتار سیستم های پیچیده در

اتحادیه OPEX با توجه به بستر سازی مطلوبی که در طی سالهای فعالیت خود در کشور ایجاد نموده است می تواند حلقه تعادلی درآمد نفتی و صادرات فرآورده های نفتی را فراهم آوری نموده و رابطه بین درآمد نفتی و GDP را مثبت سازی کند

اندرکاران و خبرگان فعال در اتحادیه OPEX است به ترتیب طی شده و اقدام گردد:

● گام اول شناخت سیستم : در این مرحله زیر سیستم های موثر بر تولید و مصرف انرژی بطور کامل مطالعه شده و محدوده ای که این گزارش برای مطالعه این سیستم در نظر می گیرد مشخص شده است . افق شبیه سازی در این مدل از 1384 تا 1404 در نظر گرفته شده است .

● گام دوم تعیین فرضیه پویایی درباره علت ها و معلول های سیستم : در این مرحله يك فرضیه پویایی برای توصیف پویایی سیستم تولید و مصرف انرژی ارائه شده است . برای نشان دادن این فرضیه می توان از نمودارهای علت و معلولی (Casual Loop Diagram) زیر سیستم ها و نیز نمودارهای جریان و حالت (Stock and Flow Diagram) استفاده شده در کشورهای دارنده منابع انرژی بهره برد .

● گام سوم ساختن يك مدل شبیه سازی: در این مرحله پارامترها و روابط بین متغیرها و شرایط اولیه تخمین زده می شود و با تست سیستم از اینکه مدل در جهت اهداف و محدوده های سیستم است اطمینان بدست می آید .

● گام چهارم اعمال سیاست ها و ارزیابی مدل آنها : در این مرحله خصوصیات گزینه های مختلف را با توجه به تغییر شرایط موجود مشخص کرده و سیاست ها و راهبردها و قوانین مختلفی را که در جهان واقعی می تواند ایجاد شود ، بررسی خواهیم کرد . اتحادیه OPEX با توجه به بستر سازی مطلوبی که در طی سالهای فعالیت خود در کشور ایجاد نموده است می تواند حلقه

تعادلی درآمد نفتی و صادرات فرآورده های نفتی را فراهم آوری نموده و رابطه بین درآمد نفتی و GDP را مثبت سازی کند . افزایش صادرات نفتی و فرآورده های نفتی باعث افزایش درآمد نفتی شده و این خود باعث افزایش تولید ناخالص داخلی و افزایش درآمد سرانه می شود . در ادامه افزایش درآمد سرانه باعث افزایش مصرف کلی منابع نفتی و گازی شده و در نهایت شاهد احتمالی کاهش میزان صادرات خواهیم بود:

برای تعیین توابع هریک از عوامل از گزارش های رسمی می توان استفاده نمود و از آنجایی که درآمد نفتی بطور مستقیم بر روی تولید ناخالص داخلی اثر دارد ، می توان رشد این مهم را با کنترل مصرف کلی و نیز رونق بخشی صادرات که از قابلیت های اتحادیه OPEX است بدست آورده و بتوان رونق بخشی اقتصادی را در شرایط رکود و تحریمی اقتصاد امروز بدست آورد . بد نیست در کلام آخر یادآوری نماید که در دودمه گذشته سیاست اصلی ایران جایگزینی مصرف نفت داخلی با گاز بوده است . در نتیجه این سیاست بخش عمده تقاضای داخلی توسط گاز تامین شده و نفت مازاد یا بطور مستقیم صادر شده و یا به عنوان ماده اولیه در صنعت مورد استفاده قرار گرفته است . بنا بر این افزایش درآمد نفتی باعث توسعه تولید خواهد شد که تحقق این شعار مهم توجه و همه گیر شدن فرآیند صادراتی از سوی نهادهایی فعال و متخصص همچون OPEX است که می تواند موجب رشد توسعه تجهیزات و تولید و در نهایت فرآیند تکمیلی و افزایشی صادرات نفت و فرآورده های نفتی گردد .



غلامحسین حسن تاش – کارشناس ارشد حوزه انرژی

لزوم حمایت دستگاه حکمرانی از بخش خصوصی

اگر منظور نفت خام باشد باید توجه داشت که طبق سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی بخش خصوصی نمی‌تواند وارد استخراج و تولید نفت شود ولذا به نظر من صادرات نفت‌خام بوسیله بخش خصوصی هم معنا ندارد. البته بخش خصوصی داخلی می‌تواند در قالب قراردادهای بیع متقابل یا امثال آن در توسعه‌میدان‌های نفتی یا‌گازی مشارکت داشته باشد و اگر دولت و صنعت نفت همان تسهیلاتی را که در این رابطه برای شرکت‌های نفتی بین‌المللی فراهم می‌کنند برای بخش خصوصی داخلی هم فراهم کنند کفایت می‌کند.

اما در مورد فرآورده‌های نفتی مساله فرق می‌کند هم اکنون بسیاری از پالایشگاه‌ها واگذار شده‌اند و بخش خصوصی در زمینه صادرات مشتقات نفتی فعال است. اولین لازمه فعالیت قانون محور و بدون رانت بخش خصوصی در این زمینه، این است که دستگاه‌های دولتی مربوطه تبدیل به دستگاه‌های حکمرانی شوند و توانائی داشته باشند که سیاست‌گزاری و کنترل و نظارت و رگولاتوری بنمایند. برای روشن شدن موضوع عرض می‌کنم که هم اکنون پتروشیمی‌ها واگذار شده‌اند و طبق سیاست‌های مورد اشاره دولت و وزارت نفت اجازه ندارند که در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند بنابراین اینک دیگر وجود شرکت ملی صنایع پتروشیمی که در گذشته سرمایه‌گذار دولتی و توسعه دهنده صنعت پتروشیمی بوده است معنا و مفهوم ندارد این شرکت باید منحل شود و تبدیل به یک سازمان یا یک معاونت در وزارت نفت بشود که وظیفه حکمرانی در صنعت پتروشیمی را بعهده بگیرد یعنی وظایفی که اشاره کردم. بخش خصوصی اگر تحت کنترل و نظارت و رگولاتوری نباشد همیشه احتمال این که به سوی رانت‌جوئی

کشیده شود و منافع ملی را فدای منافع خصوصی بکند وجود دارد، یک دولت حکمران است که باید این را کنترل کند. در مورد بخش پالایش و پخش هم همین مساله وجود دارد. وقتی که بخش خصوصی در چارچوب سیاست‌های تعیین شده و مقررات تنظیم شده حرکت می‌کند و ضوابط و استانداردها را رعایت می‌کند آنگاه دستگاه حکمرانی می‌تواند در همین مسیر آن را حمایت کند اما وقتی دستگاه‌های مربوطه دولتی هنوز در آن تفکرات قدیم خود گیر کرده‌اند و گرایش به تصدی‌گری دارند و فاقد دانش حکمرانی هستند اغلب بخش خصوصی را رقیب خود می‌دانند و برخورد مثبتی با آن ندارند. بنابراین حرف من این است که بدون یک تحول ساختاری در دولت یا حداقل بخش‌های دولتی مورد نظر شما، یک حمایت سازنده و درست شکل نخواهد گرفت.



علی پالار – کارشناس و تحلیلگر اقتصادی

چند نشانه ویک تیراوپکس

از جمله گزاره هایی که در میان اکثریت احزاب سیاسی و گروههای مختلف فکری اقتصادی در کشور مشترک است و مورد اجماع همه قرار گرفته عبور و تغییر شرایط فعلی اقتصاد ایران با هدف از گذار ورهایی از وابستگی بخش نفت است. در واقع شرایط حال حاضر مبنی بر اقتصاد دولتی آن هم وابسته به نفت، بستری مساعد برای صاحبان عوامل تولید و بنگاهها به منظور طی کردن مسیر توسعه را فراهم نمی‌کند. در این شرایط کفایت محیط این‌چنینی با تحریم‌های اقتصادی روبرو گردد تا به خوبی هرچه تامتتر زمینه های فساد و رانت های غیر اقتصاد را در خود گسترش دهد. برای توضیح بیشتر جادارد، اصل مشهور « ورودی زباله، خروجی زباله» که در تمام سیستم ها از جمله سیستم اقتصادی یک کشور صادق می باشد، یادآوری گردد. در واقع اصل «ورودی زباله، خروجی زباله (به

بخش خصوصی به

دلیل نوع و ماهیت نظام

انگیزشی اش، بعد

مشارکت و همکاری آن

در بخش‌های مختلفش

به مراتب فعال تر از بخش

دولتی ای است که عامل

فشل بخشی در سایر

بخش‌های اقتصادی است

انگلیسی: (garbage in garbage out) به معنای این است که اگر ورودی نامعتبر به سیستم داده شود، خروجی به دست آمده نیز نامعتبر خواهد بود.
با در نظر گرفتن اقتصاد ایران به عنوان یک سیستم اقتصادی و متغیرهای ورودی که به این سیستم اقتصادی داده شده اند، خروجی این سیستم طبیعتا افرادی جز بابک زنجانی نخواهند بود؛ چه بسا با در نظر گرفتن عواملی که در ادامه ذکر میشوند، ظهور بابک زنجانی‌ها، انتظاری کاملا مورد انتظار خواهد بود.
متغیرهای ورودی چون تک محصولی بودن و وابستگی به نفت، در کنار دولتی بودن و تحریم های اقتصادی غرب، فضای سیستم اقتصاد را به طرز مشمئزکننده‌ای برای فساد مهیا کرده است. وجود هریک از این عوامل به تنهایی، بستری برای پیدایش فساد اقتصادی خواهد بود، چه برسد به اقتصاد ایران که آنچه خوبان همه دارند، رایکجا دارد.

باید گفت در آن سوی قضیه طی کردن مسیر توسعه بدون حضور بخش خصوصی ممکن نیست و لازم و ملزوم رهایی از اقتصاد دولتی حضور توانمند و قدرتمند بخش خصوصی در همه عرصه‌ها و صنایع اقتصادی است. بخش خصوصی به دلیل نوع و ماهیت نظام انگیزشی اش، بعد مشارکت و همکاری آن در بخش‌های مختلفش به مراتب فعال تر از بخش دولتی ای است که عامل فشل بخشی در سایر بخش‌های اقتصادی است. با

این مقدمه و با در نظر گرفتن بخش نفت و گاز و پتروشیمی به عنوان اولین و بارزترین مزیت نسبی به عنوان نقطه اتکای کشور می توان به پتانسیل واقعی اتحادیه اوپکس پی برد. در واقع اوپکس از یکسو به دلیل تشکل و بخش خصوصی بودن و داشتن سهم بیش از ۳۰ درصدی در صادرات غیرنفتی و از سوی دیگر به دلیل یکی از مهم ترین رسالت‌هایش که ارتقای کمی و کیفی صادرات نفت و فرآورده های نفتی باشد، در تبدیل بخشی نفتی از تهدید فعلی به فرصت می تواند موتور محرکه باشد و از یکسو با رونق گرفتن این بخش سهم بخش دولتی کاهش یابد و از سوی دیگر با توسعه صنایع ارزآور در این بخش از وابستگی اقتصاد به بخش نفت بکاهد.
همچنین در ادامه با کاهش رانتهای غیراقتصادی و افزایش شفافیت در اقتصاد به طور درونزا شاهد کاهش فساد سیستماتیک باشیم. اگرچه ارتقای اتحادیه‌هایی امثال اوپکس در شرایط عادی حکم پیشگیری برای درد فساد را می تواند داشته باشد، ولی در شرایط غیرعادی مانند تحریم ها و قتی اشخاص شناخته شده مورد تحریم های اقتصادی قرار می‌گیرند می تواند محملی برای تبدیل تهدید به فرصت باشد؛ با توجه به اینکه بعد از گذشت صدسال صنعت نفت ایران، هنوز نتوانسته به تنهایی از پس برداشت میادین نفتی و گاز بر بیاید و برای بهره برداری از این میادین به شدت به سرمایه و دانش نیاز بوده است؛ از سوی دیگر مشکلات مالی وزارت نفت بیش از آنچه که به نظر می آید جدی است. به گونه ای که بعد از امضای توافق هسته ای وزارت نفت با معرفی بسته های ۵ میلیارد دلاری به شرکت‌های داخلی برای توسعه میادین کوچک به نحوی در واقع اقدام به جذب سرمایه داخلی کرده است. از این جهت تشکل هایی مانند اوپکس هم می توانند کانالی برای انتقال تکنولوژی بخش نفت از سمت کشورهای خارجی و هم می تواند کانال جذب سرمایه بخش خصوصی برای بخش عطشان نفت باشد.

دنیای انرژی

بارسلنه‌ای "اتحادیه اوپکس" دیده می‌شود!

تعارف ماهنامه دنیای انرژی / وب سایت اتحادیه اوپکس ۱۳۹۷

اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفت- گاز و پتروشیمی ایران (اوپکس)، به عنوان بزرگترین تشکل خصوصی صادراتی کشور با تعداد ۲۲۰ شرکت عضو از پالایشگاهها، شرکت های تولیدی و بازرگانی مشتقات نفتی، ماهنامه دنیای انرژی را منتشر کرده و توزیع سراسری می نماید.
سلامان ها، نهادها و شرکت های مواری در صنعت نفت از جمله شرکت ملی بخش گمرک ایران، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، وزارت صنعت- کمیسیون های انرژی و اقتصاد مجلس، اتاق بازرگانی ایران و تهران، سفارتخانه های کشورهای هدف در ایران و کلیه تشکل ها و شرکت های مرتبط با تولید و صادرات فرآورده های نفتی ایران مشترک دنیای انرژی می باشند.
جهت سفارش آگهی، رپرتاژ آگهی، مقاله و مصاحبه و گزارش از فعالیت خود با سازمان آگهی های ماهنامه دنیای انرژی خانم فرهادی ۵۵ الی ۸۸۵۰۸۲۵۱ تماس حاصل فرمایید .

تعارف ماهنامه دنیای انرژی در سال ۹۷

صفحه	قیمت به ریال
پشت جلد	۸۰/۰۰۰/۰۰۰
پشت روی جلد(دوی جلد)	۵۰/۰۰۰/۰۰۰
پشت پشت جلد(سه جلد)	۴۰/۰۰۰/۰۰۰
صفحات ابتدایی و انتهایی	۳۰/۰۰۰/۰۰۰
داخلی	۲۵/۰۰۰/۰۰۰
رپرتاژ آگهی هر صفحه	۱۵/۰۰۰/۰۰۰

تعارف جامنایی وب سایت اتحادیه اوپکس

برهای صفحه یک ماهانه	قیمت به ریال
پیچ های آگهی صفحه یک	۲۰/۰۰۰/۰۰۰
نیازمندی ها	۱/۰۰۰/۰۰۰

*** کلیه اعضای محترم اتحادیه اوپکس از ۱۵ درصد تخفیف ویژه برخوردار خواهند بود .

*** به قراردادهای سالانه، شش ماهه و سه ماهه پرتزیب ۲۰، ۲۰ و ۱۰ درصد تخفیف داده میشود .

*** سفارش طراحی آگهی شامل ۱۵۰ هزار تومان هزینه خواهد بود .

روابط عمومی اتحادیه اوپکس



فرید جاهد - قائم مقام دبیرکل مرکز آسیا-اقیانوسیه AFACt

اگر سری به سایت ویتول بزرگترین غول تجاری صنعت نفت و گاز بنزیم، گزارش آقای یان تیلور رئیس این شرکت را می بینیم که گردش مالی ویتول را در سال ۲۰۱۷ عددی بالغ بر ۱۸۱ میلیارد دلار اعلام کرده است. در تعقیب ویتول رقبای بزرگی همچون گلنکور، کارگیل، صنایع کک، ترافیگورا، مرکوریا و چندین شرکت دیگر را می بینم که گردش مالی هر کدام از آنها نیز به تنهایی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بوده است. ویتول در همین سال معادل ۲.۵۹۷ میلیون بشکه یعنی روزانه بیش از هفت میلیون بشکه نفت خام و انواع فراورده را با نزدیک به هفت هزار صفر دریایی معامله و جابجا کرده است. عملیات این حجم از تجارت سالانه با همکاری و مشارکت ۵.۴۴۱ پرسنل کارآمد ویتول انجام می پذیرد. اما چگونه امکان پذیراست که یک شرکت مستقل، آن هم در کشوری مانند هلند که فاقد منابع نفت و گاز است به چنین جایگاه عظیمی در این تجارت دست می یابد؟

طبیعتاً یکی از دلایل آن ساختار ضد انحصاری دولت این کشور است. ایجاد فضای مناسب کسب و کار و رقابت سالم باعث می گردد شرکتی نظیر ویتول بدون ترس از مداخله جویی کینه ورزانه دولت، به راحتی و زیر سایه امنیت پایدار مسیر اقتدار را طی کرده و به چنین جایگاه رفیعی دست یابد. این پاسخ صحیح است ولی کامل نیست. برای ارائه تصویری روشنتر اگر فرض کنیم دولت ایران مدل دیوانسالاری هلند را داشت چقدر طول می کشید تا ویتول ایرانی با گردش ی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال شکل بگیرد؟

در واقع مشکلات ما ریشه دارتر و عمیقتر از آن است که فقط به فقدان مدیران کارآمد و یا بی کفایتی و تنگ نظری دولتمردانمان منحصر شود. مشکلات ما عمدتاً از جنس عقب ماندگی

دلایل انفعال ما در عرصه تجارت بین الملل چیست؟

فردی واجتماعی، ساختار معیوب سازمانی، فقدان انگیزه جمعی، عدم تمایل به تعامل و کار تیمی، فراهم نبودنِ بسترهای حقوقی و اجرایی، انحصار دولت در حوزه تصدی گری، فضای رگولاتوری مبهم و صدها و صدها مشکل دیگر است که در زمان انجام عملیات تجاری و در تعامل بین دینفعانِ زنجیره تامین به خوبی نمایان می شوند.

❖ دیوانسالاری معیوب

سی سال پیش مرحوم عسگر اولادی پرچم دار الیگارشهای متنفذ و باقدرتی بود که ریشه های عمیقی در بازار به عنوان کانون اقتدارِ راستگرایان داشتند. موتلفه با کند کردن روند رشد توسعه توانست اقتصاد کشور را در مسیر مورد توقع شرکای بازاری خود نگاه دارد. موتلفه تاثیری عمیق بر نظام دیوانسالاری و قانونگذاری کشور گذاشت که به دلیل محدودیت های عرفی و فقهی هرگز ساز و کاری منسجم و سیستماتیک برای همگرایی با اقتصاد رو به رشد جهانی نداشت. از آن زمان محافظه کاری و دولت گرایی بر کل ارکان دیوانسالاری کشور مسلط شد و مسیر تجارت به سوی واردات کالای مصرفی آنهام در سایه انحصار شکل گرفت.

در سالهای اخیر عمر الیگارشهای سنتی به پایان رسیده و به جای آنان ابرطبقه ای نوین با همان رویکرد انحصار طلبانه و البته بدون محدودیت های اخلاقی و مذهبی که موتلفه به آن اعتقاد داشت، با اطمینان خاطر بیشتری جایگاه خود را با عنوانی پرطمطراق به نام خصولتی ها باز می یابند. آنان رسانه، شبکه های گسترده و پیچیده دولتی و نیمه دولتی با دست هایی مقتدر در اداره کشور را در اختیار دارند و کماکان نظام قانون گذاری و دیوانسالاری را در راستای اهداف جمعی خود به پیش می برند. به عنوان مثال می توان به قدرت این شبکه ها در توزیع نفت سفید و مازوت داخلی علی رغم شبهه دامن زدن به قاچاق اشاره نمود.

❖ قانون نانوشته ضد تراست

روزولت از ثروتمندان متنفر بود ترس او از رشد بنگاه های اقتصادی ریشه در نقش روز افزون آنان در کنترل ارکان قدرت داشت. راکفلر و شرکت استاندارد، گربه سیاه روزولت به شمار می آمدند، از این رو در نوامبر ۱۹۰۶ برابر قانون ضد تراستِ شرمن، در دادگاه فدرال علیه راکفلر اقامه دعوا نمود و شش ماه به استاندارد مهلت داد تا انحلال خود را اعلام نماید. استاندارد تجزیه شد و از دل آن شرکت های اکسون موبیل، شوزون، سوهایو یا BP، آموکو، کونوکو، آرکو و سان متولد شدند. شرکت هایی که امروز فروش آنان از تولید ناخالص داخلی روسیه بیشتر است.

در روسیه خودورکوفسکی ستاره نوظهوری بود که در دوران پسا شوروی با تاسیس بانکی نوپا به نام مناتپ و با تکیه به نبوغ خود به ثروت رسید. اما به محض در نظر گرفتن جایی برای خود در آینده سیاسی روسیه، با سر به زمین خورد یا شاید بهتر بتوان گفت بر زمین زده شد. او با فراتر گذاشتن پا از گلیم خود، برای دولتی که زمانی عامل موفقیت او بود، یک تهدید قلمداد شده بود.

همانطور که می بینید فراگرد ابداع، خلاقیت، توسعه، قدرت یابی و سپس رویارویی و بروز مشکل با دولت در مورد الیگارشهای روسی نیز چون تکنوکرات های آمریکایی حاصل یک نوع بینش دولتی و انحصار طلبانه است. با این تفاوت که دولت آمریکایک قرن پیش چنین تفکری داشته، روسیه در حال عبور از آن و کشورهایی نظیر ایران در ابتدای ورود به این عرصه می باشند.

ملی تحمیل کند. ده ها بخشنامه متناقض صادر شده در طول سال جاری برای تبیین سیاست های ارزی و بورسی کشور مبین همین ادعا است.

اما شواهد و قرائن حاکی از آن است که توسعه شبکه های اجتماعی و اطلاع رسانی و به تبع آن افزایش سطح آگاهی عمومی، عصر جدیدی از حیات اقتصادی کشور را نوید می دهد. آشکار شدن حلقه های معیوب دیوانسالاری و رسوایی شبکه های انحصار طلب متعاقباً مجموعه ای از مطالبات جمعی را به همراه دارد که در ادامه به تغییراتی ساختاری در رویکرد اقتصادی حاکمیت منجر خواهد شد. سیاست خارجی معطوف به روابط امنیتی جای خود را به توسعه تجاری داده و برنامه ها و الگوهای تجربه شده جهانی کم کم خاطرات روزهای سخت گذشته را کم رنگتر خواهد کرد.

❖ بخش خصوصی منفعل

انفعال بخش خصوصی در دو دهه اخیر از انحصار دولتی و ناکارآمدی قانون نیز مخرب تر بوده است. به عنوان مثال در دو دهه اخیر استاندارد های تجاری به شکل زیر بنایی تغییر یافته اند. بخش عمده ای از تجارت جهانی در بستر اینترنت و اسناد تجاری الکترونیکی انجام می پذیرد. نقل و انتقالات مالی در پلتفرم های قدرتمندتری اجرا می شوند. همکاری های منطقه ای و فرامنطقه ای در ساده سازی روند تجاری موثر بوده و استفاده از فن آوری اطلاعات و واگذاری تصدی گری امور گمرکی و بندری به بخش خصوصی مدت زمان صادرات و واردات را کاهش داده است. و این درحالیست که بخش خصوصی مانه در شکل بنگاه و نه در قالب تشکل هیچ تلاش چشمگیری برای هم تراز ی با تغییرات حوزه تجارت انجام نداده است.

سال گذشته با هدف ارزیابی و اندازه گیری شکاف موجود بین ما و تجارت بین الملل، پیشنهاد برگزاری دوره Business Process Analysis به ”کمیسیون اقتصادی اجتماعی سازمان ملل UN/ ESCAP“ داده شد. دوره در ۱۰ ساعت شامل بررسی اسناد و ذی نفعان زنجیره صادرات در محل اتحادیه اوپکس برگزار شد. در پایان دوره به جز شرکت ایرانول تقریباً سایرین حتی متوجه مضمون و هدف دوره نیز نشدند. دوره ای که پیش نیاز آن تجربه صادراتی و آشنایی با اسناد بود! بررسی ها نشان می دهد که تجار ما عمدتاً هماهنگی ستادی با ترخیص کار، شرکت حمل و فروارد را به عنوان فرآیند صادرات می شناسند و شناخت کافی از ماهیت آن ندارند.

❖ اتحادیه و پتانسل برون رفت از بحران

اتحادیه به عنوان مرجع طرح مطالبات بخش خصوصی، پتانسیل و ظرفیت کافی برای سامان دادن به وضعیت جاری را دارد. اتحادیه می تواند در چهار حوزه: دانش، مهارت، شبکه ارتباطی و تامین منابع، برنامه ریزی هدفمندی را به مرحله اجرا گذاشته و با تشکیل کمیته ها و کارگروه های مختلف اعضا را در هر یک از حوزه های یاد شده آموزش و ارتقاء دهد. برنامه های آموزشی، مطالعات تطبیقی، هیئت های تجاری، ارتباط با نهاد های بین المللی نفت و گاز، بازار سنجی، توسعه روابط با گمرک، سازمان بنادر، راهداری، ستاد مبارزه با قاچاق کالا، استاندارد، محیط زیست، شرکت نفت، پخش و پالایش و سایر ذی نفعان درگیر در زنجیره تامین تا صادرات فرآورده های نفتی و دست آخر انتقال تکنولوژی که همه اینها می توانند به مرور زمان در دستور کار سازمانی و تشکیلاتی اتحادیه قرار گیرند و با تبیین یک استراتژی کارآمد به رشد و ارتقاء بخش خصوصی در صنعت نفت منجر شوند.

این مقاله مقدمه ای بود بر مقالات بعدی که در آنها عمدتاً به تشریح راه کارها و جزئیات برنامه های پیشنهادی پرداخته خواهد شد. امید است با همکاری اعضای محترم اتحادیه نقش بخش خصوصی و سهم آن از صادرات هر روز پرنرنگتر و بیشتر گردد.

❖ دخالت های دولت در صنعت

خودرو، نفت و بانکداری بیشترین

قبل بوده و دولت برای جلوگیری

از دگردیسی اقتصادی حاضر

است هر هزینه ای را به اقتصاد

ملی تحمیل کند. ده ها بخشنامه

متناقض صادر شده در طول

سال جاری برای تبیین سیاست های

ارزی و بورسی کشور مبین همین

ادعا است

دولت به تأسی از کانون های قدرت مورد اشاره، برای مقابله با رشد بخش خصوصی مستقل که می تواند به پایان انحصار حاکمیتی منجر شود، با دستپاچگی حوزه های تحت کنترل خود را مانند گمرک و دارایی در دیوان سالاری بیشتری غرق می کند. دخالت های دولت در صنعت خودرو، نفت و بانکداری بیشتر از قبل بوده و دولت برای جلوگیری از دگردیسی اقتصادی حاضر است هر هزینه ای را به اقتصاد

صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

برگزاری دومین دوره مسابقات فوتسال جام اتحادیه



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی اتحادیه اوپکس این دوره از بازی ها از تاریخ ۹ آذر لغایت ۱۴ دی ۱۳۹۷ در مجموعه ورزشی دانشگاه شهید بهشتی با حضور ۱۶ تیم از اعضاء اتحادیه آغاز شده است. افتتاحیه این دوره از مسابقات با حضور چهره هایی همچون حسین کلانی، مهدی مناجاتی، حسن روشن، محمد رضا زادمهر، حسین شمس، نادر لطیفی، رضا رضوان، اصغر فلاح و... برگزار شد. تیم های حاضر در این دوره عبارت بوده اند از: نفت هرمزان، شرکت مرآت، هیرمند شیمی بهاران، پترو پالایش مهران پرسال، روغن موتور قطران کاوه، افزون روان، پالایش و پخش ادیب، روشن شیمی، توان شیمی طوس پیوا، بهتاز شیمی، کیمیا اکسیر آسیا، روغن موتور پردیس، مونوکم، پیمان روغن، آترا کران انرژی که تا لحظه انتشار نشریه دو تیم بهتاز شیمی و نفت هرمزان به فینال مسابقه راه یافتند. داوری این دوره از مسابقات را داوران لیگ برتر فوتسال ایران بر عهده دارند.

چالش های مبارزه با تغییر اقلیم برای ایران و جهان



رضا مدیر - کارشناس انرژی

حدود سه دهه از نخستین همایش جامعه جهانی در ریو برزیل تحت عنوان ”کنفرانس زمین“ سپری شده و طی این مدت و کشورهای جهان با محوریت سازمان ملل متحد فرایندی را طی کرده اند که بر حسب روشهای داوطلبانه، تشویقی، الزام آور و غیره برای گرم شدن کره زمین و تبعات منفی آن چاره ای بیاندیشند. اوج این تلاشها در سال ۲۰۱۵ میلادی به صورت ”موافقت نامه اقلیمی پاریس“ تبلور یافت که طی آن کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و در حال توسعه توافق کردند طی مشارکتی همه جانبه و بلندمدت میزان گازهای گلخانه ای (GHG) ناشی از فعالیت های اقتصادی خود را به میزان عادلانه و متناسب کاهش دهند. بایستی اعتراف کرد که شکل گیری موافقت نامه پاریس بدون رهبری دولت وقت آمریکا (اوباما) و مشارکت و حمایت همه جانبه اتحادیه اروپا امکان پذیر نبود. بنابراین با توجه به اینکه آمریکا و اروپا توانستند بدون قوه قهریه و صرفاً با دیپلماسی فعال، کمک های اقتصادی بالفعل و بالقوه (قول های قوی) و البته با کمک روابط عمومی و رسانه ای قدرتمندی که در اختیار داشتند سایر کشورهای جهان را ذیل این موافقت نامه همه جانبه و بلند مدت متحد نمایند، موافقت نامه پاریس یک موفقیت بی نظیر برای ”چند جانبه گرایی“ بین المللی و مشارکت مسئولانه کشورهای جهان در تعیین سرنوشت کره زمین محسوب می شود.

ولی شادی مردم جهان از سامان گرفتن موافقت نامه پاریس بسیار کوتاه مدت بود و طی یکسال پس از آن در مقابل ناباوری جهانی، انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس

جمهور آمریکا کابوس نژاد پرستی، ملی گرایی، یک سالاری و حتی جنگ را بر جامعه جهانی مستولی کرد. گذشته از عدم تعادل شخصیتی ترامپ و مشکلات روحی روانی وی که جامعه آمریکا و به تبع آن جامعه جهانی را دچار تشتت و بی ثباتی نمود و عرصه را برای همکاریهای بین المللی نامطلوب ساخته است، اقتصاد جهانی نیز دارای مشکلات ساختاری و بنیادی است که بدون حل نمودن و یا تخفیف آنها، کارهای مشارکتی بزرگ نظیر موافقت نامه اقلیمی پاریس و اجرای آن در عمل با موانع جدی مواجه خواهند شد.

به هر حال ترامپ بر حسب قول های انتخاباتی خود و نیز همسو با مواضع سنتی حزب جمهوریخواه آمریکا خروج آمریکا را از پیمان زیست محیطی پاریس اعلام کرد این موضع گیری و اقدام ایالت متحده طی مدت کوتاهی به برخی کشورهای ناراضی از

موافقت نامه سرایت کرد و بطور کلی اراده جهانی را برای اجرای موافقت نامه پاریس سست نمود. در چنین فضایی، ماه گذشته اجلاس سالانه تغییر اقلیم (cop24) در کاتووایس لهستان برگزار گردید تا شرایط اجرایی موافقت نامه پاریس را روشن نماید.

اجلاس کاتووایس (cop24) برای پیگیری موافقت نامه پاریس

از دوم دسامبر ۲۰۱۸ (۱۱ آذرماه ۱۳۹۷) کنفرانس سالانه مقابله با تغییر اقلیم سازمان ملل متحد (unfccc) موسوم به کنفرانس طرف ها (cop24) در شهر کاتووایس لهستان شروع به کار نمود تا جزئیات و ضوابط اجرایی موافقت نامه اقلیمی پاریس را مشخص نماید. اجلاس کاتووایس رونق همایش پاریس را نداشت و فقط ۴۰ تن از سران کشورها در آن حضور داشتند، حال آنکه در اجلاس پاریس بیش از ۱۵۰ تن از سران دولتهای دنیا از جمله رئیس جمهور آمریکا حاضر بودند و هنوز ساز مخالفت ترامپ برای مقابله با جامعه جهانی و چند جانبه گرایی حاکم بر دنیا ظهور نکرده بود.

هدف اجلاس لهستان گوشت و پوست دادن به اسکلت موافقت نامه پاریس بود و این امر در شرایطی پیگیری می شد که طی یکی دو سال اخیر شواهد و حوادث زیادتری برای اثبات گرمایش زمین ظهور کرده است. ولی از سوی دیگر حامیان محیط زیست در شرایط بسیار دشواری از نظر سیاسی و اقتصادی برای پیشبرد اهداف خود برای مبارزه با تغییر اقلیم قرار گرفته اند.

فرایند سیاست جهانی به نحوی است که غیر از ماجراهای ترامپ طی دو سال گذشته و موضوع برگزیت (خروج انگلستان از اتحادیه اروپا)، موضوع شورش ”جلیقه زدهای“ پاریس نیز بصورت آنتی تراین موافقت نامه عمل کرده است. توضیح اینکه خروج انگلستان از اتحادیه اروپا بطور کلی عامل تضعیف چند جانبه گرایی، جهانی شدن و همکاری بین المللی برای حل معضلات مشترک جهانی به شمار می آید. علاوه بر این، دولت بریتانیا از پیشگامان اتحادیه اروپا



برای مبارزه با تغییر اقلیم بوده و خروج آن از اتحادیه اروپا اراده ملی این کشور را برای پیگیری اهداف موافقت نامه پاریس تضعیف می کند. مسئله ”جلیقه زدهای پاریس“ نیز در واقع اعتراض مردم فرانسه به افزایش قیمت سوخت در این کشور به بهانه پیگیری اهداف موافقت نامه پاریس بوده است. این امر موجب گردیده رئیس جمهور آمریکا به عادت معمول خود با توثیت های مکرر مکرون رانصیحت نماید که حوادث پاریس حکایت از زیانبخش بودن پیگیری اهداف موافقت نامه دارد.

اگر چه هنوز حرکت آمریکا برای خروج از موافقت نامه پاریس منجر به خروج آشکار سایر کشورها نشده، لکن طرفداران محیط زیست نگرانند کشورهای مستعد بهانه گرفتن که کشورهای دارای منابع غنی سوخت های فسیلی از این گروه محسوب می شوند، ممکن است در این جهت حرکت کنند. شاهد این مدعی، موضع عربستان به عنوان نماینده کشورهای عرب در اجلاس لهستان بود که در یک کمیته فرعی خواستار حذف ”مکانیسم تحرک“ (ambition) در یکی از بخش های آیین نامه اجرایی (rule book) گردید. بطور کلی مقامات نهاد اقلیمی سازمان ملل متحد (unfccc) مکرراً نسبت به ظهور سیاستمداران عوام گرا که نسبت به اقدامات مقابله با آب و هوا موضع خصمانه دارند، هشدار داده اند. موسسات طرفدار محیط زیست صحبت از ”عارضه ترامپ“ می کنند که منجر به شانه خالی کردن سایر کشورها از مسئولیت مقابله با آب و هوای کند و انگشت اشاره آنها بسوی روسیه، ترکیه، استرالیا و برزیل دراز شده است. روسیه و ترکیه روند تصویب (ratification) موافقت نامه پاریس را متوقف کرده اند، استرالیا از اقداماتی که در صدد بود برای اجرای موافقت نامه پاریس پیش گیرد، سرباز زده و برزیل هم تهدید کرده از موافقت نامه خارج خواهد شد. ایران هم از معدود کشور هایی است که با وجود رتبه هفتم در انتشار گازهای گلخانه ای، هنوز اقدام به تصویب موافقت نامه پاریس نکرده و موضوع در کشاکش بحث های شورای نگهبان قرار دارد.

برحسب نظر پژوهشگران IIEA (موسسه مطالعات اروپایی و بین المللی) مستقر در دوبلین، همه کشورهای یاد شده بجز ایران به موضع ترامپ در این مورد اشاره کرده اند. این مواضع همواره توأم با دو اصل ”منصفانه بودن“ (fairness) و ”متقابل بودن“ (Reciprocity) است که در روح و روان کشورهای ثروتمند ریشه دوانیده است. اروپا و جامعه جهانی علیرغم سکوت نسبت به عدم تصویب موافقت نامه توسط ایران، به خوبی واقف است که تحمیل مجدد تحریم های اقتصادی یکجانبه آمریکا به ایران، نه تنها هیچگونه فضایی را برای کشورمان در زمینه کاهش انتشارات گلخانه ای باقی نمی گذارد، بلکه باعث ازدیاد اتلاف انرژی و منابع طبیعی می شود که در جهت خلاف اهداف موافقت

نامه پاریس و توسعه پایدار خواهد بود.

موضوع رهبری موافقت نامه پاریس

ایالات متحده با جدا کردن راه خود از کشورهای حامی موافقت نامه، رهبری فرایند را به اتحادیه اروپا واگذار کرده اتحادیه اروپا کماکان بر طبل ”همت بالا“ برای کاهش گازهای گلخانه ای می کوبد، حال آنکه کشورهای غربی و شرقی اتحادیه سازهای مخالفی را در این زمینه کوک کرده اند. جالب است که محل برگزاری اجلاس اخیر یعنی کشور لهستان از جمله اعضا ناراضی از اهداف بلند اتحادیه اروپا در زمینه تغییر اقلیم است و بیش از ۸۰٪ برق مصرفی خود را از ذغال سنگ می گیرد. اتحادیه اروپا در سندی که اخیراً منتشر کرده گفته است می خواهد تا سال ۲۰۵۰ به انتشارات گلخانه ای صفر برسد و امیدوار است سایر کشورها نیز وارد این فرایند شوند. ولی خود اروپایی ها هم می دانند که در کمیسیون اروپا قدر به جانداختن این هدف نیستند. گذشته از شکاف شرق و غرب اروپا در این زمینه، ستون های اصلی اتحادیه اروپا یعنی فرانسه و آلمان هم قادر به رسیدن به اهداف بلند اتحادیه در این زمینه نمی باشند.

بر حسب مصوبات موافقت نامه پاریس، کشورهای توسعه یافته بر تحقق اهداف اصلی موافقت نامه، بر حداکثر شفافیت و پاسخگوئی تاکید کرده اند. اتحادیه اروپا می گوید این اقدامات جنبه تنبیهی (punitive) ندارد بلکه برای آن است که به درستی درک شود که چه وقت کشورها از مسیر درست خارج شده اند تا فرصت کمک به اصلاح روند آنها باشد. ولی چین از کشورهایی است که نمی خواهد تن به پاسخگویی بدهد و سایر کشورهای در حال توسعه نیز با توسل به اصل بنیادی کنواسیون تحت عنوان ”مسئولیت های مشترک ولی متمایز“ (CBDR) مایلند بین آنها و کشورهای توسعه یافته از نظر پاسخگویی تمایز گذاشته شود.

این ها از جمله اقداماتی است که تصور می شد در پاریس با رهبری وزیر خارجه وقت آمریکای جان کری دفن شده باشد، لکن همه آنها مجدداً فرصت بروز یافته است.

هر چند دولت آمریکا اعلام کرده است از توافق پاریس خارج شده لکن حسب مفاد موافقت نامه، کشورهای جهان برای خروج از آن باید ۴ سال زودتر اعلام نمایند. بنابراین هنوز رسماً ایالات متحده از توافق پاریس خارج نشده و به همین لحاظ در اجلاس لهستان نیز هیأتی از این کشور حضور داشت. برخلاف اجلاس پاریس و قبل از آن، حضور هیات آمریکا کم رونق بود و رئیس آن یک دیپلمات معمولی درجه سوم بود که سفارت آمریکا را در لاتویا و قبرس در پرونده دارد. برخی کشورها به حضور هیات آمریکائی در اجلاس هم اعتراض داشتند، لکن برخی دیگر معتقد بودند حضور آنها برای آینده نزدیک یا دور که ممکن است آمریکا بخواهد به عضویت موافقت نامه پاریس بازگردد، لازم است و خروج کامل آمریکا، بازگشت آنها را مشکل ترمی کند؟

❑ موافقت نامه پاریس کار ساز نیست، فن آوری را دریابید

هر چند صاحب نظران و پژوهشگران صاحب نام دنیا بر حسب روند سالهای گذشته با تاکید بیشتری موضوع و اهمیت تغییر اقلیم توسط انسان را مورد توجه قرار داده اند، لکن تردیدها نسبت به گزینه ”بالا به پایین“ جامعه جهانی و موافقت نامه پاریس برای حل آن بسیار زیاد است. آقای دایتر هلم استاد سیاست های اقتصادی در دانشگاه آکسفورد و نویسنده کتاب سوخت و تمام شد: مرحله پایانی سوخت های فسیلی (Burn-out: the endgame for fossil fuels) از این گروه است و معتقد است موافقت نامه پاریس راه حل کاهش گازهای گلخانه ای نیست و در این زمینه باید امید به گشایش از سویی فن آوریهای جدید داشت. وی معتقد است از هنگامی که موضوع تغییر آب و هوا بطور جدی وارد دستور کار بین المللی شد حدود سه دهه سپری شده، لکن دستاورد بسیار کمی داشته است. در این فاصله پولهای زیادی خرج شده، ”کاسبکاران“ زیادی سود برده اند، لکن واقعیت آن است که با ادامه وضع موجود، دنیا خیلی سریع در مسیر گرم شدن بیش از ۲ درجه سانتی گراد است.

به نظر آقای دایتر، سطح CO₂ جو تا حالا از ۴۰۰ PPM گذشته و دارد به ۵۰۰ PPM می رسد. وی تاکید می کند آنچه در پاریس موافقت شد، دما را به ۲ درجه سانتی گراد هم محدود نمی کند چه برسد به ۱/۵ درجه سانتی گراد که به عنوان گزینه بهتر معرفی شده است. ایشان می گوید، آخرین گزارش ”هیات بین الدول تغییر اقلیم“ (IPCC) که چند ماه پیش منتشر شده، اعلام می کند که غالب کاهش های (Mitigations) گزارش شده کشورها برای رسیدن به هدف ۱/۵ درجه سانتی گراد قابل اعتماد نیستند.

بنابر نظر ایشان، موقع بررسی مجدد و تفکر دوباره فرا رسید و اینکه کربن گیری از اقتصاد دنیا بتواند با هزینه کم یا بدون هزینه سامان یابد، یاره است. رسیدن از اقتصادی با شدت کربن بسیار بالا به اقتصاد کم کربن طی دو سه دهه واقعاً هزینه بر است. تاکنون این هزینه ها برای کشورهایی که اقدام کرده اند ”سراسام آور“ بوده است. آلمان سالی حدود ۲۵ میلیارد یورو و در انگلیس ۲۰٪ هزینه برق خانواده ها به این واسطه افزایش یافته است. پارادوکس اینجا است که از یک طرف رای دهندگان می گویند ما طرفدار مبارزه با تغییر اقلیم هستیم ولی هر وقت



به ایشان می گوئیم این کار صورتحساب برق شما را افزایش می دهد، عقب نشینی می کنند. حوادث فرانسه که متعاقب برقراری مالیات کربن و افزایش بهای سوخت دیزل صورت گرفت دشواری فرایند را نشان می دهد. این مالیات کربن در برابر اقداماتی که فعالان مقابله با تغییر اقلیم داعیه آن را دارند، اقدام ناچیزی به حساب می آیند هیچکدام از دولت های جوامع پرآلایند (عمدتاً چین، هند، آفریقا و آمریکا) نمی توانند حمایت عمومی از اقدامات لازم و برقراری مالیات کربن برای تحقق هدف ۱/۵ درجه سانتی گراد را جلب نمایند.

❑ به شعارها توجه نکنید، واقعیات را در نظر بگیرید.

در چین که بزرگترین آلوده کننده Co2 جهان است، در سال ۲۰۱۷. انتشارات شدیداً افزایش یافت. در این کشور مرز تولید ۱۰۰۰ جیگاوات برق از ذغال سنگ شکسته شد. این کشور دارد ۳۵۰GW دیگر هم برای ساخت ۲۰۰۰ نیروگاه دیگر در خارج چین فاینانس می کند.

در هند و آفریقا هم وضع بهتر نیست و معلوم است که به نا کجا آباد ختم می شود. این افزایش های آلاینده با هیچ تعدادی توربین بادی در دریای شمال جبران نمی شود.

از یک طرف اروپایی ها دارند تولید کربن را در خاکشان کم می کنند. ولی از سوی دیگر واردات کالاهای با شدت کربن بالا به اروپا در حال افزایش است. هیچ کشوری در اروپا هنوز اقدام نکرده است که بر واردات از نظر شدت کربن در مقایسه با داخل کشور تعرفه وضع کند.

حال چه باید کرد؟ آیامحکوم هستیم که گزارش IPCC را بپذیریم و گرمایش زمین را تحمل کنیم؟ نکته اول اینکه بیشتر ثروت دنیا در مناطق معتدل است و خسارت های اولیه گذشتن از حد ۲ درجه سانتی گراد خسارت زیادی به CDP دنیا وارد نمی کند، زیرا گرم شدن کره زمین هم سودهایی دارد و هم زیانهایی و تاکنون هم که مرز 1 درجه سانتی گراد را گذرانده ایم حادث شده است.

از سوی دیگر رهبران کشورهای اصلی دنیا میانه خوبی با توافق های چند جانبه بالا به پایین

(top-down) ندارند. ترامپ، پوتین ژی چین و بولسونارو برزیل اولویت های دیگری دارند. پول کمی که برای مقابله با تغییر اقلیم صرف می شود و مشتریان کالاها و رای دهندگان حاضر به پرداخت آن هستند، باید عاقلانه خرج شود تا یک تغییر چشمگیری حاصل شود.

البته در میان خبرهای بد زیاد، خبرهای خوبی هم وجود دارد. با توجه به اینکه هیچیک از فن آوریهای مربوط به انرژیهای تجدید پذیر موجود نمی تواند در برابر این چالش پاسخگو باشد، نیازمند فن آوریهای جدید هستیم. خوشبختانه این فن آوریها در حال رشد سریع و زیاد است. اقتصاد جوامع رو به دیجیتالی شدن است و دنیایی که می تواند با تغییر اقلیم مقابله کند، دنیای روبات ها، چاپگرهای سه بعدی و هوش مصنوعی است که انعطاف پذیری زیادی را از نظر مصرف انرژی دارد.

این دنیا، جهان باتری ها، سلول های سوختی، سیستم های هوشمند و مواد جدیدی نظیر گرافین و بازکردن طیف نور با استفاده از فیلم خورشیدی و نانو تکنولوژی است.

بخشی از پول مقابله با تغییر اقلیم باید صرف ”پژوهش و توسعه“ (R&D) شود. اگر یک میلیارد دلار پول خوبی برای R&D است، - ۳۰ ۲۰ میلیارد خیلی خوب است. آلمان و انگلستان همه پول مشتریان و مالیاتی خود را صرف مقابله با تغییر اقلیم از طریق توسعه انرژیهای تجدید پذیر با نسل فعلی فن آوری نموده اند. در آلمان از سال ۲۰۰۰ همه نیروگاه های هسته ای را بسته اند و ۱۳ GW به ظرفیت برق ذغال سنگ خود افزوده اند، ولی با این حال نمی توانند هدف کربن ۲۰۲۰ خود را تحقق بخشند.

بالاخره نتیجه گیری کلی آقای دایتر هلم آن است که تغییر آب و هوا پدیده ای جهانی است که روش بالا به پایین سازمان ملل متحد و موافقت نامه پاریس نمی تواند پاسخگوی آن باشد. بنابراین باید روی فن آوریهای که می تواند تغییر ایجاد کند، سرمایه گذاری شود.



مروری بر بازار نفت در سال ۲۰۱۸



نسیم علایی - خبرنگار حوزه نفت و انرژی

اگر بخواهیم نامی برای بازار نفت در ۲۰۱۸ انتخاب کنیم بهترین نام «سال پرنوسان نفت» خواهد بود. این سال در حالی به پایان رسید که بهای نفت برنت به حدود ۵۳ دلار بر بشکه و قیمت نفت خام آمریکا به حدود ۴۵ دلار بر بشکه سقوط کرده بود. ابتدای سال این دو نفت به ترتیب حدود ۶۷ و ۶۰ دلار بر بشکه معامله می‌شدند، بنابراین در مجموع در سال ۲۰۱۸ قیمت نفت با حدود ۱۵ دلار کاهش در هر بشکه روند کاهشی طی کرده است. نفت برنت حدود ۲۰ درصد و نفت خام آمریکا بیش از ۲۵ درصد کاهش قیمت را در این سال به ثبت رسانده‌اند. اما تنها به دلیل این کاهش قیمت نام سال نوسانی را به ۲۰۱۸ نمی‌گذاریم، در این سال بارها قیمت نفت صعود و فرود را تجربه کرده است. بهای نفت تا پایان سه ماهه سوم سال روندی افزایشی همراه با نوسانی داشت، به طوریکه در اوایل ماه اکتبر (ماه دهم تقویم میلادی) به سقف ۴ ساله خود رسید. در این زمان قیمت نفت برنت به بیش از ۸۶ دلار در بشکه و قیمت نفت خام آمریکا تا حدود ۷۷ دلار رشد کرد. اما از آن پس قیمت‌ها در مسیر کاهشی قرار گرفته است، به طوریکه در پایان سال نفت برنت نسبت به اوج قیمتی خود در اکتبر حدود ۴۰ درصد و نفت خام آمریکا حدود ۳۷ درصد کاهش را نشان می‌دهند.

«خروج آمریکا از برجام و آغاز تحریم‌ها علیه صادرات نفت ایران»، «رکوردشکنی تولید نفت آمریکا»، «دو نشست اوپک که یکی به انحلال توافق نفتی و دیگری به تشکیل توافق جدید منجر شد» و همچنین «شعله‌ور شدن جنگ تجاری» که به اعتقاد بسیاری جرقه شروع رکود اقتصاد جهانی را زده از مهمترین عوامل اثرگذار بر بازار نفت در سال ۲۰۱۸ بوده است. اما این چهار عامل هنوز تعیین تکلیف نشده و انتظار می‌رود در سال جدید نیز همچنان تعیین کننده مسیر قیمت نفت باشند. با این حال غالب تحلیلگران بر این باورند که کاهشی که نفت در ۳ ماهه اخیر تجربه کرده در سال ۲۰۱۹ متوقف شده و قیمت‌ها در این سال تا حدودی بازیابی شود. وال استریت پیش‌بینی می‌کند در نیمه اول سال جدید بهای نفت رو به افزایش خواهد گذاشت، اما در نیمه دوم سال بازار با سردرگمی مواجه خواهد شد، در نهایت نفت در کل سال رشد معتدلی را تجربه خواهد کرد. بانک‌های سرمایه‌گذاری قیمت نفت خام برنت در سال ۲۰۱۹ را بین ۶۸ تا ۷۳ دلار بر بشکه پیش‌بینی کرده‌اند، در حالی که متوسط قیمت این نفت شاخص در سال ۲۰۱۸ حدود ۷۱/۸ دلار بر بشکه بوده است. در عین حال انتظار می‌رود قیمت نفت خام آمریکا به حدود ۵۹ تا ۶۶ دلار بر بشکه برسد، این نوع نفت به طور متوسط در سال ۲۰۱۸ حدود ۶۵ دلار معامله شد. با این حال کارشناسان زیادی هشدار می‌دهند که تحت تاثیر عوامل مختلفی قیمت نفت می‌تواند به بیشتر یا کمتر از این بازه قیمتی برسد.

تحریم ایران؛ نگرانی از کمبود نفت

در ۸ ماه مه ترامپ خروج آمریکا از برجام را اعلام کرد و از بازگشت تحریم‌ها علیه ایران خبر داد. تحریم صادرات نفت ایران به فاصله شش ماه بعد از خروج از برجام یعنی در ۵ ماه نوامبر آغاز شد. در این فاصله شش ماهه دولتمردان آمریکا بارها و بارها اعلام کردند که هدف از تحریم‌ها توقف صادرات نفت ایران است. پیش از خروج ترامپ از برجام میزان صادرات نفت و میعانات گازی ایران به حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز بود، احتمال حذف این حجم از نفت از بازار نگرانی‌های بسیاری را به همراه داشت. از این رو تحریم ایران یکی از مهمترین دلایل افزایش قیمت‌ها و رسیدن آن به سقف ۴ ساله (۸۶ دلار بر بشکه) در اوایل ماه اکتبر بود.

اما افزایش قیمت نفت خام موجب فشار بر دولت ترامپ از خارج و داخل آمریکا شد تا واشنگتن برخی خریداران نفت ایران را از تحریم‌ها معافیت کند. از این رو حدود یک ماه مانده به شروع تحریم‌ها، زمزمه‌هایی مبنی بر

اعطای برخی معافیت به گوش می‌رسید. همین موضوع خود یکی از دلایل شروع روند کاهشی قیمت‌ها در ماه اکتبر محسوب می‌شود. در نهایت نیز در روز شروع تحریم‌ها دولت آمریکا ۸ خریدار بزرگ نفت ایران را به مدت ۶ ماه از تحریم خرید نفت معاف کرد.

اما این معافیت‌ها یکی از بازی‌سازان بزرگ بازار نفت در سال ۲۰۱۹ خواهند بود. در واقع در حال حاضر سرنوشت این معافیت‌ها که می‌تواند سطح صادرات نفت ایران را در بیش از یک میلیون بشکه در روز نگه دارد، یکی از ابهام‌های بزرگ بازار نفت است. چراکه مهلت ۶ ماهه این معافیت‌ها در اوایل ماه مه ۲۰۱۹ یعنی حدود ۴ ماه دیگر به اتمام می‌رسد. استراتژی ترامپ برای بعد از پایان این موعد مشخص نیست، برخی بر این باورند که بعد از پایان مهلت معافیت‌ها ترامپ فشار بیشتری بر ایران اعمال خواهد کرد و حتی اگر قیمت نفت در سطوح کنونی باقی بماند ممکن است، تلاش برای توقف صادرات نفت ایران بار دیگر از سرگرفته شود. مایکل کوهن، تحلیلگر بارکلیز

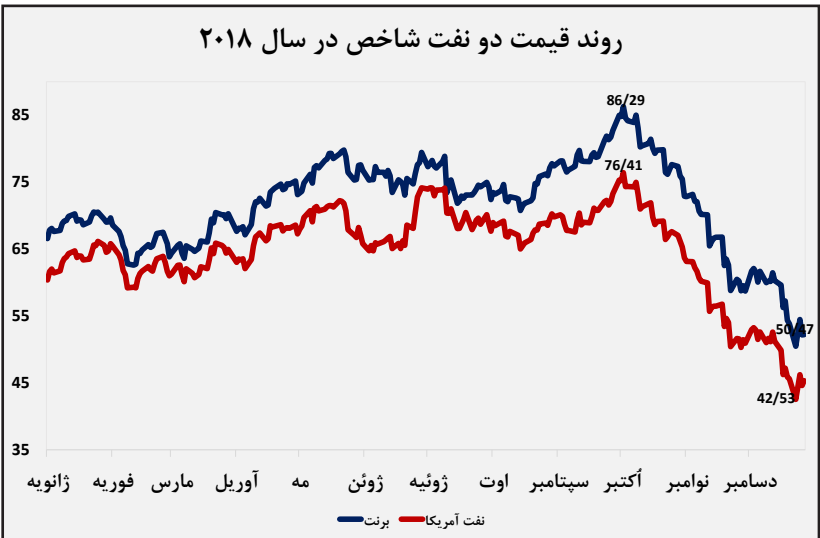
«خروج آمریکا از برجام و آغاز تحریم‌ها علیه صادرات نفت ایران»،
«رکوردشکنی تولید نفت آمریکا»، «دو نشست اوپک که یکی به انحلال توافق نفتی و دیگری به تشکیل توافق جدید منجر شد» و همچنین «شعله‌ور شدن جنگ تجاری» از مهمترین عوامل اثرگذار بر بازار نفت در سال ۲۰۱۸ بوده است

بر این باور است که اگر قیمت نفت زیر ۶۰ دلار باقی بماند دولت ترامپ فرصت بیشتری برای اعمال فشار بر ایران خواهد داشت. به اعتقاد این کارشناس بازار نفت تنها رسیدن نفت به بیش از ۸۰ دلار باعث خواهد شد که ترامپ برای کاهش قابل توجه در صادرات نفت ایران اقدام نکند.

اوپک و دو تصمیم بزرگ

پیش از خروج آمریکا از برجام، سعودی‌ها قول مساعدت به واشنگتن برای افزایش عرضه و جلوگیری از رشد قیمت‌ها داده بودند. بعد از خروج آمریکا از برجام، عربستان تلاش کرد توافق نفتی برای کاهش تولید را که از ابتدای سال ۲۰۱۷ به اجرا درآمده بود، منحل کند. در نهایت نیز در اولین نشست اوپک در سال ۲۰۱۸ که ماه ژوئن (تیر) برگزار شد، تصمیم به افزایش تولید نفت گرفته شد. عربستان، روسیه، امارات و عراق بیشترین رشد را در تولیدات خود لحاظ کردند و غالباً به رکورد جدیدی در تولید دست یافتند. تولید نفت عربستان در ماه اجرایی شدن تحریم‌ها به حدود ۱۱/۲ میلیون بشکه در روز رسید که بیشترین سطح در تاریخ این کشور محسوب می‌شود. تولید نفت روسیه نیز به بیش از ۱۱/۴۲ میلیون بشکه در روز افزایش یافت که از رشد بیش از ۴۰۰ هزار بشکه‌ای تولید این کشور خبر می‌داد. دیگر اعضای اوپک نیز تقریباً تولیدات خود را به بیشترین سطح توان رساندند و توافق نفتی اوپک و متحدانش که از ابتدای سال ۲۰۱۷ به اجرا درآمده بود عملاً تابستان امسال منحل شد. این موضوع یکی از مهمترین دلایل قرار گرفتن قیمت نفت در مسیر کاهشی محسوب می‌شود.

اما افت قیمت نفت در ماه‌های اخیر تولیدکنندگان اوپک را که اقتصادی وابسته به درآمدهای نفتی دارند، به شدت نگران کرده است. از همین رو در دومین نشست اوپک و متحدانش در سال ۲۰۱۸ که در دسامبر (آذر) برگزار شد، مجدداً توافقی برای کاهش تولید نفت به دست آمد. بر اساس این توافق تولید



نفت اوپک و متحدانش در شش ماه ابتدای سال ۲۰۱۹ نسبت به سطح تولید اکتبر حدود ۱/۲ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت. با این حال آنطور که برآوردهای اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد این میزان کاهش عرضه نمی‌تواند بازار نفت را متعادل کند. بر اساس توافق سقف تولید اوپک باید به ۳۲/۱ میلیون بشکه در روز برسد، این در حالی است که آژانس میزان تقاضا برای نفت اوپک را ۳۱/۶ میلیون بشکه در روز برآورد کرده که ۵۰۰ هزار بشکه کمتر از سقف تولید اوپک است. اوپک نیز در آخرین گزارش خود میزان تقاضا برای نفت این سازمان در سال ۲۰۱۹ را حدود ۳۱/۴ میلیون بشکه در روز برآورد کرده که نسبت به سقف تعیین شده برای تولید اوپک حدود ۷۰۰ هزار بشکه در روز کمتر است. چنین برآوردهایی از اثرگذاری توافق اوپک، موجب شد که بعد از این توافق نه تنها قیمت نفت در مسیر افزایشی قرار نگیرد، بلکه با کاهش بیشتری مواجه شود. نفت در روزهای پایانی سال نسبت به زمان توافق حدود ۱۰ دلار معادل ۱۶ درصد کاهش یافته بود.

از این رو در روزهای پایانی سال از سوی مقامات مختلف کشورهای عضو اوپک اظهاراتی مبنی بر احتمال تمدید توافق یا حتی تعمیق آن منتشر می‌شد. اوپک و متحدانش قرار است در ماه آوریل (فروردین-اردیبهشت) یعنی دو ماه پیش از زمانی که به طور عادی

این سازمان باید نشست رسمی خود را برگزار می‌کرد و درست پیش از پایان مهلت معافیت از تحریم خرید نفت ایران، با یکدیگر دیدار کنند. به نظر می‌رسد هدف از این نشست هماهنگی بیشتر عربستان و اوپک با سیاست‌های آمریکا در قبال صادرات نفت ایران باشد. یعنی اگر آمریکا قصد داشته باشد که حلقه تحریم‌ها را تنگ‌تر کند، ممکن است توافق نفتی تمدید نشود یا حتی تعدیل شود. اما اگر صادرات نفت ایران ادامه داشته باشد ممکن است عربستان برای تعمیق بخشیدن به توافق و تمدید آن تلاش کند. به اعتقاد تحلیلگران، تصمیمات اوپک در سال جدید میلادی یکی از کلیدی‌ترین موضوعات تعیین‌کننده قیمت نفت خواهد بود.

نفت شیل اوج می‌گیرد

رشد تولید نفت آمریکا یکی از دلایل کاهش قیمت نفت در ماه‌های اخیر بوده است. تولید نفت این کشور در ماه‌های اخیر به حدود ۱۱/۷ میلیون بشکه در روز رسیده که نسبت به دسامبر ۲۰۱۷ حدود ۲ میلیون بشکه رشد را نشان می‌دهد. اما بخش قابل توجهی از این رشد تولید در ماه‌های اخیر و به دنبال توسعه زیرساخت‌های انتقال نفت در این کشور رخ داده است. آنطور که آمار منتشر شده از سوی اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد، تولید نفت این کشور در ماه اکتبر کمی بیش از ۱۱ میلیون بشکه در روز بوده و در یک ماه بعد از آن یعنی در نوامبر ۷۰۰ هزار بشکه افزایش می‌یابد. اداره اطلاعات انرژی آمریکا متوسط تولید نفت این کشور در ۲۰۱۹ را حدود ۱۲/۳ میلیون بشکه در روز برآورد کرده، با این حال زیرساخت‌های انتقال نفت آمریکا به خصوص در حوزه نفتی پریشان که قطب رشد تولید نفت شیل محسوب می‌شود، همچنان با محدودیت‌هایی مواجه است. این محدودیت‌ها می‌تواند روند رشد تولید آمریکا را در نیمه اول سال ۲۰۱۹ متوقف کند، اما پیش‌بینی می‌شود در نیمه دوم سال،

زیرساخت‌های انتقال نفت توسعه یافته و جریان رشد تولید آمریکا را آزاد کنند. بنابراین چگونگی توسعه زیرساخت‌ها در صنعت نفت آمریکا یکی از پارامترهای مهم بازار نفت در سال ۲۰۱۹ است.

جنگ تجاری؛ کلید بازار نفت

اختلافات آمریکا و چین بر سر تراز تجاری از اوایل سال ۲۰۱۸ آغاز شد. در نهایت ترامپ در ماه مارس اعلام کرد که بر واردات فولاد به این کشور تعرفه ۲۵ درصدی اعمال خواهد کرد و این شروعی برای اعمال تعرفه بر واردات اقلام زیادی از طرف هر دو کشور شد. اما چین و آمریکا در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ در اوایل ماه گذشته میلادی توافق کردند که به مدت سه ماه از ابتدای ژانویه ۲۰۱۹ آتش بس اعلام و در این مدت برای رفع اختلافات تلاش کنند. هرچند که در حال حاضر اختلافات تجاری کاهش یافته، اما همچنان ناطمینانی از حصول توافقی نهایی بین این دو کشور بر بازار سایه افکنده است. علاوه بر آن اختلافات بین دو کشور در ماه‌های گذشته عدم اطمینان از وضعیت اقتصاد جهانی و نگرانی از کاهش رشد اقتصادی در چین و دیگر اقتصادهای نوظهور را به همراه داشت و ماحصل چنین شرایطی افت شدید بازارهای کالایی و بورس‌های بزرگ دنیا بود.

اما به دنبال این شرایط پیش‌بینی شد که تقاضا برای نفت‌خام نیز کاهش یابد. آژانس بین‌المللی انرژی نسبت به آگوست برآورد خود را از رشد تقاضا در سال آینده ۱۰۰ هزار بشکه کاهش داده و به ۱/۴ میلیون بشکه در روز رسانده است. اوپک و اداره اطلاعات انرژی آمریکا نیز به ترتیب ۲۰۰ و ۱۰۰ هزار بشکه برآورد خود را کاهش داده و به ۱/۳ و ۱/۵ میلیون بشکه در روز رسانده‌اند. این در حالی است که برخی موسسات برآوردهای بسیار بدبینانه‌تری دارند، به‌طور مثال موسسه مشاوره‌ای جی‌بی‌سی انرژی رشد تقاضا برای سال ۲۰۱۹ را کمتر از یک میلیون بشکه در روز برآورد کرده است.

چین و آمریکا در حاشیه

اجلاس گروه ۲۰ در اوایل ماه

گذشته میلادی توافق کردند

که به مدت سه ماه از ابتدای

ژانویه ۲۰۱۹ آتش بس اعلام

و در این مدت برای رفع

اختلافات تلاش کنند

در سال ۲۰۱۹ نیز، پارامترهای اقتصاد کلان یکی از مهمترین موضوعات اثرگذار بر بازار نفت خواهد بود. در حال حاضر تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که در نیمه اول سال جدید میلادی رشد اقتصادی به خوبی از قیمت نفت حمایت می‌کند، اما این رشد پیش از فرارسیدن سال ۲۰۲۰ فروکش خواهد کرد. به اعتقاد تحلیلگران، بزرگترین ریسک پیش‌روی اقتصاد جهانی افزایش تنش‌های تجاری بین آمریکا و چین است. کاهش رشد اقتصادی چین تأثیر زیادی بر قیمت نفت خواهد داشت، چراکه این کشور قطب رشد تقاضا برای نفت محسوب می‌شود.

چالش های اتحادیه اروپا با سوئیت

خواستن توانستن نیست



نادی مهوری - خبرنگار حوزه نفت و انرژی



اینوستوپدیا SVP که مخفف حروف اولیه Special purpose vehicle است را در وهله اول مکانیزمی معرفی می‌کند که یک شرکت برای اینکه دارایی‌هایش در وضعیت ورشکستگی در امان باشد به کار می‌بندد، این حروف اما برای ایران معنای دیگری یافته است. یکی از تعاریفی که وب‌سایت اینوستوپدیا از SVP ارائه می‌کند نوعی از همکاری جنبی طراحی شده برای تعویض اعتبارات یا سایر ابزارات مشتقه میان دو طرف یک معامله معرفی می‌کند.

تا جایی که به ایران مربوط می‌شود معنای دوم اس وی پی دارای اهمیت است. مهرماه امسال بود که اعلام شد اتحادیه اروپا وعده داده است علی‌رغم تحریم‌های ایالات متحده روابط تجاری‌اش با ایران را ادامه دهد. در این میان عنوان شد که اتحادیه اروپا برای اینکه از گرفتاری سوئیفت در امان بماند این همکاری را از طریق پیشنهاد ویژه‌ای تحت عنوان SVP عملیاتی خواهد کرد.

سوئیفت یا Society for Worldwide Interbank Financial telecommunication انجمنی بین‌المللی است که با ارائه یک شبکه جهانی، موسسات مالی را قادر می‌سازد که اطلاعات تراکنش‌های مالی را در یک محیط امن، استاندارد و قابل اعتماد ارسال و دریافت کنند. با چنین تعریفی طبیعی است که SVP نیز باید عملکردی مشابه سوئیفت داشته باشد.

همین مسئله باعث شد در ایران از SVP با عنوان سوئیفت اروپایی یاد کنند. برای مثال روزنامه ایران ۱۵ مهرماه نوشت که «سوئیفت اروپایی» از ۱۳ آبان ماه (مصادف با روز از سرگیری تحریم‌های ضد ایرانی آمریکا) عملیاتی خواهد شد.

اتحادیه اروپا قبل از اینکه موضوع SVP مطرح شود، از طریق میگل آریاس کانیتته کمیسیون انرژی این اتحادیه این پیغام را به ایران منتقل کرد که به دنبال آن است تا از طریق مکانیزم «شرایط انسداد» ادامه فعالیت شرکت‌های اروپایی در ایران را ممکن کند.

شرایط انسداد یا Blocking Statue قانونی بود که در سال ۱۹۹۶ در خصوص تحریم‌های وضع شده علیه کوبا، لیبی و ایران وضع شده ولی هرگز اجرایی نشده بود، در مورد این دور از تحریم‌ها نیز حداقل در خصوص شرکت نفتی فرانسوی توتال که رهبر کنسرسیومی بود که تابستان سال ۲۰۱۷ قراردادی را برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با ایران به امضا رساندند، نتوانست شرایط ماندن شرکت را فراهم کند. البته میگل آریاس کانیتته کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا در

جریان دیدار با بیژن زنگنه وزیر نفت ایران تاکید کرده بود که ابزارهای مختلفی وجود دارد که برخی برای شرکت‌های متوسط و کوچک کاربرد دارند و برای مثال موضوع توتال نیازمند راهکار دیگری مانند تامین مالی از بانک اتحادیه اروپا است.

بعد از مدتی موضوع «شرایط انسداد» تقریباً به حاشیه رفته و صحبت‌ها پیرامون SVP داغ شد، هر چند SVP می‌تواند به نوعی بخشی از فراهم کردن ساز و کار برای عملیاتی کردن شرایط انسداد به حساب بیاید. چندی پس از مطرح شدن «شرایط انسداد» رئیس کمیسیون اروپا، ژان کلود یونکر اعلام کرد که اتحادیه اروپا قانون انسداد را به نحوی اصلاح خواهد کرد که تحریم‌های آمریکا علیه ایران را دربرگیرد. حفظ برجام در کنار حفظ تجارت با ایران برای اتحادیه اروپا همواره اهمیت داشته است، گاردین یک سال پیش نوشته بود که اتحادیه اروپا زمانی بزرگترین شریک تجاری ایران و دومین خریدار نفت بود و پس از برجام تصمیم داشت تا صدها میلیارد یورو در این کشور سرمایه‌گذاری کند. صادرات نفت و پتروشیمی ایران به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶، نسبت به سال قبل از آن ۳۴۴ درصد افزایش یافت تا به ۵ میلیارد

و ۵۰۰ میلیون یورو برسد. در همین حال، سرمایه‌گذاری در ایران به ۲۰ میلیارد دلار رسید. «اس وی پی» که شاید بتوان آن را با «شرایط انسداد» در ارتباط دانست در واقع پاسخی از سوی اتحادیه اروپا به درخواست ایران برای تامین منافعش در برجام محسوب می‌شود. اردیبهشت امسال آریس کانیه‌ته کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا گفت که مقامات ایرانی مشتاقند با انتقال مستقیم و یورویی پول نفتی که به اروپا صادر می‌کنند به بانک مرکزی ایران، سیستم مالی ایالات متحده را دور زده و موانعی که تحریم‌های آمریکا بر سر راه درآمدهای نفتی ایران قرار می‌دهد را پشت سر گذارند. کانیه‌ته در این باره گفت: «اتحادیه اروپا این (طرح پیشنهادی ایران) را بررسی می‌کند»

«انتقال مستقیم و یورویی پول نفت ایران به بانک مرکزی» احتمالاً خروجی اصلاً «اس وی پی» یا همان سوئیفت اروپایی محسوب می‌شود. اتحادیه اروپا ۱۷ اکتبر و پس از آنکه انجمن مستقر در بروکسل سوئیفت تصمیم گرفت که دسترسی بعضی از بانک‌های ایرانی به این

سیستم را «تعلیق» کند، به اصن تصمیم واکنش نشان داده و آن را تاسف‌بار خواند. در همان زمان فایننشال تایمز به نقل از یک دیپلمات اروپایی نوشت که اتحادیه اروپا می‌تواند به جای اینکه موضعی سرسختانه علیه اقدام سوئیفت بگیرد، بانکی را برای اینکه به آلترناتیو سوئیفت تبدیل شود ایجاد کند. البته ماجرا به سادگی تاسیس یک بانک نیست اما اهمیت ماجرا نیز برای اروپا کم نیست. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان «هایکوماس» وزیر خارجه آلمان در اواسط اکتبر در مقاله‌ای که در

روزنامه اقتصادی «هندلزبلات» منتشر شد با اشاره به فاصله ایجاد شده بین منافع اروپا و آمریکا و کار روی ساخت سیستم پرداخت مستقل اروپایی، اعلام کرد: «باید حاکمیت و استقلال اروپا را در سیاست تجاری، اقتصادی و مالی را تحکیم بخشیم. این اقدامی دشوار خواهد بود، اما اجرای آن کلید خورده است و ما در صدد ساخت سیستم پرداختی هستیم که مستقل از سیستم سوئیفت باشد». سوئیفت اروپایی بیش از هر چیز از آن جهت با اهمیت است که در حالی که واردات غذا و دارو در ظاهر مشمول تحریم‌های ضد ایرانی ایالات متحده نیست اما به دلیل مشکلات پیش روی تبادلات مالی، تحریم‌ها مردم ایران را با کمبود غذا و دارو مواجه می‌کنند، هر چند مشخص نیست «اس وی پی» خود از گزند تحریم‌ها در امان باشد.

چندی پیش برایان هوک که مسئول وضع تحریم‌ها است در گفت‌وگویی اعلام کرد که آمریکا هر اقدام یا فعالیت قابل تحریمی که به دنبال فراهم کردن معامله با ایران باشد را تحریم خواهد کرد. این موضوع طراحی خاص‌تری را برای اس

وی پی می‌طلبد. همین موضوع توجه‌کننده مدت زمانی که اروپا تاکنون صرف طراحی مدل جایگزین سوئیفت است خواهد بود. در تازه‌ترین اظهار نظر در این خصوص فدریکا موگرینی نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی اعلام کرد که این مدل تا پایان سال میلادی آماده خواهد شد. هر چند هنوز مشخص نیست کدام یک از کشورهای اتحادیه اروپا میزبان این مکانیزم خواهند بود.



خروج قطر از اوپک

پایگاه اطلاع رسانی اوپکس

قطر پس از ۵۷ سال حضور در اوپک، از ابتدای سال ۲۰۱۹ در این سازمان عضویت نخواهد داشت. خروج خودخواسته قطر از سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام، اوایل دسامبر و چند روز پیش از برگزاری نشست ۱۷۵ اوپک در وین، از سمت وزیر انرژی این کشور کوچک اعلام شد. همزمانی اعلام رسمی این خبر با نشست وزرای نفت اوپک و غیراوپک، پیام‌هایی به همراه داشت که گمانه‌هایی از چرایی خروج این کشور از اوپک مطرح می‌کرد.

وزن این گمانه‌ها به قدری زیاد بود که توضیحات رسمی سعد الکعبی، وزیر انرژی قطر در رابطه با دلایل خروج قطر از اوپک را پوشش می‌داد. الکعبی خروج قطر از اوپک را غیرسیاسی و بی‌ارتباط با روابطش با عربستان عنوان کرد و مهم‌ترین دلیل جدایی از اوپک را برنامه قطر برای تمرکز بر صنعت گاز دانست. اما این توضیحات مورد قبول رسانه‌ها و کارشناسان قرار نگرفت و «مقابله با عربستان سعودی و سیاست‌هایش در اوپک» به عنوان یکی از نخستین گمانه‌ها از اقدام غیرمنتظره این کشور کوچک، اما ثروتمند و غنی از گاز مطرح می‌شد. این گمانه با عدم حضور قطر در اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس قوت گرفت و نشانه‌های تقابل سیاسی این کشور با عربستان سعودی آشکارتر شد. خروج قطر از اوپک در حالی در درجه اول به روابط سیاسی این کشور با سعودی‌های بازمی‌گشت اما نگرانی از «پایان یافتن عمر اوپک» را نیز تقویت کرد. در عین حال قطر در فاصله‌ای کوتاه پس از اعلام خروج از اوپک، اقداماتی در جهت گسترش سرمایه‌گذاری‌هایش در آمریکا انجام داد که نشان‌دهنده عزم این کشور برای فعالیت مستقل بیشتر در زمینه نفت و گاز بود. وزیر انرژی قطر مدتی پس از اعلام خروج این کشور از اوپک، اجرای احتمالی قانون نوپک در آمریکا که می‌تواند شکایت علیه اعضای اوپک را به دنبال داشته باشد را یکی از دلایل

پایان دادن به عضویت این کشور در اوپک اعلام کرد.

مقابله سیاسی با عربستان

قطر و عربستان سعودی سال‌هاست که درگیر رقابت سیاسی هستند؛ رقابتی که علی‌رغم قومیت مشترک هر دو کشور، سیاست‌های آنها را در بسیاری موارد مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. اما اواسط سال ۲۰۱۷ زمانی بود که سعودی‌ها تلاش دوحه برای استقلال از ریاض را تاب نیاورند و با طرح ۱۲ شرط از جمله قطع رابطه با ایران و پایان دادن به کار شبکه خبری الجزیره، اجرای این شروط را راه حل بهبود روابط دانستند. قطر اما در مقابل این شروط کوتاه نیامد و تحریم این کشور کوچک از سمت عربستان و متحدانش، نتیجه آن بود که تا کنون نیز ادامه پیدا کرده است. بعد از تمام این ماجراها، قطر در اقدامی معنادار اعلام کرد از

در تصمیم‌گیری‌های این سازمان بوده است.

روسیه به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ نفت خام دنیا، از اواخر سال 2016 به منظور کمک به کاهش ذخایر جهانی نفت خام به میانگین پنج سال پیش از این تاریخ، به اوپک پیوست. از آن تاریخ تا کنون، نفوذ روسیه در روند تصمیم‌گیری‌های اوپک به حدی افزایش یافته است که از نگاه بسیاری از تحلیلگران، هیچ قرارداد یا تصمیمی در اوپک به نتیجه نمی‌رسد مگر با امضای وزیر نفت عربستان و روسیه.

همکاری روسیه و عربستان در اوپک، به افزایش روابط سیاسی و تجاری این دو کشور نیز منجر شد و بحث همکاری بلندمدت این دو غول نفتی در بازار نفت نیز بارها از سمت مقامات دو کشور مطرح شده است. زمانیکه توافق کاهش تولید در اواخر سال 2016 به منظور کمک به رشد قیمت نفت امضا شد، قرار بر این بود که کشورهای عضو و غیرعضو اوپک برای شش ماه همکاری داشته باشند اما همکاری آنها بعد از آخرین نشست اوپک در وین، از ابتدای سال آینده میلادی وارد سومین سال خود خواهد شد. طبق این توافق، کاهش تولید ۲/۱ میلیون بشکه‌ای کشورهای عضو و غیرعضو اوپک در شش ماه نخست سال 2019 نیز ادامه خواهد داشت. افزایش نفوذ روسیه در اوپک و اثرگذاری دیدگاه‌های این کشور بر تصمیمات، پیش از این از سمت وزیر نفت ایران نیز مورد انتقاد قرار گرفته بود. با این حال به نظر می‌رسد قطر در اقدامی عملی، اعتراضش به افزایش نفوذ روسیه را نشان داده است.

اوپک منهای قطر

قطر اگرچه در زمینه تولید نفت در دسته تولیدکنندگان بزرگ قرار نمی‌گیرد و سهم تولیدش از کل تولیدات نفت اوپک کمتر از ۲ درصد است، اما با تولید روزانه ۷۰۰ میلیون مترمکعب گاز، یکی از بزرگترین صادرکنندگان گاز طبیعی در بازار این کالا به شمار می‌رود. این کشور کوچک طبق برنامه قصد دارد تولید گاز

ژانویه ۲۰۱۹ از اوپک خارج خواهد شد تا آنطور که کارشناسان عقیده دارند، به حضور خود در سازمانی پایان دهد که عربستان نقش‌آفرینی پررنگی در آن دارد.

چند روز پس از نشست اوپک، گمانه‌ای که در رابطه با خروج قطر از اوپک مطرح شده بود، شکلی جدی به خود گرفت زیرا شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر، از حضور در سی و نهمین نشست سران شورای همکاری خلیج فارس خودداری کرد. مدت کوتاهی پس از غیبت مقامات بلند پایه قطر در اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس، وزیر امور خارجه قطر در نشست دوحه ۲۰۱۸ که با حضور شخصیت‌ها و سران بلندپایه کشورها برگزار شد، خواستار بازتعریف ائتلاف‌های منطقه‌ای شد؛ اظهارنظری بی‌سابقه که عربستان را مورد هدف قرار می‌داد. محمد بن عبدالرحمان آل ثانی، اگرچه اشاره‌ای مستقیم به عربستان و شورای همکاری خلیج فارس نداشت اما آشکارا این ائتلاف و عربستان را مورد انتقاد قرار داد. به این ترتیب تمام ماجراهایی که بعد از اعلام تعلیق عضویت قطر در اوپک رقم خورد، گواهی بر مقابله سیاسی قطر با عربستان و خروج از قلمروهایی بود که قطر را زیر پرچم عربستان قرار می‌داد.

افزایش نقش روسیه در اوپک

از دیگر دلایلی که وزیر انرژی قطر برای توجیه خروج این کشور از اوپک اعلام کرد، شنیده‌نشدن صدای این کشور کوچک در تصمیم‌گیری‌های اوپک بود. این اظهارنظر در شرایطی از سمت الکعبی مطرح می‌شود که با وجود کوچک بودن قطر و حجم محدود نفتی که تولید می‌کند (حدود 600 هزار بشکه در روز)، این کشور همواره نقشی مهم در تصمیم‌گیری‌های اوپک داشته و حضورش در هیأت مدیره این سازمان با اهمیت بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد منظور مقامات قطری از بی‌اثر بودن نظرات این کشور در تصمیم‌گیری‌های اوپک، افزایش اهمیت نظرات روسیه به عنوان کشوری خارج از اوپک

راد شیمی تهران

تولید کننده انواع :

روغن موتور ، پایه ، دنده ، هیدرولیک و صنعتی

هیدروکربن های سبک و سنگین

گریس ، ضد یخ



قطر به دنبال افق های تازه

قطر در گام بعدی پس از اعلام خروج از اوپک، سرمایه گذاری های سنگینی را در بخش انرژی آمریکا آغاز کرد. به گفته مقامات بلند پایه قطر پترولیوم، قطر در تلاش است تا در پنج سال آینده ۲۰ میلیارد دلار در پروژه های مختلف انرژی در آمریکا سرمایه گذاری کند. نزدیک شدن قطر به آمریکا در قالب سرمایه گذاری در بخش انرژی موید این نکته است که قطر قصد ندارد پس از خروج از اوپک در مقابل عربستان موضعی منفعلانه داشته باشد به همین دلیل به سرعت در حال افزایش روابط خود با آمریکا است. این کشور برای حضور پررنگ تر در اروپا نیز اقداماتی انجام داده از جمله آغاز شراکت با شرکت انی ایتالیا در سه میدان نفتی در مکزیک. سهم قطر پترولیوم از این سه میدان نفتی ۳۵ درصد خواهد بود. به این ترتیب به نظر می رسد قطر با تکیه بر منابع نفت و گاز خود و ثروتی که از این مسیر برای ایجاد کرده است برنامه های زیادی برای نقش آفرینی سیاسی بیشتر در مقابل عربستان دارد که چند نمونه از آن تازه آغاز شده است.

الکعبی خروج قطر از اوپک را غیرسیاسی و بی ارتباط با روابطش با عربستان عنوان کرد و مهم ترین دلیل جدایی از اوپک را برنامه قطر برای تمرکز بر صنعت گاز دانست

حالا و با خروج قطر رخ داده و نگرانی ها از خروج سایر اعضای اوپک و از بین رفتن این سازمان شصت ساله را افزایش داده است، در آن زمان نیز این نگرانی مطرح شد که خروج این عضو از توافق به کشورهای دیگر حاضر در توافق سرایت کند. اما این اتفاق رخ نداد.

از ذخایرش را که با ایران مشترک است، از ۷۷ میلیون تن در سال به ۱۱۰ میلیون تن در سال برساند. طبق این برنامه، تا سال ۲۰۲۲، تولید گاز قطر به معادل ۶ میلیون بشکه نفت در روز خواهد رسید.

به واسطه نقش کم رنگی که قطر در مجموع تولید نفت اوپک دارد، به نظر می رسد بودن یا نبودن این کشور در اوپک تاثیر چندانی در عملکرد تولیدی این سازمان نداشته باشد. با این حال کارشناسان انتظار دارند این کشور در آینده و با حل شدن مشکلاتش با عربستان، بار دیگر به اوپک بازگردد زیرا همواره نقشی دیپلماتیک در سازمان داشته است. انتظار بازگشت دوباره قطر، به تجربه های قبلی در اوپک بازمی گردد؛ درست مانند اتفاقی که برای اکوادور رخ داد.

اکوادور در سال ۱۹۷۳ به عضویت اوپک درآمد و در سال ۱۹۹۲ به حضورش در این سازمان پایان داد اما پس از ۱۵ سال دوری از اوپک، بار دیگر در سال ۲۰۰۷ به این سازمان پیوست. این کشور همچنین در میانه های سال ۲۰۱۷ اعلام کرد به دلیل افت طبیعی تولیدات، به تدریج از توافق کاهش تولید خارج می شود. مانند اتفاقی که

کارخانه: تهران، کیلومتر ۴۰ جاده مشهد، شهرک صنعتی جنت آباد

همراه: ۰۹۱۲۲۳۱۷۰۶۲۰

تلفکس: ۰۲۳۳۴۵۷۲۷۵۶

www.radshimi-tehran.com



محمد رضا مجلل - کارشناس اقتصاد و مدیریت

بنیادی ترین مسئولیت اجتماعی بنگاه های اقتصادی (رعایت قواعد ارزشی ، اخلاقی و رفتاری)

دکترمحسن رنانی (اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان) در یکی از مصاحبه های خود در خصوص سرمایه اجتماعی می گوید : اگر از تمثيل استفاده کنیم و جامعه را مانند یک میدان بازی در نظر بگیریم ، استادیوم همان سرمایه فیزیکی است ، بازیکنان این بازی سرمایه های انسانی و سرمایه اجتماعی همان قواعد بازی و رعایت آنها، داوری بی طرفانه و تمکین بازیکنان به نظرات داور، احترام متقابل بازیکنان، عدم پرخاشگری، تعهد و پایبندی به اخلاق بازی و نظایر آن است که بازی را روان، مطمئن و کم هزینه می کند و رفتارها را پیش بینی پذیر می سازد .

سرمایه اجتماعی منبعی است شامل قواعد ارزشی، اخلاقی و رفتاری که وابستگی و ارتباط متقابل و محکمی با سرمایه فیزیکی، اقتصادی و انسانی دارد و وجودش به تسریع توسعه اقتصادی و فرهنگی جامعه باری می رساند ، از سوی دیگر با کاهش و افول آن، شاهد تبعیض، نابرابری، مهاجرت، عدم حس اعتماد عمومی، کاهش مشارکت اجتماعی، افول امورخیریه ، افزایش انحرافات ، تخلف ، تقلب ، دروغ ، رفتارهای ناجوانمردانه و رقابت های غیر منصفانه و خواهیم بود .

طبق تحقیقات که توسط پژوهشگران اقتصادی انجام شده ، متأسفانه نابسامانی های اقتصاد در چند دهه اخیر موجب افول سرمایه های اجتماعی کشور گردیده است ، دینی ترکمانی (عضو هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازگانی) در نتیجه گیری تحقیقات خود اعلام می دارد که هیچ اقتصادی موفق نخواهد شد مگر آنکه سرمایه اجتماعی به میزان قابل قبولی بالا باشد . چون

از دیدگاه جامعه امروز اگر موفقیت شرکت با هزینه از بین رفتن محیط زیست، تولید کالای نامرغوب ، به استثمار کشیدن کارگر، فشار برتامین کننده و دروغ گفتن به مصرف کننده حاصل شده باشد، این عملکرد ارزشمند نیست

است اول باید روند سقوط سرمایه اجتماعی را متوقف سازد.

در این نوشتار تلاش بر این است تا با شرح مختصری در باب موضوعات اصلی مسئولیت اجتماعی شرکت ها این پیام را به بنگاه های اقتصادی دهد که جامعه از آنها برای ارتقاء سرمایه اجتماعی در کشور چه انتظاری دارد سازمان بین المللی استاندارد در سال ۲۰۱۰ استاندارد مدیریتی خود در باب مسئولیت اجتماعی شرکت ها را تحت عنوان ISO ۲۶۰۰۰ تدوین و منتشر کرد. طبق این استاندارد اصول هفتگانه مسئولیت اجتماعی شرکت ها عبارتند از: (۱) پاسخگویی (۲) شفافیت (۳) رفتار اخلاقی (۴) احترام به منافع و علائق ذینفعان (۵) احترام به قانون (۶) احترام به هنجارهای بین المللی (۷) احترام قائل شدن برای حقوق انسان و برای اجرای شدن اصول فوق نزدیک به ۳۵۰ الزام قرارداده است که می بایست در ۷ بُعد زیر رعایت گردد:

● **حاکمیت شرکتی:** سازمان باید مجموعه ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیئت مدیره، سهامداران و ذی نفعان را تعریف کند تا عملکرد شرکت بهبود یافته و شفافیت و پاسخگویی هیئت مدیره در برابر ارزش ذی نفعان و سهامداران افزایش یابد.

● **حقوق بشر :** شرکت باید از ورود در انواع جرم ها اجتناب کند ، به شکایات ذینفعان رسیدگی نماید و پاسخگو آنها باشد ، حقوق سیاسی ، شهروندی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دیگران را رعایت نماید .

● **فعالیت های کاری کارکنان:** شرکت باید در ایجاد شرایط مناسب برای کار، حمایت های اجتماعی از کارکنان، ایمنی و سلامت آنها و همچنین آموزش و توسعه نیروی انسانی کوشا باشد.

● **محیط زیست:** شرکت باید در جهت پیشگیری از آلودگی محیط زیست و حمایت از آن برای استفاده پایدار از این منبع مهم تلاش کند .

● **کسب و کار منصفانه :** شرکت باید در رقابت با دیگر تولید کنندگان منصفانه عمل کند و به حقوق مالکیت دیگر رقبا احترام بگذارد.

● **موضوعات مربوط به مصرف کننده:** شرکت باید در بازاریابی و فروش تولیداتش به مصرف کننده منصفانه و اخلاقی عمل نماید ، ایمنی و سلامت مصرف کننده مورد توجه باشد ، خدمات مشتریان و رسیدگی به شکایات آنها در اولویت قرار گیرد و از حریم خصوصی و اطلاعات آنها حفاظت نماید و آموزش و آگاهی مشتری پارامتری مهم برای شرکت باشد.

● **توسعه و همکاری با جوامع محلی:** بدین معناست که شرکت باید به جوامع محلی، فرهنگ و آموزش منطقه، اشتغال زایی و توسعه



مهارت ها ، توسعه فن آوری و ایجاد درآمد و ثروت برای منطقه مستقر در آن کمک کند.

از دیدگاه جامعه امروز اگر موفقیت شرکت با هزینه از بین رفتن محیط زیست، تولید کالای نامرغوب ، به استثمار کشیدن کارگر، فشار برتامین کننده و دروغ گفتن به مصرف کننده حاصل شده باشد، این عملکرد ارزشمند نیست .

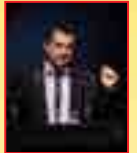
شرکت های موفق به این نتیجه رسیده اند که باید در تعامل با جامعه همه ذینفعان احساس انتفاع کنند و برد یکی موجب باخت دیگری نباشد . شرکت های معتبر جهان از تلاش هایی صحبت می کنند که به توسعه اجتماعی و انسانی کمک و از محیط زیست حفاظت می کند، یک شرکت انتشار گازهای گلخانه ای خود را کاهش می دهد، دیگری بخشی از سود خود را صرف تحقیق در حوزه بازیافت ضایعات

می کند، بعضی برای مبارزه با بیماری ایدز و گروهی دیگر برای ارتقاء هنر هزینه می کنند. با این نگاه اجرای مسئولیت اجتماعی نه تنها سیاستی هزینه بر تلقی نمی شود، بلکه نوعی سرمایه گذاری انسانی و اجتماعی است. آقای ماتسوشیتا بنیان گذار گروه صنعتی ماتسوشیتا الکتریک اعتقاد دارد که شرکت متعلق به اجتماع است و رسالت آن حفاظت از محیط زیست، کاهش آلاینده ها، خلق منابع تازه برای رشد، اشتغال نیروی کار، افزایش بهره وری، آموزش کارکنان و همزیستی با دیگر رقبا می باشد. او بر این باور است که چون شرکت منابع خود را از جامعه می گیرد و محصول خود را نیز به جامعه ارائه می کند، بنا بر این باید از بستر حیات خود که جامعه است، مراقبت کند.

ولی متأسفانه روند فعلی کسب و کار در ایران نشان میدهد بسیاری از بنگاه های کشور هنوز در سطح مقدمات هستند و باید به آنها در باب بدیهی ترین امور همچون رعایت اصول اخلاقی ، رعایت قانون و پاسخگو بودن توصیه کرد و از ایشان درخواست نمود به حقوق دیگران و هنجارهای بین المللی احترام بگذارند و با کوشش فراوان و انواع روش ها به آنها اثبات کرد که این مهم منافع شما و دیگران را در بلندمدت حداکثر خواهد کرد .

امید است که روزی شاهد بسط و گسترش تفکر ماتسوشیتا در بین کارفرمایان و صاحبان بنگاه های ایرانی نیز باشیم و اعتماد عمومی این سرمایه بزرگ از دست رفته دوباره به جامعه باز گردد. البته راه و مسیر کاملاً مشخص است و پیچیده گی خاصی ندارد کافیهست کارفرمای ایرانی از منافع کوتاه مدت بگذرد و توجه اصلی به منافع بلند مدت سازمان داشته باشد در ضمن بجای حداکثر سازی منافع فردی به منافع جمعی بیندیشد و در کل اجرای اصول هفتگانه فوق را سرلوحه امور شرکت قرار دهد.

هدف مندی قاچاق، یک تیرودونشان نفت ایران



سعید ساویز - کارشناس حوزه نفت و انرژی

اقتصاد تک محصولی معمولاً دو ویژگی مشخص دارد، اول فساد که جزء جدایی ناپذیر از آن است و دوم شکنندگی در مقابل اتفاقات اقتصادی و سیاسی غیر قابل پیش بینی؛ اما از آنجایی که انرژی را باید حیاتی ترین عنصر زندگی بشر امروزی دانست، صادر کنندگان انرژی فسیلی دارای اقتصاد تک محصولی، به دلیل درآمد سرشار و قدرت سیاسی قابل توجه، کمتر به فکر تغییر استراتژی اداره کشور و فرار از تک محصول وابسته به نفت و گاز هستند. همین عامل باعث شده است که بسیاری از این کشورها با نوسانات اقتصاد بین الملل دچار نوسانات شدید در اقتصاد و گاهی تغییر رژیم های حکومتی شوند. در یک جنگ اقتصادی با کشوری تک محصولی فقط کافیسست تا شاهرگ های حیاتی بسته شود، آنگاه است که پیدا کردن گزینه جایگزین اندکی سخت می شود. دردهه های ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم حتی فکر تحریم تولید کنندگان نفت با توجه به نیاز رو به رشد بازار و محدودیت تولید کنندگان و همچنین کارتل متحد و قدرتمندی به نام اوپک دور از عقل می نمود اما اکنون با توجه به تنوع عرضه کنندگان نفت و گاز و وضعیت مازاد عرضه، دیگر حذف یک تولید کننده رده دوم و سوم آنچنان اتفاق دور از ذهنی نیست. شرایطی که عنوان شد دقیقاً شرایطی است که در حال حاضر اقتصاد کشور ما در گیر آن است یعنی اقتصادی تک محصولی که به شدت غرق در فساد و رانت است و از سوی دیگر تحریم هایی که اگر چه نتوانست صادرات ایران را کاملاً به صفر برساند اما توانست راه درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و گاز را

ببندد. هم پیمانی عربستان و آمریکا در کنار فرصت طلبی روسیه و چین نیز باعث شده است که کسی چشم امید چندانی به کمک از سوی اوپک یا هراتتلاف سیاسی دیگر نداشته باشد و این به این معنا است که اگر صادقانه با مخاطب صحبت کنیم، ما درگیر یک جنگ اقتصادی تمام عیار نا برابر شده ایم که حداقل حاصل آن احتمالاً افزایش نفت و میعانت گازی روی آب خواهد بود. درآمدهای ارزی کشور کاهش خواهد یافت و حتی بعید نیست که نگهداری میعانات گازی به معضلی جدی برای وزارت نفت تبدیل شود. در این شرایط دو راه پیش روی اقتصاد ایران است؛ اول سازش و پذیرفتن شروط طرف قویتر و دوم اتخاذ تدابیر خلاقانه و تقویت روحیه مقاومت. از گزینه اول عبور می کنیم؛ اما راهکارها تا چه حد خلاقانه و کلی اقتصاد ایران برای برون رفت از این بحران چیست؟ و این راهکارها تا چه حد خلاقانه و هوشمندانه است؟ آیا می توان بر تحریم های هوشمند غالب آمد؟

یکی از راهکارهایی که اخیراً از سوی وزارت نفت مطرح شده است عرضه نفت خام در بورس است؛ طبیعی است که این اقدام به این امید انجام می شود که خریدار در بورس می تواند نفت را در بازار بین المللی عرضه کند و آن را به ارز یا ارز مرجع تبدیل کند و البته دوباره در رقابتی دیگر اقدام به خرید نفت از بورس نماید. با یک بررسی ساده دو سوال پیش می آید که اول: آیا تنها دولت ایران و بخش دولتی ایران مشمول تحریم هاست یا اینکه این تحریم ها شامل همه ایرانیان و یا هر کسی که بخواهد با اقتصاد ایران معامله کند نیز می شود؟ و

دوم: به فرض وجود امکان فروش نفت در بورس و انتقال آن به بازار مصرف و همچنین فروش آن آیا پالایشگاهی در دنیا حاضر است خوراک ورودی خود را به امید رسیدن نفت ایران از دل بورس معطل کند؟ آیا به دنبال یک تامین کننده مطمئن و یک قرارداد بلند مدت، مشتریان ایران عرضه کننده مطمئن تری را جستجو خواهند کرد؟ توضیح و توجیه کارایی عرضه نفت در بورس را به زمان واگذار می کنیم و توجه برنامه ریزان استراتژیک صنعت نفت و اقتصاد ایران را به یک نکته ظریف جلب می کنیم. وقتی یک اقتصاد و تمامی تراکنش های مالی آن زیر ذره بین است، هر قدر جبهه مبارزه گسترده تر شود و نقش مردم و خرده فروشی در انتقال محصول و تبدیل آن به ارز و یا کالا پررنگ تر شود شکنندگی آن پایینتر می آید. شاید نتوان نفت خام را به صورت خرده فروشی و چمدانی توسط بنگاهها و کسب و کارهای کوچک مردمی صادر کرد اما محصولاتی چون بنزین، گازوئیل و حتی بسیاری از مواد شیمیایی و حلال ها که مستقیماً با بازار مصرف و محصول نهایی در ارتباطند را می توان از طریق مرزهایی که هم اکنون نیز پدیده قاچاق در آنها نشان دهنده تقاضای بالا در آنسوی آن است صادر و به ارز تبدیل کرد. هر چه از توان و ظرفیت داخلی بیشتر برای تولید محصول و عرضه آن در بورس به جای عرضه نفت خام استفاده شود، شانس بازیابی بخشی از درآمدها را بیشتر زنده نگه خواهد داشت. بدین ترتیب حتی می توان پدیده قاچاق را برنامه ریزی، هدفمند و کنترل کرد و به قولی با یک تیر دو نشان زد.

آیین بزرگداشت روز جهانی استاندارد



آیین گرامیداشت روز جهانی استاندارد استان تهران و تقدیر از واحدهای برتر این استان با حضور رییس، معاون و جمعی از مدیران سازمان ملی استاندارد ایران، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و جمع کثیری از نمایندگان بخش خصوصی در مجتمع فرهنگی، آموزشی آدینه تهران برگزار شد.

نیرو پیروزبخت، رییس سازمان ملی استاندارد ایران در مراسم تقدیر از واحدهای نمونه استاندارد استان تهران، گفت: سازمان ملی استاندارد ایران مشاور و همکار واحدهای تولیدی و خدماتی است.

وی با اشاره به نگرانی های بخش خصوصی در شرایط تحریم گفت: تولیدکنندگان با مدیریت جهادی در تلاشند تا از تنگناهای اقتصاد عبور کنند و سازمان استاندارد با رصد این تحولات در صدد حمایت از تولید است، اما برای حفظ ایمنی و سلامت جامعه هر جا که لازم باشد سختگیری خواهیم داشت.

در مراسم امروز از ۲۳ شرکت تولیدی برتر در زمینه رعایت استاندارد در استان تهران تقدیر شد. از اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی نیز نفت پاسارگاد، مشاوران آزما، قیران پخش ایرانیان و قیر دژپاد لوح تقدیر و تندیس را به عنوان واحدهای برتر دریافت کردند.

چگونه سیاست های ترامپ بازار فرآورده های نفتی را تحت تاثیر قرار داد

سبقت قیمتی گازوئیل از بنزین

پایگاه اطلاع رسانی اوپکس



بر اساس داده های منتشر شده از سوی پلاتس در ماه اکتبر (حدود سه ماه پیش) اختلاف قیمت گازوئیل و بنزین اندک و حدود ۳ دلار بوده است، یعنی این دو سوخت با نفت برنت به ترتیب فاصله قیمت ۱۷ و ۱۴ دلاری داشته اند

برای سررسید نوامبر ۲۰۱۹ به ۷ دلار در هر بشکه رسیده، این یعنی قیمت بنزین برای سررسید ماه نوامبر ۲۰۱۹ تنها ۷ دلار از قیمت نفت برنت در این ماه بالاتر است. در حالی که قیمت گازوئیل برای سر رسید همین ماه فاصله ۱۸ دلاری با بهای نفت برنت دارد. چنین روندی در بازارهای جهانی چندان معمول نیست و معمولاً کرک اسپرد بنزین

بیشتر از گازوئیل یا بسیار نزدیک به هم است. به طور مثال داده های آرگوس نشان می دهد که در سال ۲۰۱۶ کرک اسپرد بنزین بیشتر از گازوئیل بوده و این روند تا اواخر سال ۲۰۱۷ ادامه داشته است. اما از حدود یک سال پیش سود تولید گازوئیل به بیش از بنزین رسیده، با این حال اختلاف کرک اسپرد این دو سوخت بسیار ناچیزتر از سطوح کنونی بوده است. بر اساس داده های منتشر شده از سوی پلاتس در ماه اکتبر (حدود سه ماه پیش) اختلاف قیمت گازوئیل و بنزین اندک و حدود ۳ دلار بوده است، یعنی این دو سوخت با نفت برنت به ترتیب فاصله قیمت ۱۷ و ۱۴ دلاری داشته اند.

به اعتقاد کارشناسان افزایش کرک اسپرد گازوئیل نسبت به بنزین ریشه در دو دلیل دارد، اول اینکه بازارهای جهانی با مازاد عرضه بنزین مواجه هستند و دوم اینکه کمبود عرضه فرآورده های میان تقطیر از جمله گازوئیل برای تقاضای ایجاد شده در بازار برای این سوخت کافی نیست. کمبود گازوئیل و مازاد بنزین را برخی به شرایط سمت عرضه این محصولات و برخی به سمت تقاضای آنها مربوط می دانند. به اعتقاد برخی کارشناسان افزایش فعالیت پالایشگاه ها، افزایش صادرات نفت شیل آمریکا و کاهش صادرات نفت ایران سمت عرضه بنزین و گازوئیل را تحت تاثیر قرار داده و تعادل بازار را بر هم ریخته است. به اعتقاد برخی دیگر افزایش تقاضا برای گازوئیل و کاهش آن برای بنزین شرایط کنونی را رقم زده است. هرچند در هفته های اخیر با کاهش کرک اسپرد گازوئیل اختلاف قیمت این دو سوخت تا حدودی تعدیل شده است، با این حال اختلاف

قیمت این دو سوخت همچنان بیش از ۱۱ دلار در هر بشکه است. حال در شروع سال جدید میلادی این سوال مطرح است که چه پارامترهایی در بازار این فرآورده های نفتی دخیل است و قیمت این دو سوخت به کجا خواهد رفت؟

تفاوت های بنیادی بازار دو سوخت

فاصله در قیمت سوخت های سبک و میان تقطیر موضوع جدیدی نیست. بنزین و گازوئیل در منابع و وسایل مختلفی مصرف می شوند، بنابراین طبیعی است که قیمت آنها نیز تحت تاثیر عوامل متفاوتی به حرکت درآید. بنزین در وسایل نقلیه سبک مصرف می شود، در حالی که گازوئیل در بخش های حمل و نقل تجاری، تولید، کشاورزی و معدن کاربرد دارد. حتی جغرافیای مصرف این دو سوخت نیز متفاوت است، بخش مهمی از بنزین در آمریکا و ژاپن به مصرف می رسد در حالی که مرکز اصلی تقاضای گازوئیل آسیا، اروپا، آفریقا و آمریکای لاتین است. مصرف بنزین بیشتر به چرخه تجاری جهان وابسته است، در حالی که میزان تقاضا برای گازوئیل تا حدود زیادی با تغییر در رشد اقتصاد جهانی تغییر می کند. از آنجایی که اقتصاد جهان بر اساس برآوردهای صندوق بین المللی پول در سال های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ نزدیک به ۴ درصد رشد کرده، افزایش رشد تقاضا برای گازوئیل را به همراه داشته است. آنطور که آمار بی پی نشان می دهد رشد تقاضا برای گازوئیل در سال ۲۰۱۷ حدود ۲/۸ درصد بوده در حالی که تقاضا برای بنزین ۱/۴ درصد افزایش یافته است. در نیمه اول سال ۲۰۱۸ نیز تقاضا برای گازوئیل رشد ۲ درصدی را تجربه کرده، در حالی که تقاضای بنزین تغییر محسوسی نداشته است.

مانند هر بازار کالایی، تغییرات محدود در سمت عرضه و تقاضای هر یک از این دو سوخت به عدم تعادل در بازار آن منجر می شود. اما بنزین و فرآورده های میان تقطیر هر دو در یک پروسه پالایش به دست می آیند و پالایشگران ناگزیر به تولید هر دو محصول هستند، در نتیجه در صورتی که سود تولید گازوئیل نسبت به



افزایش کرک اسپرد گازوئیل نسبت به بنزین ریشه در دو دلیل دارد، اول اینکه بازارهای جهانی با مازاد عرضه بنزین مواجه هستند و دوم اینکه کمبود عرضه فرآورده های میان تقطیر از جمله گازوئیل برای تقاضای ایجاد شده در بازار برای این سوخت کافی نیست

تولید بنزین افزایش یابد، آنها نمی توانند تنها به تولید گازوئیل دست بزنند و تولید بنزین را متوقف کنند. بنابراین یکی از دلایل افزایش مازاد عرضه در بازار بنزین همین موضوع بوده است، در واقع پالایشگران در ماه های اخیر تلاش کرده اند که با افزایش ظرفیت پالایشی خود تولید گازوئیل را افزایش دهند، اما این موضوع در نهایت به تولید بیشتر بنزین نیز منجر شده است. پالایشگران تنها می توانند از طریق تغییر در نوع نفت پالایشی خود درصد تولید بنزین و گازوئیل را تغییر دهند، اما این تغییرات محدود است. در اکثر موارد بازار یک سوخت خاص با تغییر در قیمت و تقاضا متعادل می شود.

به همین دلیل برخی تحلیلگران تحولات سمت تقاضا را عامل اصلی تغییرات قیمت در بازار فرآورده ها می دانند. به گفته آنان تابستان امسال که به طور فصلی مسافرت های جاده ای و مصرف بنزین افزایش می یابد، تقاضا برای این سوخت ضعیف تر از برآوردهای قبلی بود که این خود ریشه در قیمت بالای نفت و به دنبال آن نرخ بالای بنزین داشت. در حالی که بازار تقاضا برای گازوئیل از سوی بخش حمل و نقل تجاری، معدن و ... به خوبی حمایت می شد.

همچنین پیش بینی ها از افزایش تقاضا برای گازوئیل از سال ۲۰۲۰ به دنبال اجرای قانون جدید سازمان دریایی بین المللی (IMO) که استفاده از نفت کوره را در حمل و نقل دریایی منع می کند، از دیگر عوامل افزایش قیمت گازوئیل محسوب می شود.

کلاید راسل، تحلیلگر بازارهای کالایی بر این باور است که در تحولات بازار فرآورده ها مانند دیگر بازارهای جهان می توان رد سیاست های ترامپ را مشاهده کرد. آنطور که راسل می گوید، جنگ تجاری بین آمریکا و چین و تحریم صادرات نفت ایران که هر دواز مهمترین اقدامات ترامپ در سال گذشته محسوب می شود، از اصلی ترین دلایل تغییر حاشیه سود تولید فرآورده ها بوده است.

ر دپای ترامپ درگرانی گازوئیل

به دنبال شدت گرفتن جنگ تجاری آمریکا با چین و اعمال تعرفه بر واردات کالا، دولت مردان چینی برای کاهش تاثیر افت صادرات خود به تقویت زیرساخت ها در این کشور دست زده اند و این موضوع افزایش تقاضا برای سوخت دیزل در چین و کاهش صادرات این سوخت از سوی این کشور را به دنبال داشته است. بر اساس آمار گمرک چین، صادرات گازوئیل از این کشور در ماه سپتامبر ۲۰۱۸ (ماه نهم تقویم میلادی) به ۲۵۷ هزار بشکه در روز رسیده که کمترین سطح طی ۲۱ ماه پیش از آن محسوب می شود. این در حالی است که متوسط صادرات این سوخت از سوی چین در ۸ ماه ابتدای سال ۲۰۱۸ بیش از ۴۰۰ هزار بشکه در روز برآورد شده و حتی این کشور در ماه مه (ماه پنجم تقویم میلادی) یعنی پیش از شدت گرفتن جنگ تجاری روزانه حدود ۵۰۰ هزار بشکه گازوئیل صادر کرده است.

علاوه بر کاهش صادرات گازوئیل چین، کمبود نفت سنگین در بازارهای جهانی موضوع دیگری است که به کاهش تولید این سوخت منجر شده است. از پالایش نفت سنگین و ترش، گازوئیل و سوخت جت بیشتری نسبت به بنزین و نفتا به دست می آید. تحریم های نفتی آمریکا علیه ایران





شرکت پیمان روغن



تولید کننده انواع :

روغن موتور ، پایه ، دنده ،
هیدرولیک و صنعتی

www.peymanoil.com
info@peymanoil.com

هیدروکربن های سبک و سنگین

گریس

ضد یخ



شرکت پیمان روغن به شماره ۱۳۱۵۰۰ یک شرکت تولیدی است که در بهار ۱۳۷۶ در ایران تاسیس گردید که در زمینه تصفیه روغن های کارکرده صنعتی فعالیت می نماید. این شرکت در سال های متوالی سعی در ایفای نقش خود در امور بازیافت مواد مصرفی و بازگرداندن ضایعات مصرف به چرخه مواد اولیه نموده است. در زمان تاسیس این شرکت ، روغن های کارکرده ارزشمند و مورد توجه نبوده و به عنوان یکی از علل تخریب و آلودگی محیط زیست بشمار می رفت. پیمان روغن در سال ۱۳۹۰ با تغییر و تحول اساسی ای که در بدنه مدیریتی خود ایجاد نموده و با بهره گیری از دانش فنی و تجارب چندین ساله مدیران، اقدام به ارتقا و تقویت توانمندی های سخت افزاری و نرم افزاری خود نموده است و با اخذ استانداردها و مجوزهای مختلف و تولید و صادرات به بیش از ۲۰ کشور جهان فعالیت گسترده خود را شروع کرده است.

بیشتر است. از سوی دیگر باید توجه داشت که قیمت نفت در ماه های اخیر به شدت کاهش یافته، بنابراین با در نظر گرفتن نفت برنت ۵۰ دلاری باید گفت که حاشه سود تولید گازوئیل

بیش از ۲۰ درصد است. با این حال تحلیلگران نگرانی از شرایط اقتصاد جهانی را یکی از دلایل کاهش قیمت گازوئیل در هفته های اخیر معرفی و احتمال ادامه چنین روندی در ژانویه ۲۰۱۹ را پیش بینی کرده اند. در حال حاضر بزرگترین عدم اطمینان برای پالایشگران و مصرف کنندگان محصولات میان تقطیر، چشم انداز اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ است. رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۷ به افزایش شدید تقاضا برای محصولات میان تقطیر منجر شد. اما حجم حمل و نقل در سال ۲۰۱۸ به دلیل ظهور نشانه های رکود اقتصاد جهانی رو به کاهش گذاشت. در سال ۲۰۱۹ اگر آنطور که پیش بینی می شود، رکود اقتصاد جهانی فراگیر و به کاهش رشد اقتصادی منجر شود، کمبود کنونی بازار محصولات میان تقطیر از جمله گازوئیل کاهش می یابد و حاشیه سود تولید این نوع محصولات نیز فرو می ریزد. با این حال اگر رشد اقتصاد جهانی مجدداً بازایی شود، تقاضای قوی از سمت حمل و نقل به همراه به اجرا درآمدن قوانین جدید کشتیرانی به کمبود هرچه بیشتر محصولات میان تقطیر در بازار منجر خواهد شد.

به افزایش سودآوری آنها کمکی کند چراکه افزایش تولید بنزین در صنعت پالایشی را به دنبال داشت.

تغییرات فصلی

اما قرار گرفتن در فصل سرما یکی دیگر از افزایش قیمت گازوئیل است. سوخت های نفتی که برای گرمایش خانه ها استفاده می شود، از لحاظ ترکیب تولیدی نزدیک به سوخت گازوئیل است. از این رو در فصل سرما که تقاضا برای سوخت های گرمایشی افزایش می یابد، پالایشگاه ها از تولید گازوئیل کاسته و به افزایش تولید سوخت های گرمایشی رومی آورند. در عین حال در این فصل شاهد کاهش مسافرت های جاده ای و تقاضا برای بنزین هستیم، از سوی دیگر با وجود کاهش قیمت این سوخت در بازارهای جهانی، دولت ها اجازه نداده اند که قیمت خرده فروشی بنزین چندان تغییر کند، بنابراین کاهش قیمت جهانی نفت و بنزین تقاضا برای این سوخت را تقویت نکرده است.

کاهش قیمت گازوئیل

در هفته های اخیر قیمت گازوئیل در بازارهای جهانی تا حدودی تعدیل شده است. آنطور که پلاتس گزارش می دهد در نیمه دوم آخرین ماه سال ۲۰۱۸، کرک اسپرید گازوئیل به حدود ۱۱ دلار در بشکه کاهش یافت که کمترین سطح در این سال محسوب می شود، با این حال این نرخ نزدیک به ۱۰ دلار از کرک اسپرید هر بشکه بنزین

که از ۴ نوامبر اجرایی شده اند به کاهش صادرات نفت ایران منجر شده است. نفت ایران نسبتاً نفت سنگینی محسوب می شود و با پالایش آن محصولات پالایشی میان تقطیر چون گازوئیل بیشتری تولید می شود. بر اساس برخی گزارش ها صادرات نفت ایران در ماه های اخیر به حدود یک میلیون بشکه در روز رسیده که نسبت به پیش از خروج ترامپ از برجام کاهش قابل توجهی یافته است. کاهش صادرات نفت ونزوئلا به عنوان یکی دیگر از تولید کنندگان عمده نفت سنگین دنیا، شرایط را پیچیده تر کرده است. تولید نفت ونزوئلا در سال های اخیر به طور مداوم رو به کاهش گذاشته است، تولید نفت این کشور در ماه نوامبر حدود ۱/۱ میلیون بشکه در روز بوده که نسبت به متوسط سال ۲۰۱۷ حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش را نشان می دهد.

نقش شیل در بازار فرآورده

اما در حالی که تولید نفت سنگین کاهش یافته، رشد تولید نفت شیل به افزایش عرضه نفت سبک منجر شده است. تولید نفت آمریکا در سال های اخیر به مدد انقلاب شیل رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. تولید نفت این کشور درست ۱۰ سال پیش حدود ۵ میلیون بشکه در روز بوده اما در حال حاضر این کشور با تولید بیش از ۱۱/۷ میلیون بشکه در روز، بزرگترین تولید کننده نفت جهان محسوب می شود. تولید نفت این کشور در سال ۲۰۱۸ بیش از دو میلیون بشکه در روز افزایش یافت. در عین حال آمریکا در ماه های اخیر بیش از دو میلیون بشکه در روز نفت به سراسر جهان صادر کرده است که حدود نیمی از آن به بازار آسیا ارسال می شود. حدود ۷ میلیون بشکه از نفت تولید شده در آمریکا از میادین نفت غیر متعارف یا همان شیل استخراج می شود. نفت شیل نفت فوق سبکی محسوب می شود و مهمترین محصول نهایی پالایش این نوع نفت، بنزین است. به دنبال کاهش تولید نفت سنگین، برخی پالایشگران نفت سبک آمریکا را جایگزین نفت ایران و ونزوئلا کردند، اما این موضوع نتوانست



دفتر مرکزی: تهران - فلکه دوم صادقیه ابتدای جاده بسی کوجه عابدزاده پلاک ۱۹ واحد ۴
تلفن: ۰۲۱۴۴۲۸۸۴۳۱ ۴۴۲۸۸۷۳۹
کارخانه: ۱۰ کیلومتر ۱۰ جاده شهرداری نوبین رها شهرک جرم سازی انتهای خیابان جرم سازی شرکت پیمان روغن
فاکس: ۰۲۱۴۴۲۸۸۴۰۴



اگر اوپک توافق نمی‌کرد

پایگاه اطلاع رسانی اوپکس

۵ دسامبر است، ساختمان سفید اوپکی‌ها، واقع در خیابان «هلفرستروفر اشترازه» در نزدیکی بازار بورس وین، مزین به ریشه‌های طلایی رنگ کریسمس در انتظار آغاز نشست ۱۷۵ سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام است. اما پشت این دیوارهای سفید و خیابان نسبتاً آرام وین، اوضاع بازار نفت و تولیدکنندگان چندان آرام نیست. قطر، بعد از ۵۰ سال عضویت در کارتل نفتی غزل خداحافظی را خوانده است، اوضاع میان ایران و عربستان چندان تعریفی ندارد، ترامپ اوپک را به دستکاری در بازار متهم کرده است و در نهایت نمی‌توان منکر سایه‌ی وحشتی شد که قتل جمال خاشقجی روزنامه‌نگار واشنگتن‌پست در سفارت ریاض در استانبول بر تمام مناسباتی که پادشاهی بخشی از آن است انداخته شد. نشست ۶ دسامبر سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام در چنین فضایی آغاز شد، فضایی پر از پتانسیل تنش که دیدار مخفیانه‌ی برایان هوک مسئول تحریم‌های نفتی ایران در دولت ترامپ با خالد الفالح وزیر انرژی عربستان در حاشیه‌ی آن، به چالش‌برانگیز بودن موقعیت افزود اما در نهایت خروجی آن در پس ۲ روز مذاکره میان اوپکی‌ها و در ادامه غیر اوپکی‌ها توافق

برای کاستن روزانه ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه از عرضه نفت خام موجود در جهان بود. ۶ دسامبر نشست اوپک آغاز می‌شود اما برخلاف انتظار با وجود گذشتن ساعاتی طولانی، نشست طولانی و بدون نتیجه است. خورشید از آسمان ابری وین رخت بر بسته و ریشه‌های سال نوی دور ساختمان، بیش از قبل می‌درخشند. پرچم سفید صلح اما از درون ساختمان اوپک با ردیف شیشه‌های مستطیلی آبی که هنر یک گروه آرشیوتکت مطرح اتریشی است، به چشم نمی‌خورد. آن‌طور که به نظر می‌رسد چالش

اصلی «ایران» و «اندازه کاهش تولید» است. فیلم‌های نه چندان با کیفیت که با موبایل برداشته شده است، بیژن زنگنه وزیر نفت ایران را با چهره‌ای خسته به تصویر می‌کشد. در توصیف نشست می‌گوید: «سخت‌تر از همیشه» پس از آنکه نشست ۶ دسامبر بدون نتیجه پایان می‌یابد، بهای نفت خام برنت ۳ درصد کاهش یافته و به ۶۰ دلار و ۶ سنت می‌رسد.

صبح ۷ دسامبر تفاوتی مهم با روز قبل دارد و آن ورود الکساندر نواک وزیر انرژی روسیه است. کسی که خبرنگار بلومبرگ به او صفت «پوکر فیس» را نسبت می‌دهد و شاید با همین شدت منطقی‌گری در نهایت مواضع را به هم نزدیک می‌کند. در پس یک روز پر مشقت اوپک، اخبار از این حکایت دارد که درخواست ایران برای مستثنی شدن از طرح کاهش تولید، دلیل اصلی بر عدم توافق است. نواک با وزرای نفت و انرژی ایران و عربستان به طور جداگانه دیدار می‌کند، باز هم ساعات نشست به درازا می‌کشد اما در نهایت کشورهای تولیدکننده نفت خام توافق می‌کنند که روزانه ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه از عرضه نفت خام موجود در جهان بکاهند. ایران نیز از این کاهش مستثنی می‌شود.

واکش بازار

روز جمعه و بلافاصله بعد از آنکه اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت و متحدان آن به رهبری روسیه توانستند بر روی کاهش تولید به توافق برسند، قیمت نفت خام ۵ درصد افزایش یافت. هدف این توافق کاهش میزان ذخایر نفت خام در جهان و «بازگرداندن توازن» به بازار نفت عنوان شده بود؛ اما دقیقاً در همین بحبوحه برخی از تحلیلگرها این توافق را دارای ابهام و اثر آن را متزلزل توصیف کردند. موضوعی که در ادامه با گذر زمان خود را بیشتر نشان داد. رویترز در همان روزهای نخست به نقل از هری چیلینگریان، استراتژیست نفتی در بانک سرمایه‌گذاری بی‌ان پی پاریمانیز نوشت که «کاهش ۱ میلیون ۲۰۰ هزار بشکه‌ای نفت، در صورت تحقق، برای کم کردن میزان مازاد ذخایر

نفت در نیمه اول سال آتی کافی خواهد بود اما نمی‌تواند مانع ایجاد مازاد ذخایر شود» او در ادامه گفته بود: ««ترامپ و پوتین نگذاشتند که میزان کاهش تولید اوپک پلاس بیشتر از مقدار توافق شده بشود. هدف اوپک پلاس این بود که کف قیمتی استوار و با ثبات را زیر قیمت‌ها قرار دهد اما تلاش دو رئیس‌جمهور باعث شد کف قیمتی لرزان تعبیه شود».

مسیری که بازار نفت خام در ادامه از سر گذارند، حتی از این تحلیل نیز فراتر رفت. بهای نفت خام برنت پس از آنکه در واکنش به توافق اوپک تا روز ۸ دسامبر (۱ روز پس از توافق) به ۶۲ دلار در هر بشکه نیز نزدیک شد، از روز ۱۳ دسامبر سقوطی آزاد را تجربه کرد. این روند نزولی باعث شد که بهای نفت خام به کمترین سطوح خود در ۳ سال گذشته برسد. این وضعیت کف قیمتی «لرزان» را به خوبی به تصویر کشید.

البته در این بین بسیاری بر این باور هستند که توافق اوپک باعث شد نوسانات قیمت که به خاطر جنگ تجاری و دورنمای اقتصادی در یکی از پیش‌بینی‌ناپذیرترین دوران خود بودند، وضعیتی قابل درک‌تر پیدا کنند. در همین زمینه حدود ۱۰ روز پس از توافق اوپک رابین بیبر، تحلیلگر تکنیکال در شرکت تبادلات بورسی پی وی ام اوپل به رویترز گفت: «بازار کماکان در یک دامنه مشخص در حال نوسان است. و کران‌های این دامنه را جریان‌های منفی و مثبت عرضه و تقاضا تعیین می‌کنند».

۲۰ دسامبر، و حدود ۲ هفته پس از توافق اوپک و غیر اوپک برای کاستن روزانه ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت خام از بازار، بهای نفت خام برنت روی ۵۶ دلار در هر بشکه و بهای نفت خام دبلیوتی‌آی روی ۴۸ دلار در هر بشکه قرار گرفت. ممکن است برخی تصور کنند توافق اوپکی‌ها روی بازار اثر نداشته است اما هستند برخی نیز که بر این باور اند که در صورت نبود توافق شاید قیمت‌ها روی سطوح پایین‌تر شبیه آن چیزی که در سال ۲۰۱۵ تجربه کردند را نیز می‌دیدند، با این تفاوت که دامنه نوسانات این بار قابل پیش‌بینی نبود.

تحریم و خودتحریمی

مسعود جبراییلی - مدیرعامل و عضو هیات مدیره شرکت نفت پاسارگاد



تحریم به معنی اعمال محدودیت های یک کشور و یا جامعه بین المللی علیه یک کشور یا یک گروه است. تحریم ها انواع گوناگونی دارند که می توان به تحریم های اقتصادی، تحریم های سیاسی، تحریم های نظامی و ... اشاره کرد. مهم ترین نوع تحریم ها را تحریم اقتصادی می دانند که امروزه به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای اعمال فشار و ایجاد محدودیت ها و موانع در حوزه تجارت خارجی مورد استفاده قرار می گیرد. تحریم ظالمانه و یکجانبه ای که از سوی ایالات متحده آمریکا بر علیه کشورمان وضع شده است به خصوص در حوزه نفت و فرآورده های نفتی به عنوان منابع اصلی تامین ارز، موجب بروز اختلالاتی در نظام اقتصادی کشور شده است. افزایش نرخ ارز، تورم و گران تر شدن عمومی محصولات، کاهش حجم صادرات، قاچاق و شبه قاچاق تنها نمونه هایی از اثرات سو این تحریم ها بر نظام اقتصادی کشور است. میزان وابستگی هر بخش اقتصادی به سایر کشورها، مهمترین مولفه در تعیین میزان آسیب پذیری آن بخش در شرایط تحریم به شمار می رود. این وابستگی ها می توانند به دو شکل مختلف باشند: وابستگی در زمینه تامین مواد اولیه از خارج کشور و یا وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات محصول به کشورهای دیگر که شرکت های تولیدکننده قیر در دسته دوم قرار می گیرند . تجربیات موفق کشورهای در حال توسعه شواهد قطعی از نقش انکار ناپذیر گسترش

صادرات بر عملکرد اقتصادی این کشورها به دست می دهد. اهمیت ارتقا صادرات به حدی است که برخی نظریه پردازان اقتصادی در بیان اهمیت آن، توسعه اقتصادی را در گرو توسعه صادرات می دانند و تحریم ها دقیقاً همین صادرات را هدف قرار داده اند.

ایجاد محدودیت در مبادلات مالی و بانکی، اعمال موانع در امور حمل و نقل دریایی و گمرکی، کمتر شدن تعداد بازارهای هدف و کاهش سهم فروش در بازارهای باقیمانده همگی از آثار طبیعی تحریم های اقتصادی است. این تحریم ها به شکل مستقیم یا غیر مستقیم منجر به افزایش قیمت تمام شده محصول می شود. در این شرایط عرصه رقابت

بر تولیدکنندگان قیر کشور تنگ تر شده و فرصت مغتنمی برای رقبای منطقه ای و به شکل خاص، کشورهای حوزه خلیج فارس فراهم آمده است تا سهم بیشتری از بازارهای صادراتی که سابقاً در اختیار ایران بود را به خود اختصاص دهند. به عنوان نمونه می توان به رفتار شرکت های بزرگ جنوب شرق آسیا اشاره نمود که محصول مورد نظر خود را از بحرین -علی رغم قیمت های بسیار بالاتر- تامین نموده اند.

طبیعتاً تحریم ها با هدف ضربه زدن به اقتصاد یک کشور طراحی می شوند و تحریم های ایران نیز این قاعده مستثنی نیست اما آنچه مهم است واکنش تصمیم سازان ما به این اتفاقات است. آیا توانسته ایم با انعطاف پذیری تاثیر این ضربات را در بخش صادراتی کم یا خنثی کنیم؟ متأسفانه پاسخ به این سوال منفی است. در یک جمع بندی کلی، نگارنده معتقد است که تصمیم گیران کلان اقتصادی نه تنها با تسهیل تجارت خارجی فضا را برای صادرات بهبود نداده اند، بلکه در عمل تصمیماتی اتخاذ نموده اند که ضربات شدیدی به پیکره شرکت های صادرات محور وارد نموده است. رونق صادرات بیش از هر فاکتور دیگر به ثبات نیازمند است. این دقیقاً فاکتوری است که در ماه های اخیر بیشترین لطمه را به شرکت های صادرات محور وارد نموده است.

نگاهی به تحولات ماه های اخیر نشان می دهد که تعداد بیشماری بخشنامه های جدید ابلاغ شده اند که بخشی از آنها به کل با هم در تضادند. تغییر قوانین رینگ صادراتی بورس، تغییر نهاد قیمت گذاری ماده اولیه، تغییر نرخ ارز لحاظ شده برای قیمت گذاری ماده اولیه، تغییر قوانین و مقررات مربوط به ارزش محصول در گمرک، تغییر قوانین بازگشت ارز صادراتی به کشورهای عراق و افغانستان، تغییر قوانین قیمت گذاری وکیوم باتوم تهاتری و ... تنها نمونه ای از تغییراتی هستند که تولیدکنندگان قیر در ماه های اخیر با آن مواجه بوده اند. متأسفانه از ابتدا روشن بود

که بسیاری از تصمیمات متخذه نتایج خوبی نخواهند داشت. با این حال، آزموده را مجدداً آزمودیم.

از سوی دیگر، نرخ ارز نیز تلاطم شدیدی داشته و این امکان را از خریدار و فروشنده سلب نموده است که دید درستی نسبت به هزینه های خود داشته باشند. متأسفانه افزایش و کاهش شدید قیمت نفت نیز مزید بر علت شده است. در این فضا، هیچ فعال اقتصادی نمی تواند برنامه ریزی کند و اقدامات تجاری با ریسک های شدید مواجه اند. این گونه ریسک ها، شرکت های بزرگتر در صنعت قیر -که میراث دولتی دارند- را حتی بیشتر از سایرین تحت تاثیر قرار می دهد زیرا از یک طرف حجم فعالیت های این شرکت ها بزرگتر است و از طرف دیگر فرایند تصمیم گیری در این شرکت ها کندتر است. بنابراین در یک نگاه کلی، وضعیت فعلی براینده فاکتور تحریم های خارجی، قوانین و مقررات دست و پاگیر نهادهای دولتی و فرایند تصمیم گیری در دل سازمان است. تحریم های خارجی ماهیت سیاسی دارند و به کل خارج از حیطه کنترل فعالان اقتصادی هستند، واکنش های سازمانی نیز به راحتی و به سرعت قابلیت اصلاح دارند، لذا نقطه بهبود واقعی، قوانین و مقرراتی است که

قانونگذار برای صنعت وضع می نماید. حداقل انتظار ما این است که تصمیم گیران قبل از اتخاذ تصمیمات، نقطه نظرات صادرکنندگان اصلی آن بخش را جویا شوند. تاثیر اینگونه تصمیمات در شرایط بحرانی بسیار تعیین کننده است و می بایست از اتخاذ هرگونه تصمیمی که به روند صادرات آسیب برساند و جریان ارزآوری به کشور را تضعیف نماید، اجتناب نمود. در انتها ایمان دارم که از این پیچ تاریخی نیز می توانیم عبور نماییم اگر و فقط اگر همدلی و وفاق و شجاعت اتخاذ تصمیم متناسب با شرایط فعلی را در مسیر صادرات و با فوریت داشته باشیم و خودمان شرایط را برای خودمان سخت تر نکنیم/



حداقل انتظار ما این است

که تصمیم گیران قبل از

اتخاذ تصمیمات، نقطه نظرات

صادرکنندگان اصلی آن بخش

را جویا شوند. تاثیر اینگونه

تصمیمات در شرایط بحرانی

بسیار تعیین کننده است و

می بایست از اتخاذ هرگونه

تصمیمی که به روند صادرات

آسیب برساند و جریان

ارزآوری به کشور را تضعیف

نماید، اجتناب نمود

قوانین و بخشنامه های صادراتی ؛ یک معادله و چندین مجهول

محسن ورزشکار - قائم مقام معاون نفت چی



ظهور ترامپ در آمریکا، نقض توافقات و معاهدات برجامی، تشدید تحریم های بین المللی و موانع نقل و انتقال پول در سیستم های بانکداری بین المللی و مواردی از این قبیل، همگی به عنوان عوامل خارج از کنترل سازمان های مرتبط با صادرات، از طرف صادرکنندگان، مورد پذیرش قرار گرفته و صادرکنندگان فراورده های نفتی غیر دولتی، این بار نیز با هوشمندی و چابکی، راه های برون رفت از مشکلات مربوطه را خواهند یافت.

لیکن نکته قابل تامل در زمینه لزوم تسهیل امر صادرات به عنوان یکی از توانمندسازهای اقتصاد بیمار کشور؛ عملکرد ارگانها و سازمان های مرتبط با صادرات می باشد که نه تنها تسهیل کننده نبوده، بلکه صادرکنندگان را هر روز با ریسک و محدودیت بیشتری مواجه می سازد.

آنچه از ابتدای سال ۱۳۹۷ تاکنون در فرایندهای صادراتی خودنمایی می کند، صدور آیین نامه ها و بخشنامه هایی است که بصورت مداوم و مستمر از سوی دستگاه های مرتبط صادر گردیده و

تعدد و تکرر آنها و وجود احتمال تغییر در آنها، فضای صادرات را غبار آلود و مبهم نموده است. بخشنامه های مرتبط با الزام یا به عبارت دیگر تهدید صادرکنندگان به بازگشت ارز حاصل از صادرات، محدودیتهای بورس کالای ایران در عرضه های صادراتی و بخشنامه های متکثر گمرک، هر یک به عنوان پارامترهای جدیدی بوده که به معادله چند مجهولی صادرات ایران اضافه گردیده است.

صادرکننده ایرانی در بازارهای هدف، علاوه بر آنکه باید با رقبای قدرتمند بین المللی که از تمام محدودیتهای تحریمی ایران نظیر اعتبار اسنادی، نقل و انتقال پول، لجستیک و کشتیرانی فارغ هستند، در زمینه قیمت و کیفیت رقابت نماید؛ بایستی بخش عمده ای از شمش تجاری خود را مصروف رساندن کالای تولید شده داخلی به پشت مرزهای کشور نماید.

به عنوان مثال، قیر به عنوان یکی از فراورده های استراتژیک نفتی که تمام بار صادراتی آن بر عهده

بخش غیر دولتی می باشد، براساس الزام گمرک بایستی در بورس کالای ایران عرضه گردد تا مجوز صادراتی دریافت نماید لیکن از سوی دیگر بورس طی بخشنامه ای اعلام نموده که عرضه های صادراتی باید بصورت ریالی انجام شود. همچنین گمرک برای هر تن از این محصول ارزش دلاری تعیین نموده و بر اساس آن نرخ، صادرکنندگان مکلف به بازگشت ارز حاصل از صادرات به بانک مرکزی - به عنوان متولی بازگشت ارز - شده اند در حالیکه بانرخیهای پایین تری، قیر را به خریداران خارجی فروخته اند.

البته بدیهی است که ذکر موارد فوق به هیچ عنوان نافی ضرورت بازنگری و رفع نواقص قانونی مرتبط با موضوع صادرات نبوده و شفاف سازی و ثبات روشها و فرایندها، بیش از همه متضمن منافع صادرکنندگان در بلند مدت خواهد بود لیکن آنچه بایستی مورد قرار گیرد توجه به زمان و شرایط پیرامونی و محدودیتهای ناشی از تحریم است که روز به روز در حال تشدید می باشد.

در انتها آنچه به نظر نگارنده این گفتار از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد آن است که دستگاهها و ارگانهای مرتبط با صادرات، لاقل در شرایط فعلی تحریمی کشور، اهمیت ثبات و آرامش در فضای قوانین و مقررات را بیش از هر زمان دیگر درک نموده و با تسهیل فرایندها و روشها، زمینه تقویت صادرات به عنوان شریان استراتژیک ورود ارز به اقتصاد کشور را تقویت نمایند.



شرکت انرژی تجارت سام

به منظور اجرای پروژه های تولید فرآورده های نفتی شرکت انرژی تجارت سام در سال ۱۳۸۷ در شهر بندرعباس ایران تاسیس گردید و فعالیت خود را ابتدا با تجارت و صادرات قیر شروع و اکنون دارای واحدهای تولیدی قیر با روش های استاندارد پالایشگاهی (اکسیداسیون) و بشکه سازی با توان حداقل ۱۵۰۰ تن در روز می باشد. متخصصین مجرب این شرکت با بهره گیری از تجهیزات مدرن، کنترل کیفی محصولات را در مراحل مختلف تولید برعهده دارند تا محصول با کیفیت مورد تقاضای مشتریان را ارائه نمایند. تولیدات این شرکت تامین کننده بخش قابل ذکری از قیر بازارهای داخلی و خارجی می باشد که عمده صادرات به کشورهای حوزه ی خلیج فارس و بنادر غربی هند به صورت بشکه و فله، آسیای دور و آفریقا به صورت بشکه است.

شرکت شیمی مخازن سام

شرکت شیمی مخازن سام نیز به منظور تامین نیاز صادرات قیر به صورت فله تاسیس گردید و به همین منظور اقدام به احداث ۲۸۰۰۰ تن مخازن ذخیره جهت صادرات قیر و سایر مشتقات نفتی در اسکله بندر شهید رجایی بندرعباس نموده تا با استفاده از امکانات و تجربیات خود برای مشتریان، بهترین شرایط تجاری و خدمات مطلوب را ارائه نماید.

آدرس: تهران، بزرگراه آفریقا، نرسیده به بزرگراه مدرس
شماره ۲۴۴، مجتمع اداری الهیسم، طبقه ۷، واحد ۷۰۵
تلفن: ۲۲۶۵۸۹۴۵ - ۲۱۰ فکس: ۲۲۶۵۸۹۷۵ - ۲۱۰
وب سایت: www.sametco.com



مَصْرِف یا مُسْرِف !!



سهِیل میزانی – دبیر اجرایی جایزه ملی مدیریت انرژی

بدون مصرف حیات ادامه ندارد. این امری بدهی و پذیرفته شده است. مصرف، نشانه حیات است. هر موجود زنده‌ای از گیاه و یا حیوان، مصرف کننده است. مصرف آب، غذا، هوا و هر نوع منبع دیگری به عنوان تضمّن کننده حیات است. اما آیا هدف از مصرف، واقعاً مصرف است و یا آنچه بر اثر مصرف به دست می‌آید؟ به عنوان مثال آیا ما برق مصرف می‌کنم تا برق مصرف کرده باشیم و یا برق مصرف می‌کنم برای ایجاد روشنایی یا به حرکت درآوردن یک موتور الکتریکی؟ یا اینکه ما خودرو می‌خریم برای اینکه بنزین مصرف کنیم و یا اینکه هدف ما از خرید خودرو، جابجایی است؟ بصورت بدهی هدف ما مصرف نیست. از سوی دیگر محدودیت منابع اولیه نیز بایستی همیشه مد نظر قرار داشته باشد. آیا منابع نفت که اصلی‌ترین منبع انرژی است، یک منبع بدون انتها است؟ مطمئناً در این مورد نیز اتفاق نظر وجود دارد که این منابع نیز محدود می‌باشد و افزایش برداشت از این منبع بسیار ارزشمند و غیر قابل بازیابی، هر روز انسان را یک گام به پایان آن نزدیک می‌سازد، اگرچه به نظر می‌رسد این تاریخ امروز نباشد ولی قطعاً فردای تمدن بشری روز خواهد بود که دیگر چیزی از این منبع در دسترس قرار نداشته باشد. به موضوعات فوق می‌توان موضوع آلودگی محیط زیست را نیز اضافه کرد. تبعات مصرف انرژی بخصوص از منابع انرژی فسیلی، آلودگی اجتناب ناپذیری است که بر اثر مصرف آن به‌وجود می‌آید. این موضوع در مورد سایر منابع انرژی که با عنوان انرژی‌های پاک و دوست‌دار محیط زیست نیز به آن اشاره می‌شود هم به نوعی صادق است. اگر چه میزان آلودگی ایجاد شده توسط این منابع انرژی با مصرف مستقیم نفت و مشتقات آن به عنوان منبع انرژی قابل مقایسه نیست ولی باید در نظر داشت که استفاده از این منابع انرژی نیز بطور غیر مستقیم، باعث مصرف انرژی‌های فسیلی می‌شود.

مانند تولید باتری‌های که در خودروهای الکتریکی بکار می‌برند. اگر چه

استفاده از این نوع خودروها با کاهش فوق العاده آلودگی همراه بوده است و

تجربیات موفق بسیاری نیز در این خصوص وجود دارد، ولی نبایستی فراموش

کرد که تولید باتری این نوع خودروها نیز به مصرف انرژی نیاز داشته و دفع و یا

بازیابی باتری‌های مصرف شده نیز، هم نیازمند مصرف انرژی بوده و هم با

توجه به نوع مواد بکار رفته در این نوع باتری‌ها، از آلودگی بسیاری برخوردار

است. بنابراین آنچه که به هر حال باید مورد توجه قرار گیرد، بهره‌وری در

مصرف انرژی است. به عبارت بهتر چگونه می‌شود با حداقل مصرف انرژی به

هدف اصلی مصرف انرژی دست یافت. در یک مثال، چگونه می‌توان با

مصرف کمتر بنزین به مقصد رسید؟ این موارد عمومی که در هر کشوری قابل

توجه و اعتنا است در کشور ایران و سایر کشورهای نفت خیز و اقتصادهای

وابسته به نفت بایستی در کنار مفهوم درآمد و هزینه نیز قرار گیرد. در این نوع

کشورها از جمله کشور ایران، شاید اغراق آمیز نباشد که کلمه اقتصاد را در نه

معنای لغت بلکه در مفهوم واقعی آن، معادل با کلمه انرژی و نفت قرارداد. در

کشورهای نفت خیز که اقتصادی وابسته به نفت دارند و اصلی‌ترین منبع

درآمدی آنها وابسته به استخراج و صدور نفت

می‌باشد، درآمد به معنای پولی است که از

صادرات نفت به دست می‌آید و هزینه به معنای

خرج کردن آن پول بدست آمده است و به تبع

آن توسعه و پیشرفت و هر موضوع دیگری نیز با

واسطه یا بی‌واسطه به کلمه نفت متصل است.

اما آنچه که در ایران در حال وقوع است نه مصرف

بلکه مُسْرِف است!!! به عبارتی ما مصرف کننده

انرژی و منابع ارزشمند آن نیستیم، بلکه اسراف

کنندگانی هستیم که با تمام توان در حال نابود

کردن تمامی منابع موجود در کشور از جمله

منابع خدا دادی سوخت‌های فسیلی از جمله

نفت هستیم و آنچنان با پشتکار فراوان این کار را

انجام می‌دهیم که به نظر می‌رسد که مأموریت

و وظیفه ملی و میهنی در این خصوص احساس

می‌کنیم و اسراف منابع را به سرلوحه زندگی

خودمان تبدیل کرده‌ایم. اسراف در آب و برق و

بنزین و گاز و هر آنچه که در اختیار داریم و حتی

نداریم !!! مصرف منابع انرژی را هم چون

صاحب منابع آن هستیم، به عنوان مهمترین

مأموریت خود در زندگی می‌دانیم. ما حتی کلمه

صاحب منابع انرژی را در ادبیات خود و به‌ویژه

در ادبیات اقتصادی و سیاسی به گونه‌ای بکار

می‌بریم که انگار کاری بس عظیم و خارق العاده

برای ایجاد این منابع انجام داده‌ایم و منابع

انرژی را خودمان به‌وجود آورده‌ایم و نفت را

خودمان و بادستان پرتوانمان در منابع نفتی زیر

زمینی قراردادهایم!! همگی دچار این فراموشی

هستیم که آنچه را که ما خود را صاحب بی چون

و چرای آن قلمدار می‌کنیم فقط و فقط بخاطر

یک موهبت الهی است نه بخاطر تلاش ما. اما

آنچه که ما باید انجام بدهیم و البته با صد

افسوس نه تنها انجام نمی‌دهیم بلکه حتی به

فکر انجام آن هم نیستیم، حفظ و صیانت این

موهبت خدادادی است. برای کوچک‌ترین

جابجایی از خودرو استفاده می‌کنیم، در

سردترین روزهای زمستان با لباس تابستانی در

کنار بخاری می‌نشینیم و به رقص شعله‌های

آتش چشم می‌دوزیم، بدون آنکه فکر کنیم گازی

که می‌سوزد و می‌سوزد و از بین می‌رود و

آلودگی‌هایی که ایجاد می‌شود نتیجه کاری است

که خودمان انجام می‌دهیم. گاهی هم این

فضای بسیار رماتیک را با خواندن یک مقاله در

مورد آلودگی محیط زیست همراه کرده و با

شکایت از وضعیت بسیار بد هوا، در حالی که

گوشمان به قلقل کتری و یا سمآوری است که از

ابتدای روز تا انتهای شب به نواختن این آهنگ

مشغول است، امتداد می‌دهیم. آیا این همان

تصوری نیست که تبلیغات تلویزیونی هر روز و هر

دقیقه شاهد آن هستیم؟ اگر چه گوش همه ما

به شنیدن آمارهای متعدد از وضعیت بسیار

نابسامان مصرف یا همان مسرف عادت داشته و

حساسیت خود را نسبت به آن از دست داده ایم

ولی شاید اشاره‌ای هرچند تکراری، یادآور ورود به

بحران مصرف انرژی در ایران بوده و باعث شود

که اندکی در این مورد تأمل نموده و تفکر نماییم.

بر اساس آمارها در حالی که میانگین مصرف

مشترکان خانگی در دنیا ۹۰۰ کیلووات است، در

ایران این میزان سه برابر استاندارد جهانی است

و این میانگین مصرف کماکان در حال افزایش

است. شاید این آمار با میزان مصرف مصرف

کنندگان آمریکایی قابل قیاس نباشد و آمریکایی

ها مصرف کننده اصلی انرژی در دنیا باشند اما

اگر این موضوع در کنار حجم اقتصادی آنها قرار

گیرد، به سادگی نشان می‌دهد که مصرف ایران تا

به چه حد غیر منطقی است. این مصرف اسراف‌کارانه در موضوعات دیگری نیز همچون سرانه مصرف

روزانه بنزین که برابر با 90 لیتر در ایران و 6 برابر میانگین مصرف جهانی می‌باشد نیز قابل مشاهده است

. آمارهای مصرف سایر انواع سوخت و سایر منابع اولیه نیز در کنار این آمارها نشان دهنده بحرانی است

که واقعیتی غیر قابل انکار را به عنوان بحران مصرف، نشان می‌دهد. از سوی دیگر متأسفانه این رفتار

اسراف‌گرایانه به نوعی با سیاست‌های مدیریت منابع انرژی نیز گره خورده است و به نظر می‌رسد به

نوعی بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم مورد حمایت دولت قرار داشته و یا در خوشبینانه‌ترین نگاه،

تغییر در آن مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. از جمله این موارد می‌توان به قیمت حامل‌های انرژی اشاره

کرد که در ایران بصورتی باور نکردنی پایین بوده و اگر نه بدون هزینه ولی در مقایسه با سایر هزینه‌های

جاری، در حال تبدیل شدن به یک کالای رایگان است. بنابراین اطلاعات منتشر شده از بودجه سال آتی

کشور در سال 1398، به‌طور متوسط قیمت هر لیتر بنزینی که حدود ۵۲ تا ۵۴ سنت است در ایران ۱۲

سنت قیمت گذاری شده است. بصورت بدیهی افزایش قیمت هیچ کالایی به ۵ برابر قیمت جاری آن

نمی‌تواند یک راه‌کار مناسب برای کنترل میزان مصرف آن تلقی گردیده و هیچ نظام اقتصادی آن را

تایید نمی‌نماید. اگر این کالا یک کالای بسیار استراتژیک مانند انرژی باشد، این موضوع از اهمیت

بسیار بسیار بالایی برخوردار بوده و تغییر در قیمت آن بایستی با تأمل بسیاری همراه بوده و تبعات

اجتماعی آن نبایستی فراموش گردد. اما این موضوعات نبایستی سیاست‌های دولت را بجایی برساند

که نه تنها افزایش قیمت حامل‌های سوخت را غیر ممکن نشان داده بلکه به گونه‌ای این موضوع را

مطرح نماید که افزایش قیمت حامل‌های انرژی به عنوان یک کار اقتصادی ضربه زننده به اقتصاد

تلقی شده و ثابت نگاه داشتن قیمت حامل‌های انرژی را به عنوان یک عمل درست نمایش داد. در

کنار این موضوع، البته تلاش‌های بسیاری برای محدود کردن میزان مصرف انرژی در حال انجام بوده

که اگرچه به علت سهم پایین آنها در کل میزان مصرف، تأثیر چندانی در مصرف کل انرژی در کشور

نداشته است ولی به عنوان تجربیاتی بسیار موفق بصورت نمونه‌ای قابل توجه و تأمل و تقدیر می‌باشد.

یکی از اصلی‌ترین این فعالیت‌ها تدوین مجموعه استانداردهایی تحت عنوان معیارهای مصرف انرژی

توسط سازمان ملی استاندارد است که این مجموعه علیرغم ابهاماتی که از سوی کارشناسان بر

تعدادی از این استانداردها وارد می‌شود، ولی به عنوان پایه‌ای برای بسیاری از فعالیت‌های کنترل

مصرف و مدیریت انرژی بصورت جدی قابل ارجاع است. بخشی از این استانداردها مشخص کننده

معیار مصرف فرایندهای است که تحت عنوان فرایندهای انرژی بر در صنعت مشخص گردیده که

عمده مصرف انرژی در صنعت به این نوع صنایع اختصاص دارد، مانند فرایندهای تولید سیمان،

فولاد، پتروشیمی و موارد مشابه. بخش دیگری از این مجموعه استانداردها نیز به استانداردهایی

انتخصص یافته است که مربوط به تجهیزاتی و کالاهایی است که استفاده از آنها نیاز به مصرف انرژی

دارند مانند لامپ‌های روشنایی، بخاری، خودرو و موارد مشابه. این استانداردها در کنار استاندارد

بین المللی ایزو ۵۰۰۰۱ و سایر موضوعات تخصصی مبنایی برای تدوین الگویی گردید

که در نهایت به ایجاد جایزه ای تحت عنوان “جایزه ملی مدیریت انرژی ” منجر شد.

این جایزه که توسط “سازمان مدیریت صنعتی” و با همکاری اصلی‌ترین مراکز قانون

گذاری و نظارت بر مصرف انرژی در کشور اجرا می‌گردد با هدف ایجاد انگیزه‌ای برای

کاهش مصرف انرژی و تاثیرگذاری بر فرهنگ مصرف ایجاد شده است. این جایزه

بصورت سالیانه اجرا می‌گردد و این امکان را فراهم می‌آورد که صنایعی که موضوع

مدیریت مصرف انرژی را به عنوان یک مسئولیت اجتماعی و در سطحی فراتر از قانون

پذیرفته‌اند، بتوانند در یک نظام رقابتی تعریف شده، فعالیت‌های انجام شده در

زمینه مدیریت و کاهش مصرف را در بوته آزمون گذاشته و نتایج بدست آمده را مورد

مقایسه قرار دهند.

پدرام سلطانی به عنوان نایب رئیس CACCI انتخاب شد

دکتر پدرام سلطانی در هشتاد و نهمین نشست شورای کنفدراسیون اتاق‌های بازرگانی و صنعت آسیا-اقیانوسیه (CACCI) در ترکیه، به عنوان نایب رئیس این کنفدراسیون انتخاب شد. رأی‌گیری برای انتخاب اعضای جدید هیات رئیسه کنفدراسیون اتاق‌های بازرگانی و صنعت آسیا-اقیانوسیه همزمان با برگزاری سی و دومین نشست کنفدراسیون در استانبول برگزار شد و سمیر مؤدی از هند نیز به عنوان رئیس کنفدراسیون انتخاب شد. این برای نخستین بار است که ایران در هیات رئیسه CACCI صاحب کرسی می‌شود.

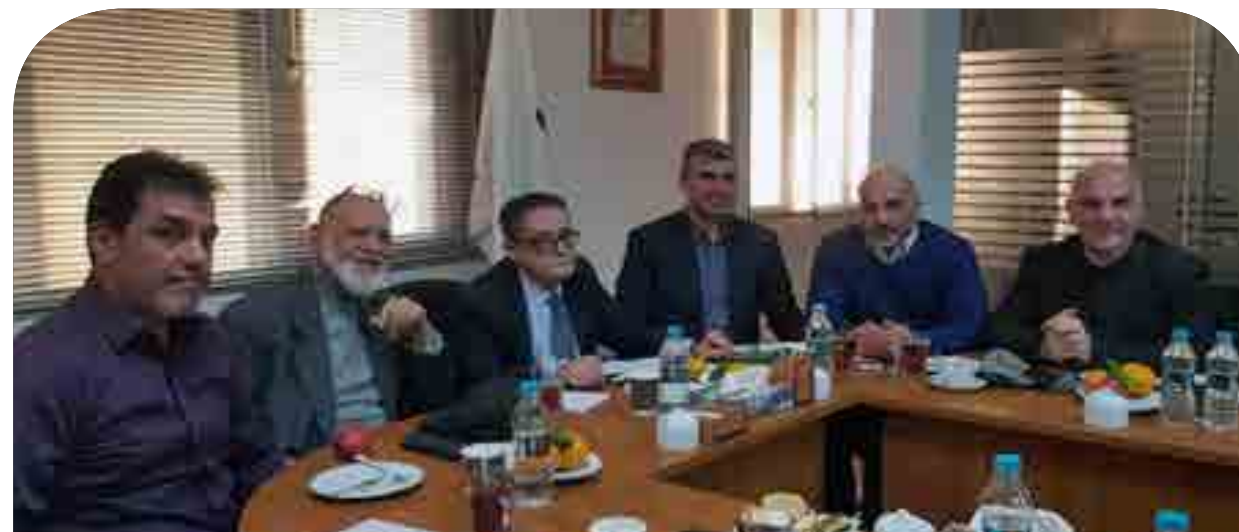


نشست خبری اوپکس با هدف بررسی موضوعاتی نظیر ارز، بورس و خوراک واحدهای تولیدی با حضور اصحاب رسانه، خبرگزاری‌ها، مطبوعات و واحد مرکزی خبر در سالن کنفرانس اتحادیه برگزار شد. در این نشست آقایان: باقریان سخنگوی اتحادیه، صرامی و شیخی از اعضا هیئت مدیره به تبیین مواضع اتحادیه در خصوص مشکلات ارزی، بورس و عدم تامین مناسب خوراک واحدهای تولیدی پرداختند.

نشست خبری اتحادیه اوپکس برگزار شد

۸ دی، روز صنعت پتروشیمی

بهزاد محمدی معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی در پیامی فرا رسیدن ۸ دی روز "صنعت پتروشیمی" را به همکاران این صنعت تبریک گفت. در بخشی از این پیام آمده است: موج تحولاتی که در نیم قرن اخیر صنعت پتروشیمی کشور به وجود آمد به همراه تکمیل زنجیره ارزش افزوده در صنعت پتروشیمی علاوه بر کاهش خام‌فروشی، ایجاد ارزش افزوده مضاعف اقتصادی و ثروت آفرینی، اشتغال‌زایی پایدار را به وجود آورده و مصداق علمی و عملی تبلور "توسعه پایدار" در راستای اقتصاد مقاومتی بوده است.



در این جلسه مهندس احمد صرامی به نمایندگی از اتحادیه اوپکس با سمت خزانه دار، مهندس صالحی، دبیرکل، دکتر صالحی منشی، مهندس پارسا رئیس هیات مدیره، دکتر شمس نایب رئیس اول و مهندس باقری، نایب رئیس دوم انتخاب شدند.

هیات رئیسه جدید فدراسیون صادرات انرژی و صنایع وابسته ایران تعیین شدند



Shell Doubles Renewables Investment

Shell plans to increase the annual amount of money it invests in renewable energy to US\$4 billion, the supermajor's head of gas and new energy, Maarten Wetselaar told the Guardian in an interview. The figure is double the maximum current annual investment Shell has allocated for cleaner energy initiatives but the increase will only materialize if these initial investments prove to make financial sense. "I would like my current business to be financially credible enough for not only the company, but shareholders, to want to double it and look at more," Wetselaar told the Guardian.

Shell has pledged to reduce its carbon dioxide emissions by 50 percent over the next five decades as it shifts to more renewable energy, including biofuels, and boosts operational efficiencies, in the latest sign that one of the world's top Big Oil players is determined to move away from its principal business. "Our view is if society needs to tackle the dual challenge of climate change but also accommodating higher demand for energy — as of course the energy poor need to get access to energy as well — we have to reduce the carbon footprint of the energy system as a society to a net zero level," chief executive Ben

van Beurden said last year. Shell has been subjected to activist shareholder pressure in this respect as well. For four years in a row, Follow this, a Dutch investment group targeting oil supermajors, has been tabling resolutions requiring the company to move more deeply into renewables and away from its core business in oil. Next year will not be an exception: Follow this has already filed a resolution to be voted at Shell's 2019 AGM, a resolution seeking to force the company to move its business goals closer to Paris Accord commitments undertaken by more than a hundred countries.

چرم رجال

تولید کننده انواع کیفهای چرمی
مناسب برای همایش و هدایای تبلیغاتی

تخفیف ویژه

برای اعضای محترم اتحادیه
صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

تلفن دفتر مرکزی تهران:

(۰۲۱) ۷۷ ۶۲ ۳۷ ۱۶
(۰۲۱) ۷۷ ۶۲ ۰۳ ۹۱-۱

تلفن کارخانه:

(۰۲۱) ۵۵ ۰۸ ۸۶ ۴۴

تلگرام

۰۹۱۰ ۷۶۸ ۴۴ ۹۲
[@leatherrejal](https://www.leatherrejal.com)



Looking back over a period as long as a year may, to many traders, seem like a pointless exercise. One of the psychological traits needed if you are to trade regularly and stay sane is a poor, or at least selective, memory. Wrong calls and mistakes are inevitable. Dwelling on them only produces fear and trepidation, neither of which are conducive to making good decisions. However, I frequently stress the importance of setting and sticking to stop losses and if you have done that, looking back can be informative. It shows the importance of being disciplined in that regard and enables you to learn from both successes and failures. With that in mind, let's look back at the last twelve months.

2018 has been a funny old year, but then in retrospect they all are, as markets, particularly commodity markets like oil futures, rarely move in one direction for long. When you look back, therefore, what stands out are the abrupt reversals such as we have seen since the beginning of October in crude. It is worth remembering though that that move was preceded

by a long upward grind that started at levels very close to where oil is currently trading, as is clear on the 2-Year daily chart for the crude futures contract, CL below.

Of course, that doesn't make it certain that 2019 will see a similar reversal, but it does make it more likely, and looking at it this way is a useful antidote to the sense of never-ending doom that is prevalent now. In fact, if you look at what caused both that long move up and the collapse, the panic that is driving oil ever lower right now

looks misplaced.

On the supply side of the equation, what drove oil higher was the impact of the output cuts established by the agreement between OPEC and other big producers, signed in December 2016 and extended in March of 2017. As you can see, it took time for those cuts to impact the price of oil, but once it began to, the march upward was pretty relentless.

The other supply factor, the one that is being frequently cited as the reason WTI has collapsed is the big increase in U.S. shale



production. We have, though, on several occasions over the last few years, clearly seen that that output is very price sensitive. Why should this time be any different?

There were obviously demand considerations that helped the move up in the early part of the year too. Most of 2018 has played out in an atmosphere of optimism about global growth, and therefore oil demand. That changed recently however, and a combination of fears about Brexit and the effects of protectionist policies in the U.S. has been at least part of the reason for the collapse in oil, and U.S. stocks as well for that matter. But, when you look back, those things are nothing new. The Brexit vote was back in June of 2016, and Trump announced the first round of tariffs in March of this year, and neither of those things prevented WTI from soaring to multi-year highs in the \$70s.

Let's make it clear, I'm not saying here that oil prices are going to turn around tomorrow and move in a straight line back up to \$70. That is possible, but not likely given that there is as yet no progress on a trade deal between the U.S. and China, Brexit is even more of a mess now than ever, and that U.S. output has not really begun to adjust to lower prices. The latest EIA data shows a small drop in output for the first time in a while, but it is only one report and the decline is too small to be significant.

What 2018 has taught us though is that even with the demand issues unresolved, oil can climb higher. With the combined influence of the renewed OPEC plus agreement and the lower price of oil that looks likely to happen. There are risks of course. A political crisis in the U.S. that derails everything and further declines in Chinese growth spring to mind, and there are a whole host of others as well but, on balance, the lesson from 2018 is that oil should move higher during 2019.

Lessons From The Oil Markets In 2018



Total to Launch Oil Exports From New Nigerian Field In February

Just as OPEC and partners will have started the new round of production cuts to reduce oversupply, France's total is set to begin exports from the new ultra-deep Egina oil field offshore Nigeria in February 2019, at an initial rate of just over 100,000 bpd, Bloomberg reported on Thursday, quoting a copy of a loading program for the new grade it had seen. the Egina oil field project is based on a subsea production system connected to a floating production, storage and offloading (FPSO) unit. the field's production capacity is forecast at 200,000 bpd—around 10 percent of Nigeria's total oil production, the project operator total says.

According to Bloomberg estimates, 200,000 bpd in exports will make Egina the fourth biggest Nigerian crude grade in terms of volumes. The timing of the new field start-up coincides with the OPEC/non-OPEC production cuts, from which Nigeria wasn't spared this time around. the report of start of exports also comes as oil prices continue to be depressed by market fears that the cuts may not be enough to erase the oversupply, especially if fears of slowing global economic growth materialize. Following a wave of militant violence in 2016 and early 2017, Nigeria's oil production started to recover in the latter half of 2017, when attacks on oil infrastructure subsided. This year, after some hiccups and pipeline outages during the spring and early summer, Nigeria's crude oil production has been on the rise

since August, and production is set to further increase with the imminent start-up of Egina.

Despite some concerns over the stability of Nigeria's oil operations ahead of the February elections, the country wasn't exempted from the new

OPEC+ production cut deal. Fellow African producer Libya,

alongside Iran and Venezuela, were granted exemption from the cuts, but Nigeria wasn't.

Nigerian Oil Minister Emmanuel Kachikwu told

local news outlet THISDAY last week

that the country hadn't asked for an exemption, and that it could contribute with up to 40,000 bpd to the 800,000 bpd OPEC has pledged to cut from January. the 40,000-bpd figure is some 2.5 percent of Nigeria's current crude oil production of 1.7 million bpd, the minister said.



Aramco Fights to Protect Asian Market Share Ahead Of Cuts

Aramco will ship the full volumes of crude contracted by Asian refiners in a bid to protect its market share in the biggest consuming region in the world ahead of production cuts that come into effect next month.

S&P Global Platts quotes sources from the refining and oil trading sectors in Asia as confirming refiners will not be subjected to supply cuts like the United States. Last week Bloomberg reported Riyadh could reduce crude oil exports to the United States to the lowest in three decades.

What's more, after cutting its prices considerable, Aramco also supplied additional volumes to refiners and

traders in Asia, highlighting its determination to keep the Asian market at all costs, even substantially lower revenues as oil prices remain low.

One trader with a refiner in Northern Asia told S&P Global Platts "I do not think we will take any other type of crude if we can help it. the Saudi OSPs look too attractive this month," a trader with a North Asian refiner said. this means the Saudis have lowered their prices enough to compete with Iranian crude, which is saying something given Iran's desperate need to keep its oil flowing abroad amid U.S. sanctions.

However, Iran is not the only rival. Another trader told Platts

"Despite OPEC cuts, they [Aramco] are properly looking after term customers in the East. [But the] US is a net exporter now. those barrels have to go somewhere."

The latest data on U.S. oil exports to Asia suggested an average daily rate of 1.1 million barrels. that's up from an average 627,000 bpd a year earlier, S&P Global Platts reported. to compare, the November 2018 figure is close to the amount Saudi Arabia exports daily to China alone. However, the consistent growth in U.S. production could eventually become a bigger challenge for the Kingdom in the key Asian market.



Chinese Refiners Aren't Buying U.S. Crude

Chinese refiners are not buying more U.S. oil despite the three-month truce agreed by Presidents Trump and Xi last month, Reuters reports, citing cargo loading plans of Chinese downstream operators.

According to Reuters, Chinese demand for U.S. crude has been dampened by political uncertainty around the trade war and, more directly, by relatively high costs of transportation. This means that despite the truce and future positive developments in bilateral talks on trade, U.S. oil will have yet to become a major element of China's imported crude oil mix.

One Chinese analyst told Reuters that price was the top consideration of buyers and the

price of U.S. oil simply wasn't competitive.

"Chinese companies have little incentive to buy U.S. crude due to the wide availability of crude supplies today from Iran and Russia," Seng Yick tee from consultancy SIA Energy said. Yet trade tensions are not helping, either. With the constant threat of more tariffs, refiners are reluctant to change their buying habits.

"Even though the trade tension between China and the U.S. had been defused recently, the executives from the national oil companies hesitate to procure U.S. crude unless they are told to do so." U.S. crude oil exports hit a high of 23.95 million barrels in October 2017, data from the Energy Information Administration

shows, but have since then declined, reaching 2.17 million barrels in September this year before Chinese refiners completely stopped buying U.S. crude in October.

Yet China's total oil imports in October, on the other hand, hit 40.80 million tons (9.61 million bpd), of which seaports imported 8.22 million tons. This was the highest monthly oil import amount on record, according to customs data from Beijing. The increase came despite depressed refining margins that could have motivated lower appetite for crude but apparently did not. The independent refiners drove the increase as they sought to fulfill their import quotas until year-end.

Turkey Stands Firmly Against U.S. Sanctions On Iran

Following unexpected and dramatic full and "immediate" withdrawal of all U.S. forces from Syria, Turkey has announced it will not play ball on Iran sanctions. According to a translation of the Turkish president's words on Thursday during a previously planned summit with Iranian President Hassan Rouhani in Ankara, journalist Abdullah Bozkurt reports, "Turkish president Erdogan says Turkey won't support U.S. sanctions on Iran which he claims puts regional security and stability at risk, vows to take all measures to minimize impact of sanctions on trade between the two countries, pledges support to Iran in difficult times." This is huge given that the complete U.S. reversal in policy comes following a phone call last week between President Trump and Turkish

President Recep Tayyip Erdogan, wherein Erdogan is reported to have pressed the Kurdish problem and presence of U.S. troops. The United States needs Turkey as a key regional economy if it hopes to effectively strangle Iran through sanctions. Without Erdogan, analysts believe, Iran will be able to weather the storm long term.



Why Russia Isn't Worried About Lower Oil Prices



Even as Saudi Arabia has scrambled to prevent a bust in the oil market, so far failing to head off a dramatic price slide, Russia seems just fine with prices where they are.

Russia is a key piece of the oil price puzzle. OPEC, once a coalition of oil-producing members that made joint decisions to maintain market stability, has morphed into a Saudi-led cartel that desperately needs Russian cooperation to strengthen the group's efforts. Many OPEC members are either at maximum capacity, are suffering from production declines at aging fields, or are characterized by instability, making any promises to boost or cut production hollow. that leaves Saudi Arabia and its new strategic partner, Russia.

But Russia is not as desperate for higher oil prices as is Saudi Arabia. there are a few reasons for this. One of the key reasons is that the Russian currency is flexible, so it weakens when oil prices fall. that cushions the blow during a downturn, allowing Russian oil companies to pay expenses in weaker rubles while still taking in U.S. dollars for oil

sales. Second, tax payments for Russian oil companies are structured in such a way that their tax burden is lighter with lower oil prices.

Saudi Arabia needs oil prices at roughly \$84 per barrel for its budget to breakeven. the international outrage over the murder of Saudi journalist Jamal Khashoggi has also left Riyadh isolated. the hyped-up economic reform plans from

crown prince Mohammed bin Salman are in tatters, and Saudi Arabia is back at the drawing board, in desperate need of higher oil prices.

Russia is more stoic in the face of an oil price meltdown. "the drop in oil prices hardly bother us because our budget is based on \$42 a barrel," First Deputy Prime Minister Anton Siluanov told reporters in Moscow on December 26. "the price can stay around \$40-\$50 for a time -- six months or a year," Siluanov said, before adding: "We think this won't last long." But even if the price downturn does persist, Russia won't be in trouble because of its ample foreign exchange reserves, he said.

Igor Sechin, the head of Russia's state-owned Rosneft, said that oil prices "should have stabilized, because everyone was supposed to be scared" by the enormous OPEC+ production cuts. "But nobody was scared," he said, according to Bloomberg. He blamed the Federal Reserve's rate tightening for injecting volatility into the oil market, because traders have sold off speculative positions in the face of higher interest rates.

the bottom line is that Russia does not feel the same urgency as Saudi Arabia. It was only a matter of days after Russia agreed to the OPEC+ agreement – which called for production cuts of 1.2 million barrels per day (mb/d) beginning in January – that Russian officials suggested that their output would only decline slightly at the start of the New Year.

Russia's oil minister Alexander Novak said in mid-December that output could dip by a modest 50,000 to 60,000 bpd in January, far short of the roughly 230,000 bpd of cuts Russia is supposed to take on. that would put Russian output at about 11.35 mb/d, not far from the post-Soviet high of 11.41 mb/d hit in October. "Everything will depend on technological and climate possibilities. We will get proposals from the companies," Novak said, according to Reuters. "We will see how the situation would evolve."

At the same time, Novak offered the market some assurances that the OPEC+ coalition would step in to stabilize the market if the situation deteriorates, suggesting that OPEC+ has the ability to call an extraordinary meeting. He told reporters on thursday that the market still faces a lot of unknowns. "All these uncertainties, which are now on the market: how China will behave, how India will behave... trade wars and unpredictability on the part of the U.S. administration... those are defining factors for price volatility," Novak said.

Nevertheless, Novak predicted the 1.2 mb/d cuts announced in Vienna would be sufficient.

KHANDAN



صرافی خندان

با مجوز رسمی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت : ۴۵۶۳۵

ارسال و دریافت انواع حواله های بین المللی

همگام و همراه با بازرگانان صنعت نفت، گاز و پتروشیمی

۰۹۱۲۱۰۸۷۱۷۵

۰۷۱۳-۳۶۰۷۷۰۰۰-۲